

آیا جزوه را از سایت ما دانلود کرده اید؟

کتابخانه الکترونیکی **PNUEB**

پیام نوری ها بشتابید

مزایای عضویت در کتابخانه **PNUEB**:

دانلود رایگان و نامحدود خلاصه درس و جزوه

دانلود رایگان و نامحدود حل المسائل و راهنما

دانلود کتابچه نمونه سوالات دروس مختلف پیام نور با جواب

WWW.PNUEB.COM

کتابچه نمونه سوالات چیست:

سایت ما **افتخار** دارد برای اولین بار در ایران توانسته است کتابچه نمونه سوالات تمام دروس پیام نور که هر یک حاوی تمامی آزمون های برگزار شده پیام نور (تمامی نیمسالهای موجود **فتی الامکان** با **جواب**) را در یک فایل به نام کتابچه جمع آوری کند و هر ترم نیز آن را آپدیت نماید.

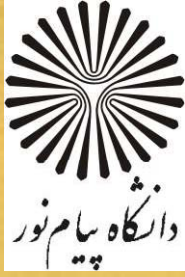
مراحل ساخت یک کتابچه نمونه سوال

(برای آشنایی با زحمت بسیار زیاد تولید آن در هر ترم):

دسته بندی فایلها - سرچ بر اساس کد درس - پسابندن سوال و جواب - پیدا کردن یک درس در نیمسالهای مختلف و پسابندن به کتابچه همان درس - پسابندن نیمسالهای مختلف یک درس به یکدیگر - وارد کردن اطلاعات تک تک نیمسالها در سایت - آپلود کتابچه و فیلدی موارد دیگر..

همچنین با توجه به تغییرات کدهای درسی دانشگاه استثنائات زیادی در ساخت کتابچه بوجود می آید که کار ساخت کتابچه را بسیار پیچیده می کند.

WWW.PNUEB.COM



کتابخانه الکترونیکی **PNUEB**
WWW.PNUEB.COM

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

پیام خدا



شناسنامه:

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

اسلایدهای کتاب تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها تا پایان
دوره هخامنشی (درسنامه)

مؤلف دکتر پرویز رجبی

تهیه کننده: دکتر هوشنگ خسروبیگی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

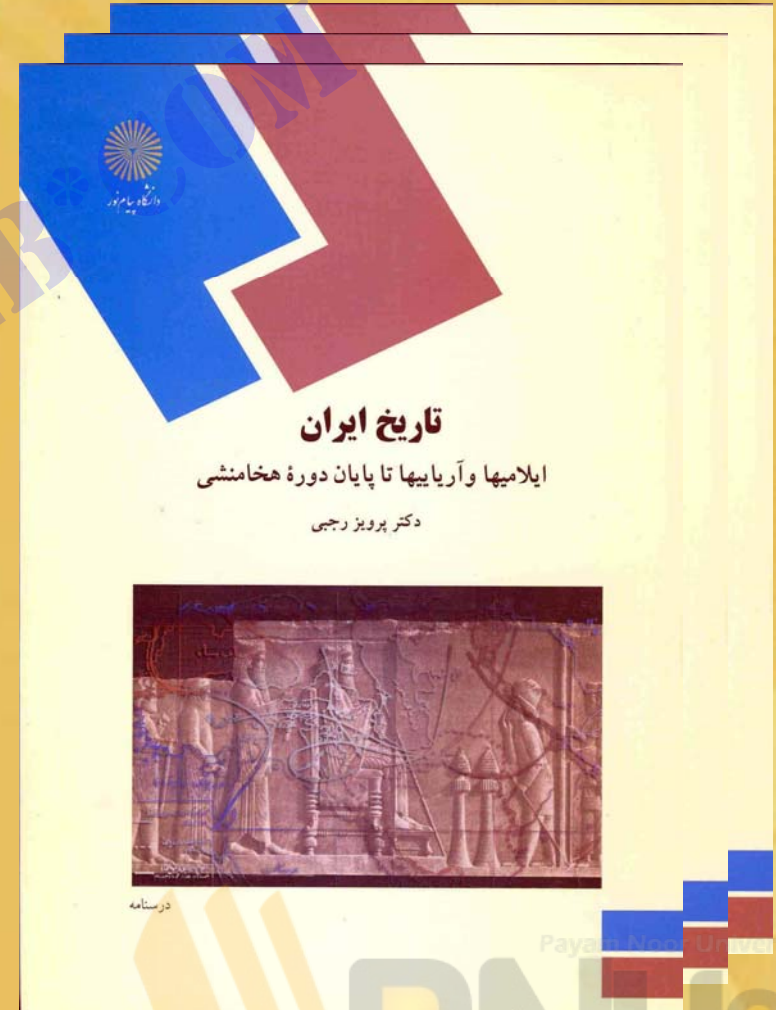


تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها تا پایان دوره هخامنشی

• درس تاریخ ایران از ایلامیها و آریاییها تا پایان دوره هخامنشی از درس های الزامی رشته تاریخ در مقطع کارشناسی و به ارزش 4 واحد است.

• هدف درس :

• آشنایی با عوامل اصلی و اساسی پیدایش جامعه، تمدن و تاریخ ایران و بررسی علل تعالی و ترقی آن در عصر هخامنشیان و سرانجام نخستین دوره از درخشش تمدن ایرانی است.



درستنامه

Payam Noor University Ebook

PNUEB



جغرافیای طبیعی ایران

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

مرزهای طبیعی ایران:

در **شمال** رود ارس در میان جمهوری آذربایجان و آذربایجان ایران، دریای مازندران و رود اترک میان خراسان و ترکمنستان؛ در **جنوب** مرز دریایی خلیج فارس و دریای عمان؛ در **غرب** کوه‌های زاگروس در میان ترکیه و عراق و از **جنوب شرقی به بالا** کوه‌های بلوچستان، بیابان‌ها و شورزارها و کوه‌های شرق خراسان، که ایران را از پاکستان و افغانستان جدا می‌کنند.

برخی ویژگیهای طبیعی ایران:

- طولانی‌ترین فاصله میان دو نقطه ایران از شمال غربی تا جنوب شرقی حدود 2250 کیلومتر است.
- **نصف** خاک ایران کوهستانی و **یک‌چهارم** آن بیابان است.
- **بلندترین** قله کوه‌های ایران آتش‌فشان خاموش دماوند در سلسله کوه‌های البرز است.

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی



پیدایش دولت و تمدن ایلامی

منابع اصلی شناسایی تاریخ ایلام:

1- باید **نخستین آشنایی با حضور ایلامیها** را مدیون تورات باشیم که بیشتر از 20 بار نام ایلام را آورده است. البته به صورت **سامی عیلام**.

برخی اطلاعات تورات در مورد تمدن ایلام

2- نبشته‌های شاهان بین‌النهرین و آشور. این دولت‌ها به سبب نیاز به فرآورده‌های بلندی‌های انزان ناگزیر از حمله‌های مکرر به ایلام بودند. از جمله به کمک نبشته‌های سومری می‌توانیم از حدود 2680 ق م به آگاهی‌هایی چند درباره ایلام دست یابیم.

3- نبشته‌ها و تصویر لوح‌های گلی و مهرهای ایلامی. مهر علاوه بر نقش عملی، به گمان به صورت طلسم نوعی اهمیت دفاعی نیز داشت.

کار پروفیسور هینتس، ایران‌شناس فقید آلمانی، که برای نخستین بار باتکیه بر کتیبه‌ها و نگاره‌های به دست آمده، تاریخ و تمدن ایلام را کاویده است، **تنها منبع اصلی ایلام شناسی** است.

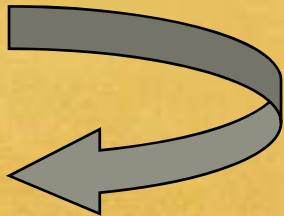


پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

برخی اطلاعات تورات در مورد تمدن ایلام :

- (1) در سال 30م، در میان شاهدان یهودی عروج مسیح ،
مردمی نیز از ایلام حضور داشته‌اند.
- (2) در سفر پیدایش با این‌که از ایلام در مقام نخستین پسر سام
یاد شده، به گمان، بیشتر قلمرو جغرافیایی منظور نظر بوده
است؛ چون ایلامی‌ها در همسایگی شرقی بین‌النهرین
مدت‌ها زیر فرمان قوم‌های سامی بودند.



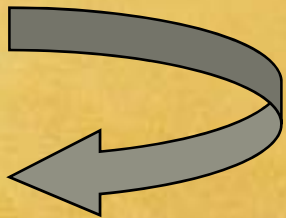


پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

برخی اطلاعات تورات در مورد تمدن ایلام :

- (3) در جای دیگر از کدر لاعم، شاه ایلام سخن می‌رود. جای این نام با اینکه در نبشته‌های ایلامی خالی است، اما ایلامی به نظر می‌رسد.
- (4) در سومین سال فرمانروایی بلسزر (بلشصر تورات)، در 543 ق م، دانیال نبی در شوش، در کنار رود اولای، که هنوز بخشی از قلمرو بابل بود، در رویا با جبرئیل رو به رو می‌شود.





پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

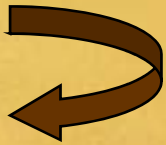
خط ایلامی:

1. ایلامی ها در آغاز از **خط تصویری سومری** استفاده می کردند.

2. در سده های پس از 2900 ق م مانند سومریها از این خط تصویری ، **خط هندسی (مخطط)** خود را ساختند. در 1961 م هیئتس موفق به بازخوانی آن شد.



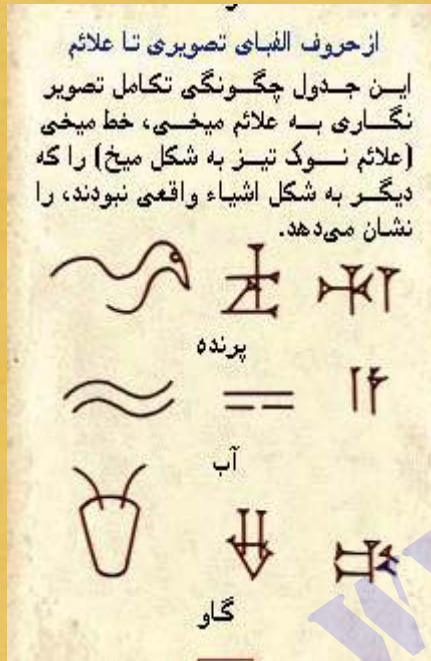
مجسمه سومری





پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



3. در 2220 ق م خط هندسی متروک شد و

جای خود را به **خط میخی برگرفته از**

اکدی داد. این خط تا سقوط ایلام در 640

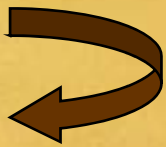
ق م دوام آورد. چون نوشته های شاهان

هخامنشی اغلب به سه خط فارسی، بابلی

و ایلامی اند. دانشمندان توانسته اند تا

حدودی خط میخی ایلامی را باز خوانی

کنند.





پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4. سهم ایلام در پیدایش خط میخی فارسی باستان بسیار تعیین کننده است. **خط میخی فارسی باستان** مدیون فرهنگ و تمدن ایلامی در اقتباس خط از بین النهرین و تکامل بخشیدن به آن است. **بهترین دبیران هخامنشی ایلامی بودند. اسناد بایگانی هخامنشی به خط و زبان ایلامی است.**



پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

موقعیت جغرافیایی ایلام :

1- بخش جلگه های پست :

سرزمین ایلام به سبب وجود کوه‌های زاگرس در شمال شرقی و به خاطر شیب‌ملایم خود به خلیج فارس، در مقایسه با بخش‌های داخلی فلات ایران، دارای رودهای پرآب و آرامی است به همین لحاظ از دیرباز بسیار حاصلخیز بوده است. با این همه در زمان فرمانروایی اونتاش-نپیریشا، یکی از شاهان مقتدر ایلام، کانالی در هفت تپه امروزی کنده شد که نشان از توجه ایلامی‌ها به آبیاری دارد. بومی‌ها این کانال را کانال داریوش می‌نامند.



پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

موقعیت جغرافیایی ایلام :

2- بخش کوهستانی:

اگر ایلام کوه‌های لرستان و بختیاری را در شمال شرقی و شرق و جنوب شرقی خود نمی‌داشت، هرگز به شکوفایی و غنا دست نمی‌یافت. **این قلمرو کوهستانی را ایلامی‌ها انزان یا انشان** می‌نامیدند. سومری‌ها سرزمینی را که ما امروز با نام ایلام می‌شناسیم **الام** می‌خواندند و آن را با نشان‌های NIM به معنی **بالا** می‌نوشتند. چون ایلام برای مردم بین‌النهرین سرزمینی مرتفع‌تر از بین‌النهرین بود. بنا بر این می‌توان گمان کرد، که ایلام در اصل به جای جلگه‌های پست خوزستان در جایی مرتفع، یعنی کوه‌های لرستان و بختیاری قرار داشته است.

نقشه موقعیت ایلام



پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



موقعیت
جغرافیایی ایلام

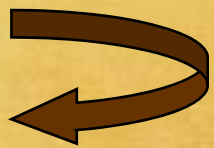


پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

موقعیت جغرافیایی شوش:

در زمان ایلامیها رودهای کرخه و دز با شاخه‌ای از کرخه، که بخشی از آن مصنوعی بود و ایلامیها آن را **اولای** می‌نامیدند، به یکدیگر وصل بودند و شوش پایتخت ایلام در میان دو بازوی اولای و شبکه‌ای غنی از راه‌های آبی قرار داشت. **شوش با راه‌های آبی کرخه، اولای، دز و کارون به خلیج فارس می‌پیوست.** امروز اولای بانام شعور، رود نحیفی است که از کنار آرامگاه دانیال نبی گذشته و به دز می‌پیوندد.





پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

موقعیت جغرافیایی شوش:

شوش علاوه بر راه‌های آبی دارای **راه‌های پر اهمیتی** نیز بود:

1. سه راه‌کاروان به سوی غرب به عماره، در عراق امروزی، منتهی می‌شد، که تا بابل يك هفته راه فاصله‌داشت.
2. به سوی شمال راهی از کنار کرخه و از خرم‌آباد و بروجرد کنونی به ری می‌رفت.
3. راه سومی شوش را، با عبور از شوشتر و ایذه، به اصفهان می‌پیوست و با شاخه‌ای از طریق بهبهان، باشت و فهلیان به تخت جمشید یا شیراز می‌رسید.

نقشه هوایی قدیمی شوش



پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

• نقشه هوایی قدیمی شوش





پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

نام ایلام :

ایلامی‌ها نام کشور خود را، به خط میخی **هل-ته-ام-تی** می‌نوشتند و احتمالاً منظورشان **هل-تمپت**، و **هل** به معنی کشور و **تمپت** به معنی خداوندگار (بخشنده)، بوده است.

از حدود 1000 م جغرافی‌دان‌های اسلامی از زبانی ناشناس در خوزستان بانام خوزی یاد می‌کنند. این زبان خوزی ظاهراً واپسین بازمانده زبان ایلامی است.

نام **خوزا در نیشته‌های داریوش به جای ایلام به کار می‌رود** و در متن‌های یونانی خوزی‌ها ظاهراً همان قوم سرکشی اند که بر سر راه شوش به تخت جمشید از سپاه اسکندر برای عبور از این راه باج خواستند و اسکندر با زحمت موفق به سرکوب آنها شد.

از قرون وسطی ایرانیان، ایلام را خوزستان می‌نامیدند.



پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

سرزمین ایلام و بین النهرین:

ایلام که از نظر تمدن شهرنشینی به بلوغ تعیین کننده‌ای رسیده بود، برای بین النهرین از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. سومری‌ها و بابلی‌ها خواه به زور و جنگ و خواه از طریق دادوستد، چوب برای مصارف ساختمانی، مس، سرب، قلع، مرمر و انواع سنگ‌های زینتی و قیمتی و سرانجام اسب مورد نیاز خود را از ایلام تامین می‌کردند.



پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



خاستگاه ایلامیها :

ایلامیها با لولوبیها (کوهنشینان لر شمال غربی خوزستان) مشترکات چندی داشته اند. با توجه به نقش رنگی سربازان گارد ایلامی داریوش، درکاشیهای کاخ شوش، ظاهراً چهره ایلامیها از نظر مردمشناسی متفاوت بوده است.





پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



گارد شاهی در این کاشی‌ها از سه نژاد تشکیل یافته‌اند :
یک دسته سفید پوست‌اند، که پارس‌ها هستند. دسته دیگر
پوستی قهوه‌ای یا گندمگون و گروه سوم رنگی تیره و
تقریباً سیاه دارند. پیداست که دسته اخیر ایلامی
بوده‌اند. گمان می‌رود که گارد گندمگون از
ایلامی‌های کوهستان باشند که امروز لر نامیده
می‌شوند. در هر حال نژاد ایلامی‌های زمین‌های پست
بیشتر تحت تاثیر قوم‌های آریایی قرار گرفته‌است تا
سامی‌ها و ایلامی‌های لر.



پیدایش دولت و تمدن ایلامی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1-سلسله آوان در ایلام	تاریخ ایلام در آغاز
2-سلسله سیماش	
3-سلسله اپارت	
1-سلسله ایگه هالکی	تاریخ ایلام دوره کلاسیک
2-سلسله اینشوشینک	
شوتروکیان	تاریخ ایلام نو



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

تاریخ ایلام

سلسله های شاهي در ایلام در آغاز:

در طول نخستین هزاره تاریخ شناخته شده ایلام، از 2500 تا 1500 ق م، با 3 سلسله شاهي آشنا می شویم.

1. **سلسله آوان** شاید در حوالی دزفول امروزی.

2. **سلسله سیماش** شاید در حوالی خرم آباد.

3. **حکمرانان به اصطلاح بزرگ (بزرگ حکمرانان)** که ظاهراً تبارشان به سلسله سیماش می رسید.

تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



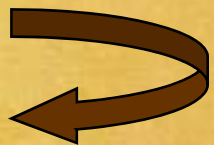
تقسیمات تاریخ ایلام:

تاریخ ایلام در آغاز:

1-سلسله آوان در ایلام:

□ به گمان خیلی پیشتر فرمانروایی نیرومندی به نام آوان در ایلام وجود داشته که ظاهراً برای مدت زیادی بین‌النهرین را نیز زیر فرمان خود داشته است.

□ در سال 2550 ق م شاهی از کیش توانست خود را از زیر یوغ ایلام برهاند. سپس در ایلام سلسله‌ای روی کار آمد که 12 شاه داشت. از پلی موسس این سلسله و شش شاه پس از او جز نام چیزی نمی‌دانیم.





تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- کوتیک-اینشوشینک، فرمانروای مطلق‌العنان ایلام در 2250 ق م، از خط هندسی (مخطط) بومی برای نوشتن اعلامیه‌های مهم خود استفاده کرد.
- سامی‌سازی تمدن ایلام در این دوره شروع و ادامه یافت.
- با مرگ آخرین پادشاه آوان (حدود 2220 ق م) سرزمین ایلام در تاریکی فرو رفت و فرمانروایی به دست خاندان سیماش افتاد و خط مخطط نیز از دور خارج شد.



تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

تقسیمات تاریخ ایلام:

تاریخ ایلام در آغاز:

2-سلسله سیماش:

به احتمال قوی این سلسله از کوه‌های لرستان و مرکز آن خرم‌آباد امروز بود. با این تحول، حدود یک قرن خبری مکتوب از خود ایلام نداریم و فقط در نبشته‌های گودا، فرمانروای سومری لاگاش، از ایلام یاد می‌شود.

تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



تقسیمات تاریخ ایلام:

تاریخ ایلام در آغاز:

3-سلسله اپارت:

(1) در 1850 ق م مردی به نام اپارت با شورش قدرت را از سلسله سیماش ربود و سلسله جدیدی را بنیان می‌نهد.

(2) از این تاریخ، یعنی از حدود 1800 تا 1500 ق م، آگاهی ما از تاریخ ایلام تنها محدود می‌شود به اسناد حقوقی و اقتصادی که بیشتر آن‌ها به زبان اکدی است.





تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3-سلسله اپارت:

(3) حکومت این دوره ایلام کم و بیش مانند دوره‌های آوان و سیماش در دست **ملوکطوائف** است، که در راس اتحادیه آنها شاهی بالادست قرار داشت و اصطلاحاً **شاه انزان و شوش** نامیده می‌شد. کنار این شاه **نایب‌السلطنه‌ای بود که طبق سنت برادر شاه** بود و در آینده جانشین او می‌شد. اینان حکمران ایلام و سیماش خوانده می‌شدند. اگر شاه برادر نداشت پسر عموی او به این مقام برگزیده می‌شد و در صورت نبود پسر عمو، این مقام به امیر شوش می‌رسید و شاه می‌توانست پسر خود را امیر شوش خوانده و او را به این مقام برساند.





تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3-سلسله اپارت:

(4) اپارت پسر خود سیلههه را امیرشوش کرد. سیلههه پس از مرگ پدر در 1830 تا 1800 ق م با عنوان شاهانزان و شوش حکومت کرد و از چنان شهرتی برخوردار شد که به جایی پدر، به پدرسلسله اپارت در تاریخ شهرت یافت. پس از او، دو برادرزاده او یکی پس از دیگری به حکومت رسیدند و سرانجام به سبب نبود جانشین، خواهر **سیلههه، تنها زن فرمانروا در تاریخ شناخته شده ایلام، به سلطنت رسید.**

(5) در 1764 ق م، ایلام از حمورابی شکست خورد و برای مدتی طولانی قدرت خود را به نام یک کشور مستقل از دست داد.





تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3-سلسله اپارت:

(6) در 1730 ق م ، کوتر-ناهونته حکمران بزرگ ایلام می شود و برای گرفتن انتقام به بین النهرین حمله می برد.

(7) کفه قدرت در روابط میان ایلام و بین النهرین در نیمه نخست هزاره دوم ق م همواره در حال نوسان بوده و در مجموع تفوق بین النهرین چشمگیر است. این برتری را بیشتر می توان در تاثیر فرهنگ اکدی در ایلام، برای نمونه در انتخاب زبان بابلی برای اسناد ایلامی، مشاهده کرد.



تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

تقسیمات تاریخ ایلام:

تاریخ دوره کلاسیک ایلام (1100-1300 ق م):

1-سلسله ایگه هالکی:

کاسیان بر بابل حکومت می‌راندند، که سلسله جدیدی به دست ایگه-هالکی بنیان گذاشته شد. **دوره طلایی ایلامی‌ها در زمان این سلسله بود**، که کاملاً از زیر نفوذ بابل بیرون رفتند و هنر ایلامی در همه عرصه‌ها، مخصوصاً با **بنای معبد مشهور چغازنبیل**، به اوج شکوفایی خود رسید. آخرین پادشاه این سلسله چند بار به بین‌النهرین و شمال حمله کرد و به گمان سرانجام از آشوریان شکست خورد و ایلام گرفتار هرج و مرج داخلی شده و بالاخره حکومت سلسله‌ای که ایگه-هالکی تاسیس کرده بود منقرض شد.



تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

تقسیمات تاریخ ایلام:

تاریخ دوره کلاسیک ایلام (1100-1300 ق م):

2- سلسله اینشوشینک:

2-1- هالوتوش- اینشوشینک (حدود 1185-1293 ق م):
بنیانگذار سلسله جدید ظاهرا از جنوب شرقی انزان بود.



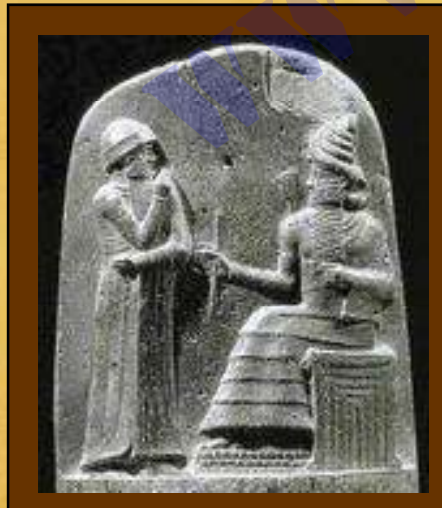


تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- سلسله اینشوشینک:

2-2- شوتروک-ناهونته: حمله به بین‌النهرین برد و **برای همیشه به فرمانروایی کاسی‌ها بر بابل پایان داد.** از جمله غنیمت‌هایی که به دست شوتروک-ناهونته افتاد **کتیبه‌قانون حمورابی** بود، که در زمان ما از خاک بیرون آمد و به موزه لوور منتقل شد.



حمورابی





تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- سلسله اینشوشینک:

2-3- شیلهاک- اینشوشینک برادر شوتروک- ناهونته: **بزرگترین شاه ایلام** است. در زمان او ایلام از نظر سیاسی به بالاترین حد و شاید از نظر بازرگانی و اقتصادی به اوج خود رسید، اما کوشش در گستراندن مرزهای کشور عامل موثر فروپاشی امپراتوری پس از مرگ شاه شد. **از این شاه بیشتر از همه شاهان ایلام نبشته بر جای مانده است.**



تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



تقسیمات تاریخ ایلام:

تاریخ دوره کلاسیک ایلام (1100-1300 ق م):

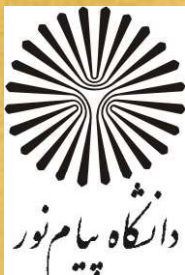
2- سلسله اینشوشینک:

شیلهاک-اینشوشینک بارهابه بینالنهرین لشکرکشی کرد، اما با برآمدن شاه نیرومندی چون نبوکدنزر در بابل و بامرگ شیلهاک، ایلام به ورطه فروپاشی کشانده شد.



تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



تقسیمات تاریخ ایلام:

تاریخ دوره کلاسیک ایلام (1100-1300 ق م):

2- سلسله اینشوشینک:

در نگاره‌های مربوط به شیلهاک که در جنوب ایذه به دست آمده، شاه و ملکه، در حالی که دو دختر خود را در دست چپ و دو پسر را در سمت دیگر دارند، در حال ادای احترام به یکدیگر نقش بسته‌اند. تاکنون تصویری خانوادگی از این دست از هیچ کجای آسیای مقدم به دست نیامده است.





تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

تقسیمات تاریخ ایلام:

تاریخ دوره کلاسیک ایلام (1100-1300 ق م):

2- سلسله اینشوشینک:

2-4- هوتوتوش- اینشوشینک: پسر بزرگ شیلهاک. در زمان او ایلام چنان در ساحل اولای مقهور نبوکدنزر شد، که برای مدتی طولانی از صفحه تاریخ گم شد. با مرگ هوتوتوش- اینشوشینک دوره کلاسیک تاریخ ایلام به پایان می‌رسد.



تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

تقسیمات تاریخ ایلام:

تاریخ ایلام نو (640-750 ق م):

1- به تخت نشینی هومبان نیکاش بنیانگذار سلسله جدید ایلام. شاهان سلسله جدید خود را از شوتروکیان ایلام باستان می‌دانند.

2- در سلطنت هومبان-نیمنا (687-692 ق م) در میان نیروهای این شاه، برای نخستین بار به نیرویی از پارسواش نیز برمی‌خوریم. ظاهراً در این زمان پارس‌ها در بخشی از انزان (انشان) سکنا گزیده بوده‌اند.



تاریخ ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



سواران آشوری



3- در جنگهای پیاپی ایلامی ها و آشوریان سرانجام در 639 ق م، آشوریان به فرمانروایی آشور بنی پال پیروز شدند و ایلام و پایتختش ویران شد. مدتی بعد نیز ایلام برای همیشه هویت خود را به نام یک کشور از دست می دهد. اینک شمال ایلام در دست مادها بود و منطقه شرق کشور در دست پارس ها.



فرهنگ و دین ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- ایلامیها، به رغم برداشتهای زیادی که از فرهنگ
بین النهرینی داشتند، فرهنگی **کاملاً متفاوت** از همسایگان خود
داشتند.





فرهنگ ودین ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- در فرهنگ ایلامی دین نقش تعیین کننده ای دارد. همه خدایان دارای نیرویی اسرار آمیز (نیروی موثر خدایی) بودند. این نیرو در زبان ایلامی **کیتن یا کیدنو** نامیده می شد. فرمانروایان ایلام اریکه قدرت خود را با **پشتیبانی جادویی کیتن** حفظ می کردند و در برخورد با رعایای خود گمان داشتند، که کارگزار زمینی **کیتن** هستند. هر خدایی کیتن خود را داشت، با این همه **کیتن هومبان از موقعیت ویژه ای** برخوردار بود.





فرهنگ ودین ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- برج غول پیکر چغازنبیل (زیگورات چغازنبیل) با 7 دروازه در مرکز شهر مقدس دور- اونتاش از جمله اماکن دینی ایلامی ها است. بابلی ها بناهایی از این دست را، که از هر سو به شکل پلکان است، زیگورات می نامیدند. به گمان عدد 7 برای ایلامیان نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است.





فرهنگ ودین ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- بسیاری از باورهای ایلامیها نه تنها در فلات ایران به حیات خود ادامه داده‌اند، گاهی به بیرون از مرزهای سیاسی نیز راه یافته‌اند. مثلاً مار که در فرهنگ ایلام نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و به صورت جفت سمبل باروری است و در نقش سفال‌ها، در مقام عنصری نگهبان، حضوری دائمی دارد، تا به مصر رخنه کرده است. ماری که سر آدمی دارد از جایگاه ویژه این خزنده در باور ایلامیها خبر می‌دهد.



حقوق در ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- حقوق مدنی و جزایی ایلام در جریان سامی سازی منطقه تحت
تأثیر فرهنگ اکدی قرار گرفته است. ظاهراً هرگاه که ایلام از
نظر سیاسی زیر نفوذ بین‌النهرین قرار داشته، **قانون‌های بابل**
نیز اعتبار می‌یافته‌اند. **به گمان قانون معروف حمورابی نیز،**
در کنار قانون‌های بومی، در ایلام معتبر بوده است.





حقوق در ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- در متن‌های حقوقی سخن از **راهنمای حقوقی خدایی** به **نام اینشوشینک** می‌رود. تنها در يك متن، خدایی به نام **ایشمکرب** (بعدها: **ایشنیکرب**) نیز در کنار اینشوشینک آمده است.





حقوق در ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- در نظر ایلامیها آنچه در دنیای مادی وجود دارد، مانند
مزرعه‌ها، چراگاه‌ها، ساختمان‌ها، باغ‌ها، غله، نقره و غیره
هدیه‌هایی از سوی خدایان است.





حقوق در ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- نقش کیتن در حقوق ایلام قابل درک است. **در کنار قانون دینی قانون عادی دنیوی نیز** وجود داشت که از سوی فرمانروای وقت وضع می‌شد. با اینکه برای ایلامیان قانون‌های خاصی ناشی از خدایان، مخصوصاً اینشوشینک و ایشمکرب بودند، اما این قانون‌ها بیشتر به صورت راهنما یا رویه حقوقی عمل کرده و متناسب با مسأله‌های دنیوی روز بودند.





حقوق در ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- شاهان ایلام نه تنها قانون‌های موجود را به نام خود حفظ می‌کردند، بلکه خودقانون‌های جدیدی را به آن می‌افزودند. در هر حال اساس همه قانون‌های دنیوی رویه‌های قضایی کیتن بود.

6- مراسم دادگاه، در محوطه معبدناهونته، خدای خورشید، انجام می‌گرفت.





حقوق در ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- حکم از سوی قاضی دنیوی صادر می‌شد و روحانیان تنها در مقام شاهد در دادگاه حضور می‌یافتند. به نظر می‌رسد که حقوق مدنی و اجتماعی زن از هزاره دوم ق م رو به بهبود نهاده و تقریباً با حقوق مرد برابر شده باشد.





حقوق در ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

8-خدایان ایلامی:

خدای و اضع قانون	اینشوشینک
خدای اجرای قانون تعیین میزان بهره و تعیین اوزان	ناهونته
موکل دادوستد	خدای خورشید



هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

نمونه های هنر ایلامی:

1- زیگورات چغازنبیل در نزدیکی شوش نمونه‌ای از معماری ایلام است.





هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

نمونه های هنر ایلامی:

زیگورات چغازنبیل نخست در 1933 م توسط براون، (افسر زلاندی) کشف شد
و سپس بوسیله هیات گیرشمن فرانسوی، از 1951 تا 1962 م به طور کامل
از زیر خاک بیرون آورده شد.

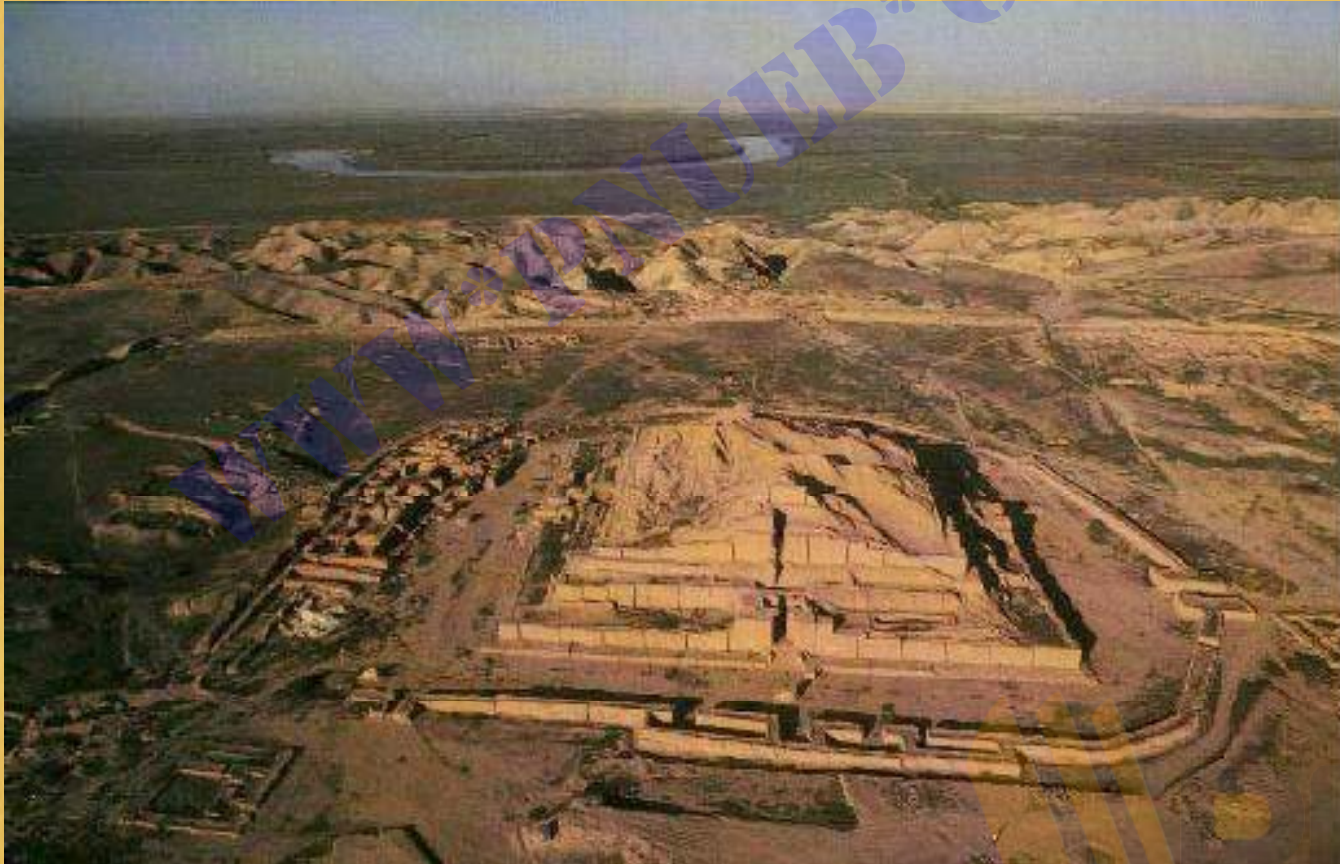




هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

زیگورات چغازنبیل در شهر دور-اونتاش قرار داشت. این شهر در 640 ق م به فرمان آشوربنیپال در جنگ با هومبان هالتاش، آخرین شاه ایلام، ویران شد.

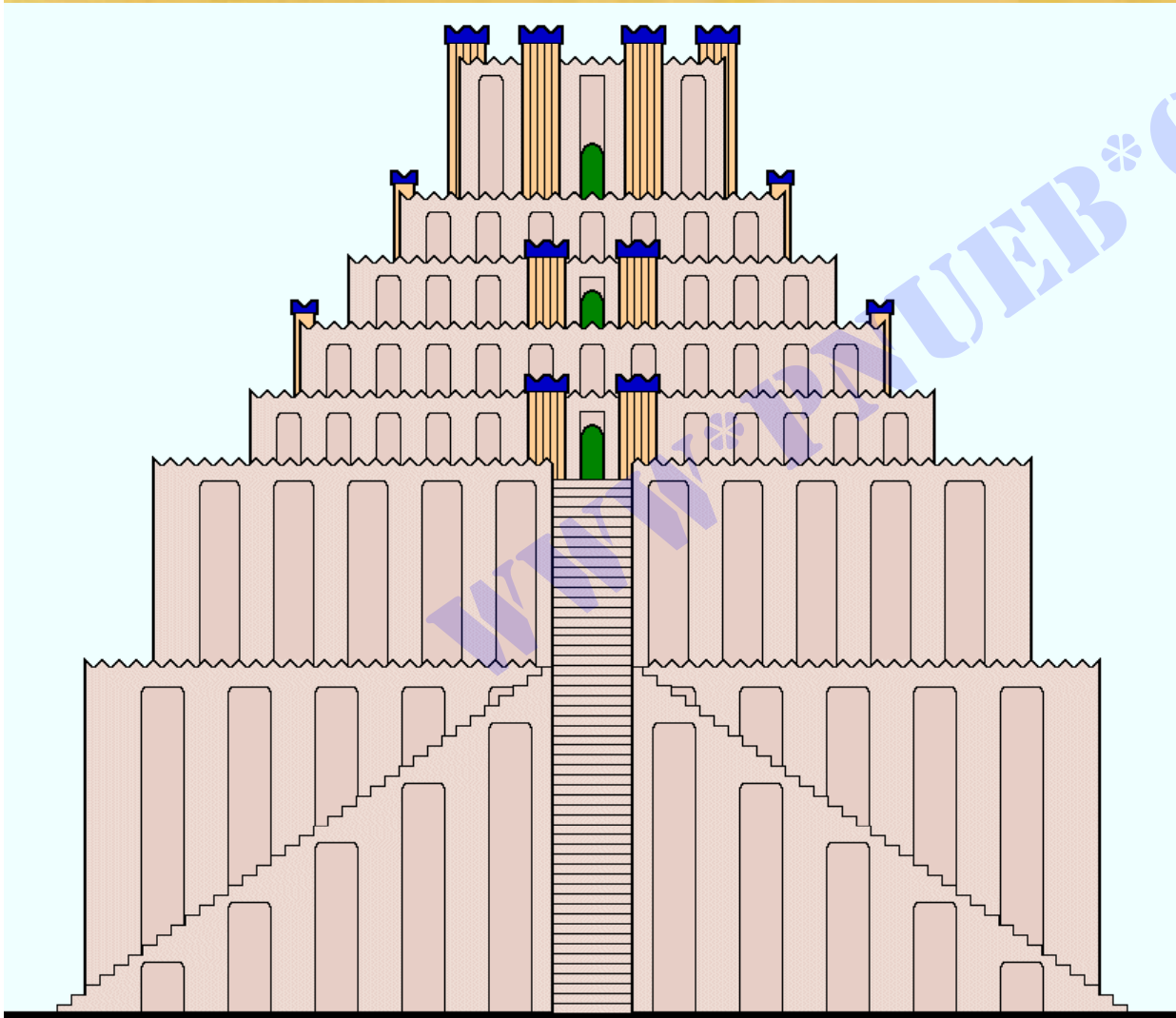


هنر ایلام



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

زیگورات





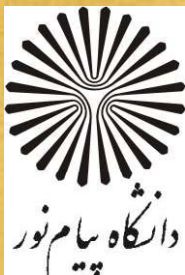
هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- مهرهای ایلامی:

خلاقیت هنرمندان ایلامی با نقش مهرهای هزاره سوم ق م به اوج خود می‌رسد. **نقش این مهرها معمولا جانوران مرکب در اشکال متنوع است. جانور مرکب آفرینش خالص هنرمند ایلامی است، که به بین‌النهرین و مصر باستان نیز راه پیدا کرده است.** مهرهای استوانه‌ای و لوح‌هایی به خط میخی ایلامی، اکدی و سومری زیادی در شوش کشف شده است..





هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- سفال های ایلامی:

شوش از نظر هنر سفال سازی مقام نخست را دارد. در حقیقت
سفال پیش از تاریخ ایران، نخست در قلمرو شوش پیدا شد.





هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- سفال های ایلامی:

هنگامی که برای نخستین بار سفال منقوش شوش با طرح های شگفت انگیزی از جانوران به دست آمد، این سفال قدیمی ترین سفال منطقه معرفی شد. نمونه **مشهور سفال شوش، ساغری** است بزرگ با نقش بز کوهی، که در موزه لوور نگهداری می شود و سرآمد سفال منقوش آسیای مقدم است. تعادل در اجرای طرح این ساغر آن را به شاهکاری هنری تبدیل کرده است. برخی سفالهای مکشوفه در شوش به دو دسته تقسیم می شوند: یکی سفال منقوش چند رنگ و دیگری سفال منقوش یک رنگ.





هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



3-مجسمه ها و اشیا گلی و فلزی ایلامی:
مانند تندیس زنان از جنس عاج، مجسمه
کوچک و بزرگ برنزی و جواهر متعلق
به شاه. سنگهای یادبود و هزاران مجسمه
بسیار کوچک، مانند عروسک از گل پخته.





هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- مجسمه ها و اشیا گلی و فلزی ایلامی:

در حقیقت باید خاستگاه
هنر برنز ایلام
را در لرستان، شاید در
نهاوند و
هرسین امروزی جست.

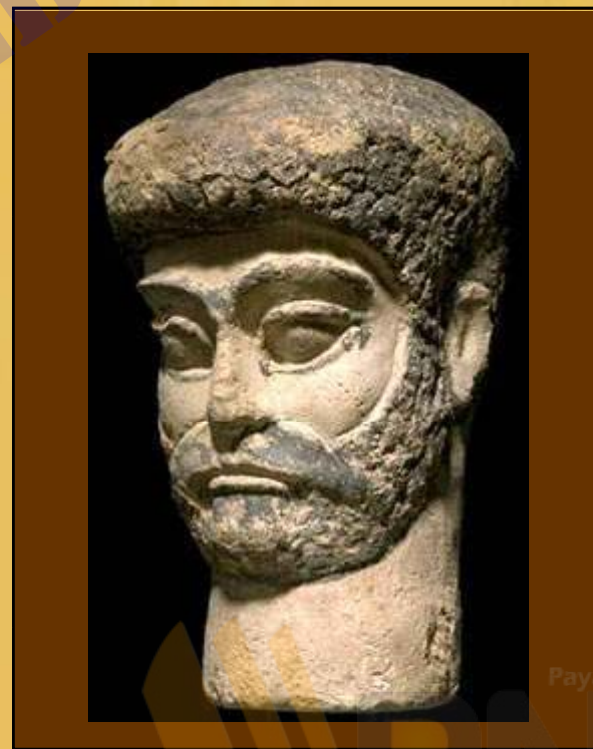




هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

نمونه هایی از
اشیا مکتشفه ایلامی





تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

هنر ایلام

نمونه هایی از
اشیا مکشوفه ایلامی





هنر ایلام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- لباس ایلامی:

لباس معروف به لباس هخامنشی باید که از ایلامیها اقتباس شده بوده باشد. با این تفاوت که لباس ایلامیها به مراتب کم کار تر بوده و هنوز فراخی زمان داریوش را نداشته است. در نگاره پلکان شرقی آپادانا کلاه گرد نگهبانان و کارمندان پشت سر شاه نیز، با توجه به کلاه ایلامیها در نگاره‌های آشوری، از آنها گرفته شده است.



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

آریاییها

سرزمین ایران از دیر باز مسکن آریایی ها بوده است. به همین سبب این سرزمین ایران نامیده شد.

نظر غالب در باره خاستگاه آریایی ها این است که آنان در جنوب شرقی روسیه می زیستند و بر اثر دگرگونی های طبیعی به سوی جنوب رهسپار شدند.

هند و آریایی های کوچنده به هند و ایران از مردم هند و اروپایی تعلق دارند. ولی همه هند و اروپایی ها آریایی نیستند.

آریایی های مستقر در ایران از قبایل گوناگونی بودند و تنها از نظر زبان و تبار خویشاوند بودند. مادها و پارسها از قبایل مهم آریایی بودند.

دو شناسه مهم اقوام آریایی ایران و هند ریشه باورهای مشترک دینی و سنتی و ریشه زبان آنان است.



زرتشت

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



1- زرتشت و یهود: بویس معتقد است که فراگیرترین تاثیر کیش زرتشتی بر دین موسی وارد آمده است. از آن میان باور به روز رستاخیز که نخستین بار عاموس پیامبر مطرح کرد.





تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

زرتشت

2- زرتشت و مسیحیت: نقش افسانه ای سه مغ هنگام تولد
مسیح و مرتبط کردن آن با پیشگویی زرتشت.





زرتشت

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



3- زرتشت و بینش های اخلاقی
غرب: با جنگهای ایران و یونان و
روم گوهر دین ایرانیان به غرب
رخنه کرد و در شکل گیری برخی
بینش های اخلاقی و فلسفی و
عرفانی مردم آن سامان موثر افتاد.



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

جامعه و دولت ماد

ویژگی حکومت تعیین کننده مادها در تاریخ ایران، انتقال تاریخ ایران، به دست مادها، از تاریکی به سایه و بلکه به روشنایی است.

نخستین آگاهی ما از مادها در فلات ایران به برخورد شاه آشور با ماده در غرب دریاچه اورمیه مربوط می شود.

بی آنکه پیشدادیان و کیانیان را از یاد ببریم، مادها رانخستین قراولان نخستین پاسگاه تاریخ ایران می شناسیم. بسا که مادها خود در پیشدادیان و کیانیان حل شده اند و پهلوانانی از آنان را در خود نهفته دارند. همچنانکه کورش با افسانه های مادی اندام گرفته است. می آییم.

میان مورخان تمایل عمومی بر این است که کردهای امروز را از بازماندگان اصیل مادها بدانند.



فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

منابع مکتوب تاریخ ماد:

برخلاف آشوریها، بابلیها و ایلامیها که عادت به ثبت
رویدادهای تاریخی داشتند، از تاریخ پیش از هخامنشیان
کوچکترین سند مکتوب بومی در دست نیست. به تاریخ ایران
در این زمان و روزگاران پیشتر از آن تنها می‌توان از سه
راه نزدیک شد:



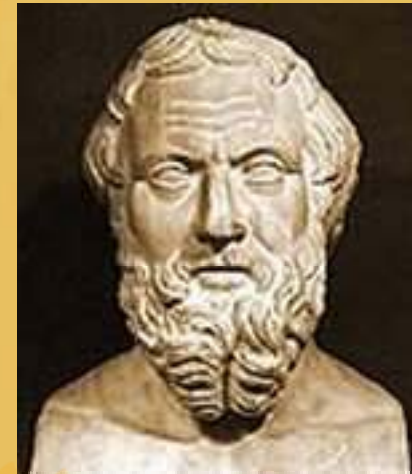


فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

منابع مکتوب تاریخ ماد:

1. اشاره‌های پراکنده مورخانی مانند هرودت و نبشته‌های آشوری‌ها و بابلی.



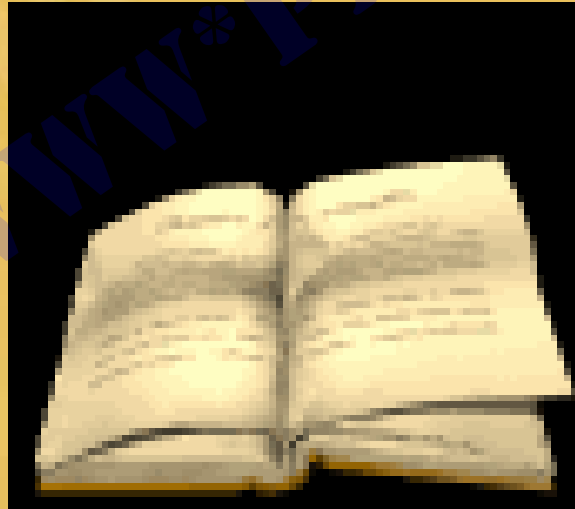


فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

منابع مکتوب تاریخ ماد:

2. مقاله‌های پراکنده دانشمندانی که در بررسی دستاوردهای
باستانی به ماده‌ها برمی‌خورند.



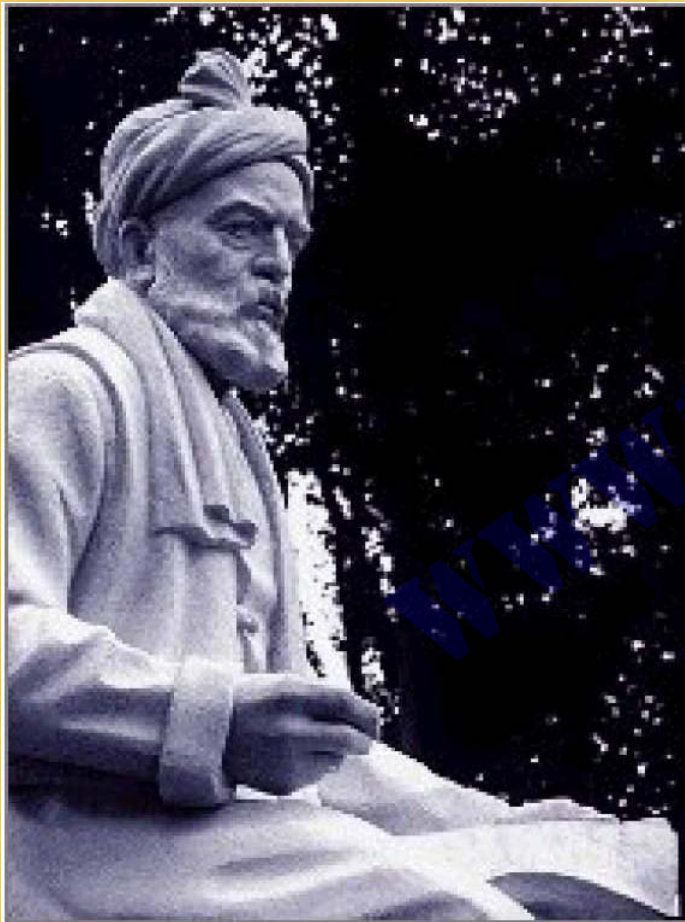


فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

منابع مکتوب تاریخ ماد:

3. و سرانجام تاریخ روایی پیشدادیان و کیانیان که می‌توان در لایه‌هایی از ساختار آنها به نشانه‌هایی کم‌رنگی از مادها برخورد. این روایت‌ها با یشت‌ها و با ادب دوره اسلامی ایران، به ویژه با شاهنامه به ما رسیده‌اند.





فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

• تاریخ ماد تا تشکیل دولت ماد:

در این دوره سواران آریایی ایرانی با زن و بچه و گله به صورت گروهی به خدمت امیران محلی درمی آمدند. آنان مردانی بودند که گذرانشان با مزدوری و از راه شمشیر زدن برای امیران بیگانه محلی تامین می شد، اما دیری نگذشت که این سواران خود جانشین آنان شدند.





فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

• تاریخ ماد تا تشکیل دولت ماد:

سال 836 ق م ، که سلمنسر از مادها باج گرفت، سال شناخته شده‌ای است. توجه آشوری‌ها به فلات ایران و به ویژه به مادها بیشتر به سبب نیاز آن‌ها به اسب مادی بود. در این زمان یکی از مهم‌ترین جاهای پرورش اسب سرزمین ماد بود.





فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

• تاریخ ماد تا تشکیل دولت ماد:

■ در این دوره سه دشمن بزرگ برای به دست آوردن قدرت تعیین کننده مطرح می شوند: آشوریها، اورارتویی ها و آریاییها.





فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

• تاریخ ماد تا تشکیل دولت ماد:

آریاییهای سوارکار با پیشینه جنگاوری که در جستجوی چراگاه بودند موقعیت بهتری داشتند و استفاده از اسب بر قدرت آنان می افزود. آنان دیگر در پی به دست آوردن پروانه اقامت نبودند، بلکه هدف اصلی آنها به دست آوردن قدرت مطلق در منطقه بود.





فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

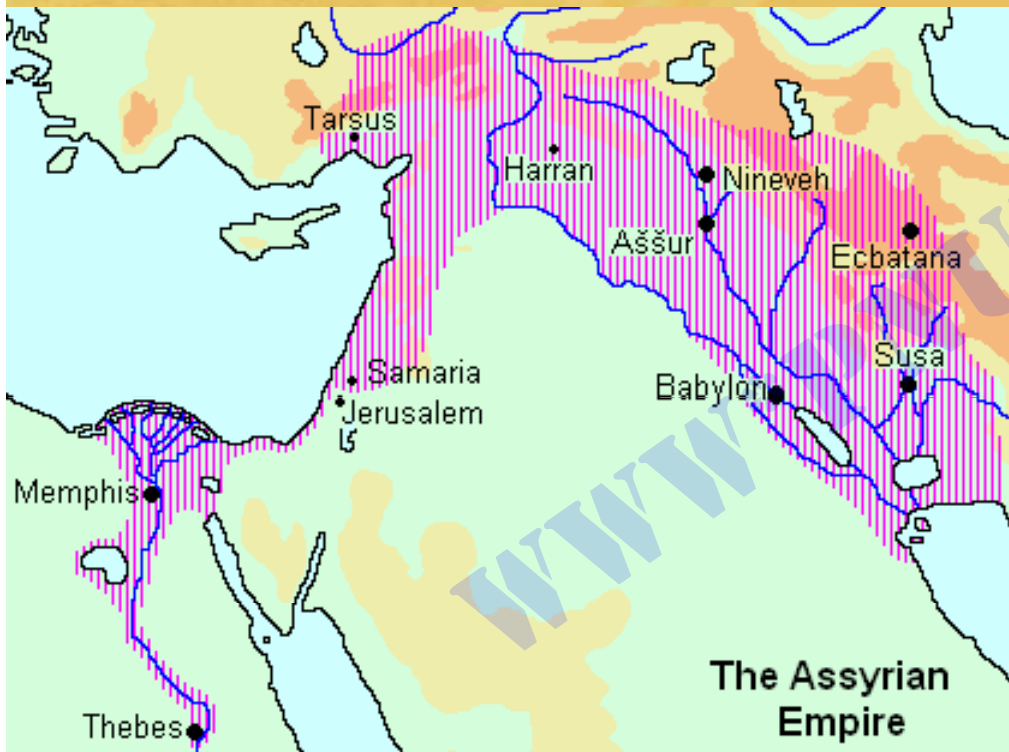
تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

• تاریخ ماد تا تشکیل دولت ماد:

■ مادهانخستین قومی بودند که

بر آشوریان شوریدند و خود را
از قید آنان رهانیدند.

گزارش‌های هرودت درباره
مادها، از تاریخ این رهایی
آغاز می‌شود



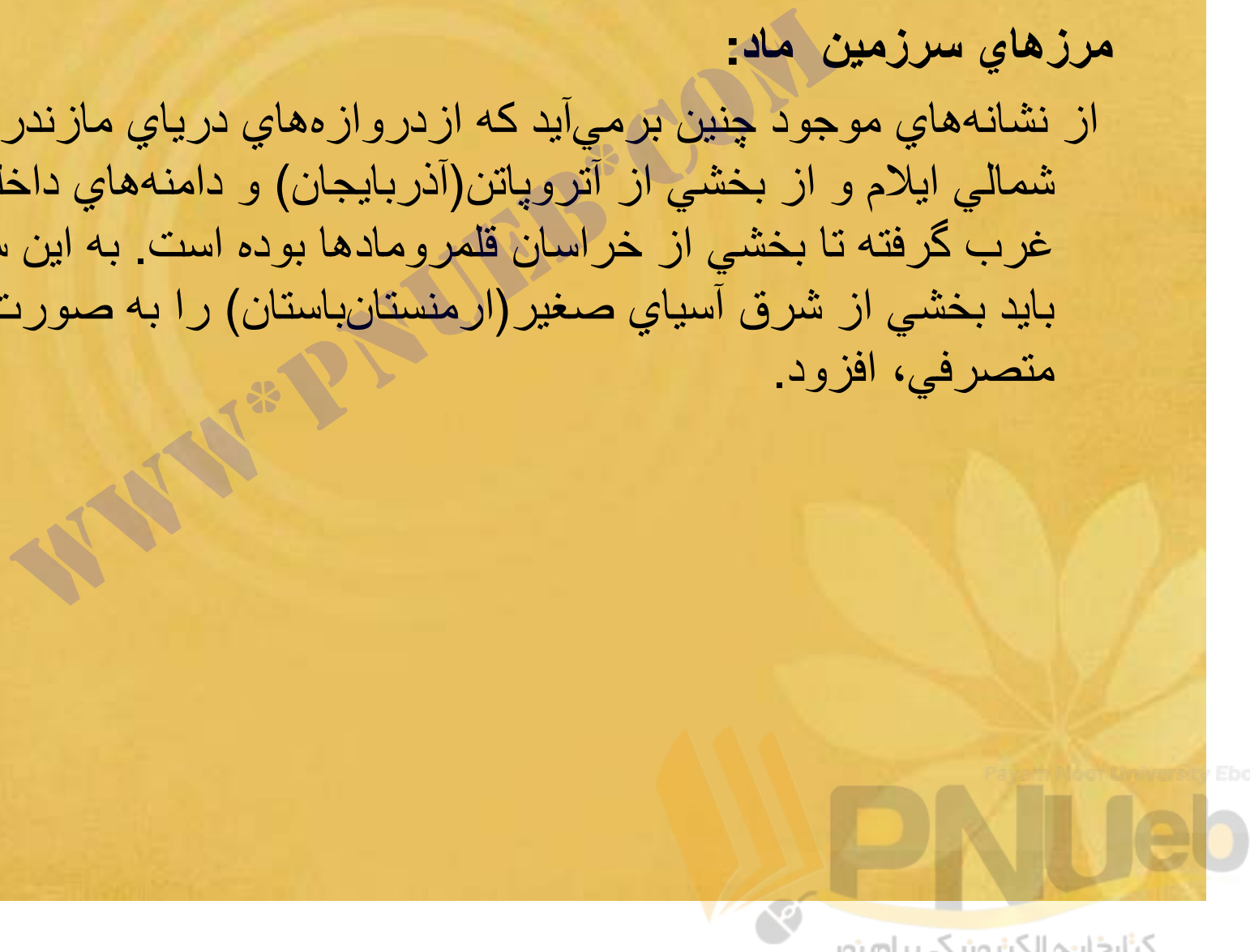


فرمانروایی ماد، آغاز فرمانروایی ایرانیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

مرزهای سرزمین ماد:

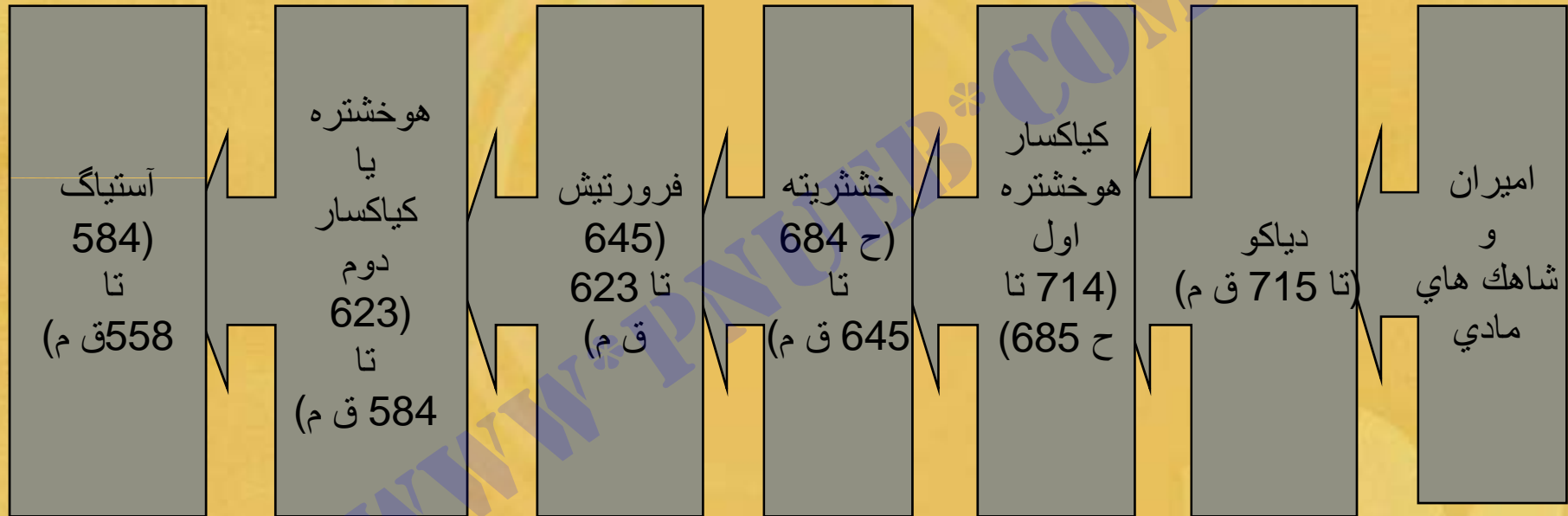
از نشانه‌های موجود چنین برمی‌آید که از دروازه‌های دریای مازندران تا مرزهای شمالی ایلام و از بخشی از آتروپاتن (آذربایجان) و دامنه‌های داخلی زاگرس در غرب گرفته تا بخشی از خراسان قلمرو مادها بوده است. به این سرزمین گهگاه باید بخشی از شرق آسیای صغیر (ارمنستان باستان) را به صورت سرزمین‌های متصرفی، افزود.





فرمانروایان ماد

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی





دیاکو نخستین پادشاه شناخته شده مادها (تا 715 ق م)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

بدیهی است که پیش از دیاکو سرزمین ماد هم **امیران و شاهک‌هایی** داشته است که خبری از آنها نداریم. مورخان او را از ناچاری بنیان‌گذار پادشاهی ماد خوانده‌اند. هرودت نیز پیش از دیاکو کسی را نمی‌شناخته و او را با داستانی که نمی‌تواند جدی باشد، نخستین شاه‌مادها معرفی می‌کند. بر اساس این داستان مردم سرزمین ماد بر آن شدند تا باگزیدن دیاکو به پادشاهی مشکل دادرسی در سرزمین خود را حل کنند. دیاکو پادشاهی را پذیرفت و از مردم ماد خواست تا دژی شایسته پادشاهی برای او ساختند. چنین شد که **شهری برای همه یا هگمتانه (همدان)** ساخته شد و به پایتختی ماد درآمد.



کیاکسار هوخشتره اول و خشتریه

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

با اینکه هرودت فرارتس یا فرورتیش را پسر دیاکو می‌داند، پیداست که دو شاه مادی دیگر پیش از او بر سرزمین ماد فرمان رانده اند، که درباره آن‌ها چیز زیادی نمی‌دانیم:

1- کیاکسار هوخشتره اول (از 714 تا حدود 685 ق م)

2- خشتریه (حدود 684 تا 645 ق م).

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



فرورتیش یا فرارتس (645 تا 623 ق م)

فرورتیش میل زیادی به گسترش قلمرو مادها را داشت. او برای نخستین بار قوم پارس را در جنوب ماد به فرمان خود در آورد و در 623 ق م توانست پس از درگذشت آشوربنیپال با نیرویی مضاعف به آشور حمله کرده و نینوا را محاصره کند، اما از آشوریان، شکست خورد و در میان سپاهی تار و مار، در میدان جنگ کشته شد.



هوخشتره یا کیاکسار دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- سکاها:

هوخشتره پس از شکست آشوری‌ها، نینوا پایتخت آشور را محاصره کرد، اما **باجمله سکاها** (سکاهای شرق اروپا و کرانه‌های شمال غربی دریای سیاه) به سرزمین ماد، دست از محاصره کشید. او (شاید 633 ق م) از سکاها شکست خورد و در نتیجه سکاها حدود 25 سال در آسیا تا به مصر پخش شدند و بخش بزرگی از آنان در ایران باقی ماندند. در این مدت بومیان نه تنها وادار به پرداخت خراج به مهاجمان بودند، بلکه ناگزیر از تحمل فشارهای گوناگون زیادی شدند. سرانجام هوخشتره در سال 615 ق م در ضیافتی بسیاری از سران سکاها را به قتل رساند و سرزمین خود را از شر آنان رهایی بخشید.



هوخشتره یا کیاکسار دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- جنگ لیدی:

هوخشتره شش سال در نبرد با لیدی بود و نخستین فرمانروای
ایران بود که به غرب آسیای صغیر پیش رفت.

شاید پناه بردن گروهی از سکاها یا شکست خورده به لیدی بهانه این
لشکرکشی را فراهم آورده باشد.

جنگ لیدی هوخشتره ، مقدمه جنگ کورش بود و تا برآمدن اسلام
ایران را با این قلمرو درگیر کرد.



هوخشتره یا کیاکسار دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3-توافقات پیمان صلح مادو لیدی:

- ✘ رود هالیس یا قیزیل ایرماق مرز میان دو کشور شد.
- ✘ برای تقویت صلح، آستیگ و لیعهد ماد با آرنیس دختر شاه لیدی، ازدواج کند.
- ✘ چون بابل نیز در این جنگ شرکت داشت و پیمان صلح با حضور شاه بابل بسته شد. آمیتیس، دختر هوخشتره به همسری نبوکدنزار، ولیعهد بابل درآمد.
- ✘ دست هوخشتره برای حمله به آشور باز گذاشته شد.



هوخشتره یا کیاکسار دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- سقوط آشور:

هوخشتره که تقریباً همه قلمرو اورارتو را به چنگ آورده بود، در 614 ق م به شهر آشور حمله و آنجا را غارت کرد و با نبوپلسر، شاه بابل پیمان همکاری بست. سرانجام در 612 ق م **حمله مشترک ماد و بابل** به نینوا، به سقوط این شهر انجامید و برای همیشه به فرمانروایی آشور، پایان داد.

ناحوم نبی، پیامبر یهود، این روی داد را چنان گزارش کرده که گویی شاهد آن بوده است.

به ظن قوی حمله مادها به آشور برای افزودن قلمرو نبوده بلکه برای **رهایی از تهدیدهای مداوم آنان** بوده است.



آستیاگ

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



رود هیلاس

زندگی آستیاگ آمیخته به افسانه
است. آستیاگ 35 سال یعنی
تا 558 ق م ، سال سقوط
مادها و برخاستن
کورش، حکومت کرد.

در 585 ق م بنا بر پیمانی که
میان آستیاگ و الیات بسته
شده بود، رود هیلاس (حدود
آنکارا) مرز سرزمینهای
مادی و لیدیایی شده بود.



آستیگ

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در افسانه‌ها، به پیوندخانوادگی کورش هخامنشی با خانواده آستیگ اشاره شده است. هرودت، یوستین و گزنفن، مادر کورش را دختر آستیگ و شاهزاده‌ای لیدیایی (دختر الیات و خواهر کرزوس) می‌دانند.

درباره طغیان سپاه آستیگ، این را نیز از هرودت می‌دانیم، که برخی از بزرگان ماد، خسته از سختگیری‌های آستیگ، به او خیانت کرده‌اند.



امپراتوری ماد

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

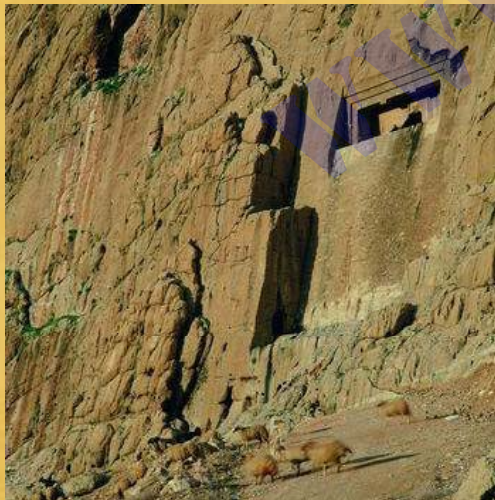




اقتصاد و فرهنگ ماد

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

مادها در کارهایی ساختمانی پیشرفتهایی خوبی داشتند. ساخت شهر همدان، شیرسنگی، آرامگاههای صخره‌های از جمله قیز قاپان و دکان داود از آن نمونه است. در دوره هخامنشی کارکنان مادی تخت جمشید، کورتش خوانده می‌شدند.





دین ماد

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

از زرتشتی بودن مادها اطلاعی نیست. از قراین پیداست که می توانسته اند زرتشتی بوده باشند. آرامگاه مادی قیز قاپان در شهر زور و دکان داود در سرپل ذهاب نشان از پرستاری از آتش در زمان دارد.

مادها ظاهراً مادها نخستین ایرانیانی اند که به عنصرهای تشکیل دهنده آناهیتا امکان رشد داده‌اند.

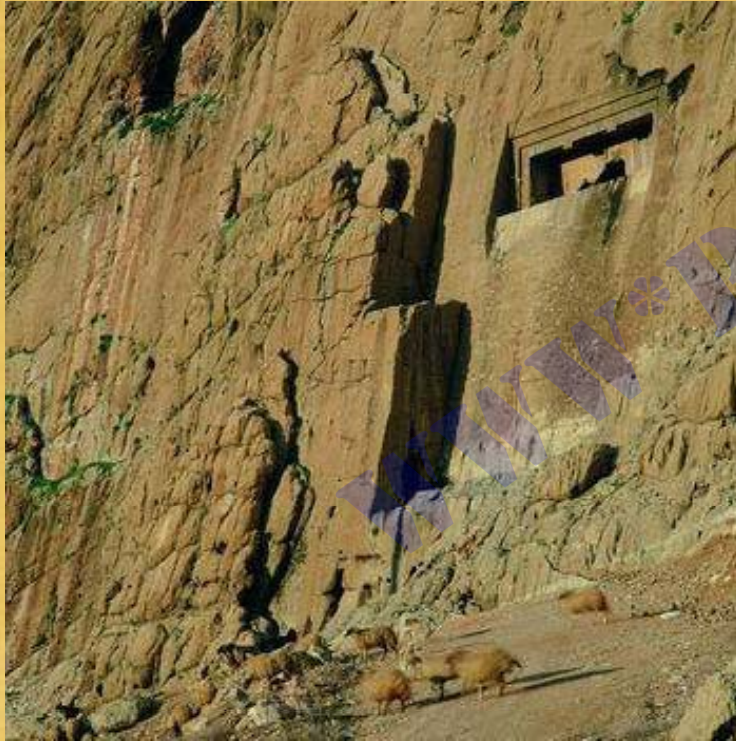




دین ماد

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

احتمالاً قیز قاپان گور کیاکسار و دکان داود گور آستیایگ
است.



دکان داود



سپاه در زمان ماد

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

کیاکسار شاه ماد نخستین کسی بود که سپاه را گروهبندی کرد و کمانداران، نیزه‌داران و سواران را که قبلاً در هم بودند به صورت واحدهای مستقلی در آورد. به عبارت دیگر کیاکسار برای نخستین بار به تقلید از آشوریان دست به تاسیس ارتشی منظم زد که این تحول در تشکیل و قوام دولت ماد آخرین گام بود. ظاهراً پیش از این، مادی‌ها در جنگ‌ها بیشتر به صورت دسته‌های قبیله‌ای شرکت می‌کردند و در هر گروه طبعاً هر کس با سلاحی که در دست داشت حضور می‌یافت.



دو نفر مادی





سپاه در زمان ماد

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



ارتش جدید ماد مسلماً با تاکتیک و فن
محاصره قلاع آشوریان و فن
سواری و تیراندازی سکاها نیز
آشنا بود. هرودت اشاره می‌کند که
مادی‌ها تیراندازی را از
سکاها آموختند.



پارسها و هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- **خاستگاه پارسها**، پیش از مهاجرت به انشان (فارس امروز)، حدود کرمان و سرزمینهای پیرامون آن بوده است.

2- در هنگام حمله آشوریان به ایلام و سقوط شوش، کورش اول هخامنشی، شاهک پارسهادر انشان، با سپردن پسرش به عنوان گروگان، دستنشاندگی خود را اعلام کرده بود. دور نیست که در این زمان حکومت هخامنشیان شکلی رسمی یافته و توانستهاند خود را شاه انشان و پارس بنامند.





پارسها و هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- هخامنش نخستین رهبر هخامنشیان را با آگاهی اندک و با تکیه بر سنگ نبشته‌های داریوش، می‌شناسیم. از این می‌شنویم که او را يك عقاب تغذیه کرده است و لابد که منظور از عقاب همان سیمرغ افسانه‌های اساطیری ایران است.

4- کورش در استوانه معروف خود، در معرفی خود و دوده شاهی، نامی از هخامنش نبرده است.





پارسها و هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- نخستین گامی را که برای نوشتن تاریخ هخامنشیان برمی‌داریم، این است که آنان را براندازنده مادها معرفی می‌کنیم .

6- پیروزی هخامنشیان به این معنا نبود که قومی بیگانه بر انداخته شده و قومی آشنا بر جای آن نشسته است .

7- هخه و هخا در اوستایی و فارسی به معنی دوست آمده است . به این ترتیب هخامنش را می‌توان دوست‌منش و کسی که منشی دوستانه دارد، ترجمه کرد .



بافت سياسي فلات ايران در آغاز دولت هخامنشي

تاريخ ايران ايلاميه و آريايه
تا پايان دوره هخامنشي

1- نيمه شرقي فلات ايران:

مقارن با تشكيل حكومت هخامنشيان ، قومهاي گوناگوني از آريايان بر بخشهاي مختلفي از ايران چيره بوده اند. از فرمانروايان محلي، به ويژه در نيمه شرقي ايران خبر قابل اتكايي نداريم.





بافت سياسي فلات ايران در آغاز دولت هخامنشي

تاريخ ايران ايلاميه و آريايه
تا پايان دوره هخامنشي

1- نيمه شرقي فلات ايران:

فقط پيدااست كه دقيقا نيمه شرقي و شمال شرقي ايران، خراسان بزرگ و سيستان بزرگ و تپورستان (طبرستان) از رويدادهاي سياسي و نظامي پر جنب و جوشي برخوردار بوده است. يادگار اين رويدادها، داستانهاي بشمار اساطيري ايران و سلسلههاي پيشداداي و كياني است.





بافت سياسي فلات ايران در آغاز دولت هخامنشي

تاريخ ايران ايلاميه و آريايه
تا پايان دوره هخامنشي

1- نيمه شرقي فلات ايران:

جانمايه فرهنگ ديني و سياسي ما نيز از آن اين سرزمين هاست.
قومهاي داهه و ماساگت، مردم پيرامون آمو دريا و سيردريا،
مردمي که در بلخ و سکستان و کرانههاي جنوب شرقي درياي
خزر و تپورستان مي زيسته اند، نبايستي از چيزي که ما آن را
آغاز تاريخ خودمان مي دانيم، بي خبر بوده باشند.





بافت سياسي فلات ايران در آغاز دولت هخامنشي

تاريخ ايران ايلاميهها و آريايهها
تا پايان دوره هخامنشي

2- نيمه غربي فلات ايران:

آشور براي هميشه از جغرافياي سياسي جهان محو شده بود. از فلسطين تا دهانه خليج فارس در دست حكرانان محلي نه چندان نيرومند بود. بنا بر اين در آغاز كار كورش، بين النهرين نمي توانست، براي فرمانروايي كه به فكر جهانداري افتاده بود، مانعي جدي به شمار آيد.



بافت سياسي فلات ايران در آغاز دولت هخامنشي

تاريخ ايران ايلاميهها و آريايهها
تا پايان دوره هخامنشي

2- نيمه غربي فلات ايران:

ايلام مقارن با تشكيل حكومت هخامنشيان براي هميشه هويت خود را به نام يك کشور از دست داده بود. پيش از اين سپاه آشور با حمله به شوش تا کوهستانهاي شرقي ايلام پيش رفته و شوش باخاک يکسان شده بود. شمال ايلام به دست مادها افتاده بود و منطقه شرق اين کشور کهن از آن پارسها شده بود.

انشان



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- موقعیت جغرافیایی :

انشان یا انزان واحدی سیاسی در شمال شرقی و شرق قلمرو ایلام و به **ظن قوی در فارس بوده** است. هینتس انشان را از کوه‌های بختیاری تا کویر لوت و کرمان امروزی می‌داند. ویرانه‌های آن تقریباً در 50 کیلومتری غرب تخت جمشید، در مالیان، شناسایی شده است. شاهان ایلام از آغاز هزاره دوم ق م، همواره در نبشته‌های خود، خود را شاه انشان و شوش می‌نامیدند. لوح‌های ایلامی به دست آمده از تل مالیان نیز بر وجود سازمان اداری ایلامی در منطقه گواهی می‌دهند.



انسان



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- هخامنشیان و انسان:

در نیمه نخست هزاره اول ق م، با سرگرمی ایلامیها در جنگ با آشوریان، یکی از شاهکهای هخامنشی از فرصت استفاده کرده و از وابستگی انسان به ایلام کاسته و یا خود را در انسان مستقل کرده است.

انسان



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- هخامنشیان و انسان:

به گمانی هخامنش رهبر قوم هخامنشی، در قبال اجازه سکونت در قلمرو ایلام، به شاه ایلام شوتروک-ناهونته برای رویارویی با آشوریها پیشنهاد کمک داد. شاه ایلام از این پیشنهاد استقبال کرد و چنین شد که در 701 ق م جا به جایی بزرگ هخامنشیان به سوی جنوب آغاز شد. اسکان در انسان احتمالاً با اعمال فشار همراه بوده است.

در کتیبه‌های رویایی نبونید و سالنامه نبونید، برای کورش از عنوان شاه انسان استفاده شده است. به گزارش نبشته‌ای بابلی، کورش از انسان سپاه ماد را از هم می‌پاشد.



کورش تاریخ

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



تصویر کورش در پاسارگاد

کورش در پایان سالهای 550 ق م
آستیگ و مادها را شکست داد. از علت
اصلي تهاجمهاي کورش چیزی نمی دانیم.
از این پس به زندگی تا حدودی تاریخی
کورش گام می نهیم.

کتیبه های رویایی نبونید و سالنامه نبونید
تا حدودی روشنگر این واقعه هستند.

جنگ با لیدی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



منبع اصلی درباره جنگ کورش با لیدی و تصرف غرب آسیای
صغیر ، گزارش‌های هرودت و در کنار آن یکی دو خبر از
سالنامه بابلی نبونید است.



جنگ با لیدی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



انگیزه تعیین کننده کورش برای جنگ با لیدی، بیشتر تحمیلی بود تا ارادی. کرزوس فرمانروای لیدی در آغاز کار کورش از پا گرفتن قدرت او نگران شده است. از سوی استیاگ، شاه برافتاده ماد، شوهر خواهر کرزوس بود و از سوی دیگر کرزوس گمان کرده بود، که می تواند، به بهانه پشتیبانی از استیاگ، با حمله به کاپادوکیه، پیمان سال 585 خود با او را لغو کند، که بنا بر آن رود هالیس، مرز میان لیدی و فرمانروایی ماد تعیین شده بود.



مرد لیدیایی



جنگ با لیدی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در نخستین نبرد بی‌حاصل کورش و کرزوس، که در پتیریا روی داد،
کرزوس ناگزیر از عقب‌نشینی به پایتخت خود سارد شد. نبرد نهایی
با پیروزی کورش در 545 ق م روی داد.





جنگ با شهرهای یونانی آسیای صغیر

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



پس از بازگشت سپاه کورش ، لیدیها
با پیمان‌هایی با شهرهای یونانی ،
شورش کردند. ولی پس از
سرکوبی لیدیها توسط سپاه کورش
، شهرهای یونان که از يك سو
قادر به اتحادي سریع با یکدیگر
نبودند و از سوي دیگر به تنهایی
توان مقاومت در برابر ایرانیان را
نداشتند، نیز سرانجام سر
تسلیم‌فروود آوردند.



جنگ با شهرهای یونانی آسیای صغیر

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

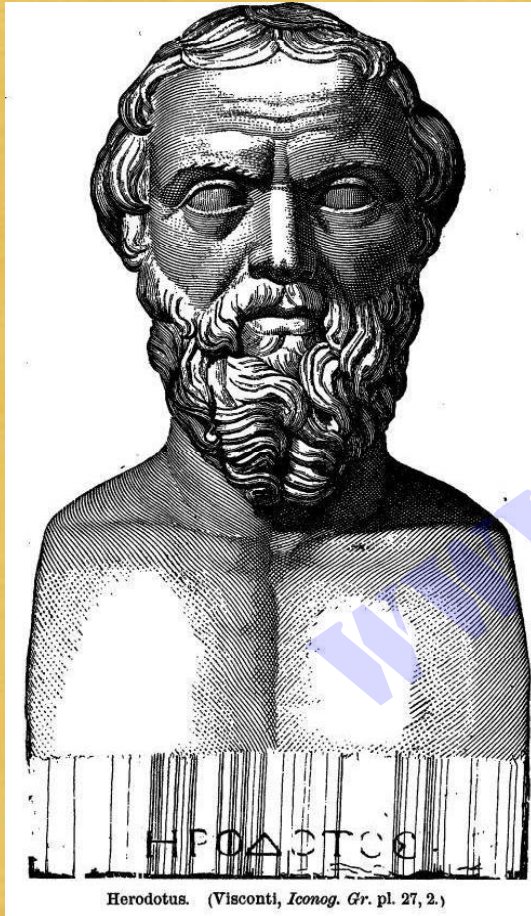
ظاهراً یونانیان با هنر محاصره بیگانه بودند. هخامنشیان تک تک شهرهای یونان را با محاصره آماده سقوط می کردند. فقط به سبب ناآشنا بودن ایرانیان با دریانوردی، هنر محاصره ایرانیان کفایت نمی کرد. چون همواره شهرها از سویی رو به دریا بودند و در صورت لزوم، مردم سوار بر کشتی خود را از معرکه بیرون می کشیدند. فقط جزیره های یونان در امان بودند و ایرانی ها تا مدیترانه رخنه کردند.





کورش در خراسان بزرگ

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



Herodotus. (Visconti, *Iconog. Gr.* pl. 27, 2.)

منبع: تاریخ هردوت تنها منبع اصلی
درباره کورش است. ولی گزارش
هردوت از آسیای مرکزی، به سبب
دوری منطقه، یا دلیلی دیگر، چندان
گویان نیست.



کورش در خراسان بزرگ

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

انگیزه: برای کورش توجه به حوزه بلخ همان قدر مهم بود که زیر نظر داشتن بابل و مصر. بلخی‌ها به کمک سکاها سر به شورش برداشته بودند و ضرورت داشت کورش سروری خود را به مردم دور دست آسیای مرکزی، هیرکانی‌ها، پارت‌ها، سکایی‌ها و بلخی‌ها ثابت می‌کرد.



کورش



کورس و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- بازمانده های بابل:

1-1- شهر معروف حله، هسته اصلی بابل روزگاران گذشته را تشکیل می داد.

1-2- ویرانه‌ای که مردم پیرامون آن را مقبلیه می نامند، باقی مانده یکی از کهن ترین بناهای بابل است، که آن را نبوکدنزر (نبوکدنصر) بازسازی کرد و خشیارشاً بخش‌هایی از آن را ویران کرد.





کورس و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3-1- مجموعه دیگری که از حدود 300 تپه ویران تشکیل یافته که امروز نیز قصر نامیده می شود. این ها در حقیقت، کاخ ها و تاسیساتی بوده اند، که نبوکدنزر ساخته بود.

4-1- در جنوب این کاخ مجتمع سومی از خرابه وجود دارد که امروز عمران علی نامیده می شود. به ظن قوی این مجموعه را بقایایی از باغ های معلق بابل دانسته اند.





کورس و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5-1- بقایای دیگری از دوره بابل باستان در دست است، که متعلق به جنوب شهر اند. از آن میان ویرانه بزرگی است که عربها آن را برج نمرود می نامند. این بنا در بخش بوسویا، اما در درون باروی بابل قرار داشته است.

6-1- دیگر اثر قابل ذکر هرمی است، که بخشی از برج آن باقی مانده است



کورش و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



2- ویژگیهای بابل در زمان حمله

کورش :

✓ بابل با رود فرات در پیرامون
خود حاصل خیزی فراوانی
داشت.

✓ باموقعیت بازرگانی خود، بر
سر راه مهمترین راههای
بازرگانی جهان، از
ثروت هنگفتی برخوردار بوده
است.



کورش و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- ✓ مردم‌ملیت‌های گوناگونی در بابل می‌زیسته و به این شهر چهره‌ای بین‌المللی داده‌بوده‌اند.
- ✓ شکوفایی علوم در بابل و در همه عرصه‌ها وجود داشت.



بابل



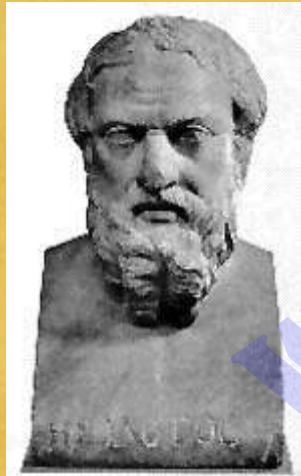


کورس و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3-منابع:

3-1- گزارش‌های کاملاً هماهنگ هردوت و برسوس از
گشودن بابل



3-2- برخی از اشاره‌های تورات



کورش و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3-منابع:

3-3- نوشته لوح کورش که به منشور آزادی شهرت یافته و در حفاری های بابل به دست باستان شناسان افتاده است



3-4- سالنامه نبونید

یادآوری: کتاب کورش نامه گزنفن بافت يك رمان تربیتی را داشته و از نظر تاریخی نمی توان برای آن در شرح فتح بابل اعتباری قائل شد.



کوروش و بابل

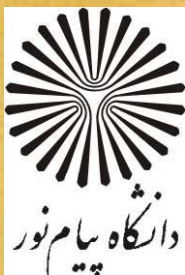
تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4-انگیزه ها:

روشن نیست که تمایل بابلی‌ها به کمک به کرزوس، با اینکه هیچ نوع کمک ملموسی را سراغ نکردیم، بهانه حمله رامهیا کرده بود، یا علت‌های ناشناخته دیگری کوروش را ناگزیر از حمله می‌کرد. البته میل درونی کوروش به کشورگشایی و گسترش قلمرو نیز می‌تواند، یکی از این علت‌های ناشناخته باشد. در این صورت، تصویری که از کوروش در تاریخ بر جای مانده است، تا حدود زیادی مخدوش و مات می‌شود.

کورش و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



5-نتایج و پیامدها:

- 5-1- تسلیم بابل در 539 ق م.
- 5-2- کمبوجیه، پسر کورش، با آیین ویژه‌ای که در یکی از معبدهای بابل برگزار شد، به سلطنت بابل رسید .





کورش و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- 5-3- تا این زمان، جز کورش، هیچ کسی نتوانسته بود،
قلمرو فرمانروایی حکومتی را تا این اندازه گسترش دهد.
- 5-4- شهرهای فینیقیه نیز به میل خود پیروزی کورش را
پذیرفتند.
- 5-5- جزیره‌های خیوس و لسپوس نیز از شهرهای فینیقیه
پیروی کردند.





کورش و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5-6- حمله کورش به بین‌النهرین و آسیای مقدم زندگی یهودیان را به کلی دگرگون کرد و از آن می‌توان در تاریخ یهودیان به نام رویدادی تعیین‌کننده نام برد. آنان توانستند، در سایه سیاست جهانداري کورش، معبدهای ویران خود را دوباره بازسازی‌کنند. تورات بیشتر از عادت يك کتاب آسمانی، بر منجي بودن کورش پا می‌فشارد.





کورش و بابل

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5-7- کورش پس از گشودن بابل فرمان به نوشتن يك استوانه 45 سطري داد كه امروزه در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

ظاهراً هرج و مرجی كه در نظام باورهای دینی مردم به وجود آمده بود، او را ناگزیر از صدور این فرمان کرده است. همچنان كه با یهودیان نیز برای احیای آیین‌های دینی فرمان‌های مشابهی صادر شد.

معمولاً مورخان، تساحل و تسامح کورش را در رویارویی با باورهای مردم، به طور اغراق‌آمیزی، ستوده‌اند، اما باید این نوع از رویارویی کورش را بیشتر ناشی از سیاست او بدانیم، تا تفاهم.





جنگ کورش با ماساگت‌ها و مرگ او

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- در باره نبرد کورش با ماساگت‌ها، مانند آغاز کار او، گزارش‌های متفاوت و اندکی که از مورخان یونانی همچون هرودت، آریان و کتسیاس داریم، آمیخته به افسانه اند. با توجه به فاصله زیاد شرق ایران با دنیای قلم، انتظار دیگری هم نمی‌توانیم داشته باشیم.
- به استناد این گزارشات او در جنگ با ماسگت‌ها در سال سی ام سلطنت خود کشته شد.





پاسارگاد

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

➤ کورش پس از براندازی سه پادشاهی
کهن و کم و بیش نیرومند زمان خود،
ماد، لیدی و بابل و تصرف سرزمین‌های
آسیای مقدم مانند آشور، فینیقیه و
فلسطین و همچنین مطیع کردن قوم‌های
دوردست شرق ایران و رخنه تا رود
سند محل معروف به پاسارگاد را به
عنوان پایتخت خود ساخت.





پاسارگاد

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

➤ توجه خاص هخامنشیان به پاسارگاد و کاخ‌های آن، به ویژه گزیدن پاسارگاد برای تاجگذاری تاکید است بر اعتبار نمادین پاسارگاد به منزله نخستین پایگاه فرمانروایی نوپای هخامنشی. همه نشانه‌ها حاکی از آنند که کاخ‌های پاسارگاد، پس از سفر جنگی کورش به لیدی در 545 ق م انجام گرفته است. **رد پای معماری یونانی** در پاسارگاد غیر قابل انکار است.



آرامگاه کورش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

آرامگاه کورش در پاسارگاد که به مشهد مرغاب معروف است،
کهنترین آرامگاه شناخته شده ایران است. در دوره اسلامی نیز،
این آرامگاه، با گرفتن نام مذهبی قبر مادر سلیمان از گزند در امان
مانده است.





شیوه کشورداری کوروش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

از منشور کورش می توان استنباط کرد:

- 1- به سنت های بومی و قومی ملل زیر فرمان احترام می گذاشته است.
- 2- فرمانروایی او بر این ملل جنبه نظارت و دریافت مالیات داشته است.
- 3- هرگز تلاشی برای از بین بردن هویت بومی بین النهرین نکرد.





کمبوجیه و بردیا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

از بردیا (بردیه)، پسر کورش تنها این را می‌دانیم که او به توطئه برادر خود کمبوجیه پیش از سفر در بهار 525 ق م کشته شده است. کورش پیش از مرگ، هنگامی که کمبوجیه را به ولیعهدی برمی‌گزید حکومت بخش گسترده‌ای از شرق و شمال شرقی ایران را بدون پرداخت خراج به دربار مرکزی، به بردیا سپرد.





کمبوجیه و بردیا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

نخستین خبر درباره بردیا را از زبان داریوش در سنگ‌نبشته می‌شنویم. بر این اساس کمبوجیه برادر تتی خود بردیا را پنهانی کشت و در نتیجه مردم در اعتراض به کشته شدن اوسر به شورش برداشتند. همین اشاره کوچک داریوش است که معما را طرح می‌کند. اگر کمبوجیه ولی عهد بوده، چگونه مردم از کشته شدن برادرش به دست او، آن‌هم در پنهان، سر به شورش برمی‌دارند؟ پیداست که داریوش، از دیگر شاخه هخامنشی، برای توجیه قیام خود، حقیقت را به گونه‌ای دست‌کاری کرده است.



کمیوجیه و حمله به مصر

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- منبع:

از آنجا که تنها منبع ما هرودت است، گزارش جزئیات تصرف مصر، شکننده است و نمی‌توان به آن اعتماد کامل داشت. پولین که معلوم نیست آگاهی‌های خود را از کدام منبع‌ها جمع و جور کرده است، شش سده پس از هرودت اطلاعاتی در این خصوص به ما می‌دهد.





کمبوجیه و حمله به مصر

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- انگیزه:

- ✓ همان بهانه‌ای که کوروش را به فکر حمله به بین‌النهرین انداخت، یعنی پیمان بابل با کرزوس، برای مصر نیز مهیا بود.
- ✓ اجرای طرح کوروش در حمله به مصر.
- ✓ کمبوجیه طی هشت سال اقامت به نیابت کوروش در بین‌النهرین، به خوبی آگاه بود، که فرعون‌های مصر از دیرباز ثروت هنگفتی را در مصر انباشته دارند





کمبوجیه و حمله به مصر

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- وضعیت مصر به هنگام حمله کمبوجیه در 524 ق م:

- ✓ در این سال مصر در حال تباہی بود. آماسیس (احمس) دوم، فرعون سالخورده مصر، به تازگی درگذشته بود و پسرش پسامتیک سوم جانشین او شده بود.
- ✓ مردم مصر در زمان آماسیس یکی از شکوفاترین دوره‌های زندگی خود را با رفاهی خوب تجربه کرده بودند.
- ✓ پولیکرات، یونانی نیرومندی که در پیرامون قلمرو خود قدرت خود را بر کرسی نشانده بود، با گستردن استبداد بر جزیره ثروتمند ساموس در دریای اژه، با فرستادن هدیه‌هایی به دربار مصر، با آماسیس پیمان دوستی بسته بود، که خود بر قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی مصر در برابر تهدید قدرت بزرگ هخامنشی می‌افزود.

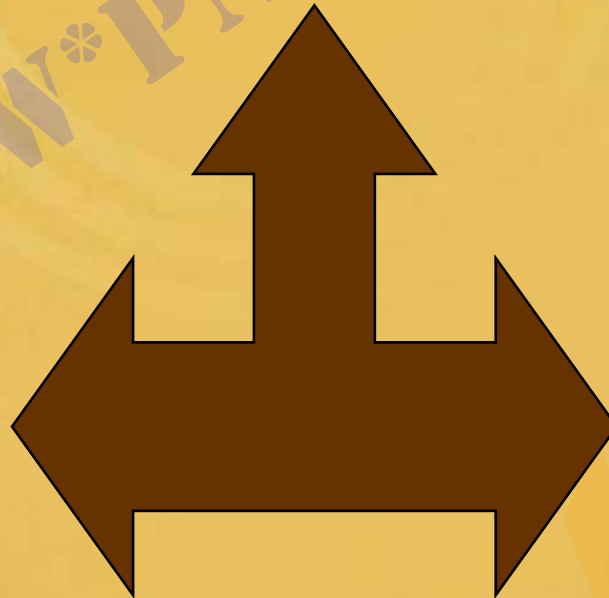




ادامه جهانگشایی کمبوجیه

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

کمبوجیه با سه هدف گوناگون تصمیم به ادامه جهانگشایی گرفت
و برای این منظور در پاییز 524 ق م سپاه خود را به سه گروه
بخش کرد:





ادامه جهانگشایی کمبوجیه

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- یک گروه، با کمک فینیقیها، از راه دریا به کارتاز (قرطاجنه) حمله کند.

تصرف کارتاز، به سبب امتناع فینیقیها از حمله به شهری که ساکنان آن را خویشاوند خود می دانستند، از برنامه کار حذف شد و کمبوجیه، با نیازی که به فینیقیهای دریانورد داشت، به آن گردن نهاد، تا کار به آزردهگی و در نتیجه دشمنی آنها نینجامد.





ادامه جهانگشایی کمبوجیه

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- گروهی **آمون** را به تصرف خود در آورد. این گروه برنامه خود را آغاز کرد و حتی به واحه خارجه در میان راه دست یافت، اما هرگز نه به آمون رسید و نه به نزد کمبوجیه بازگشت. به گمان قوی این نیرو به طور کامل در توفان شن دفن شده است.





ادامه جهانگشایی کمبوجیه

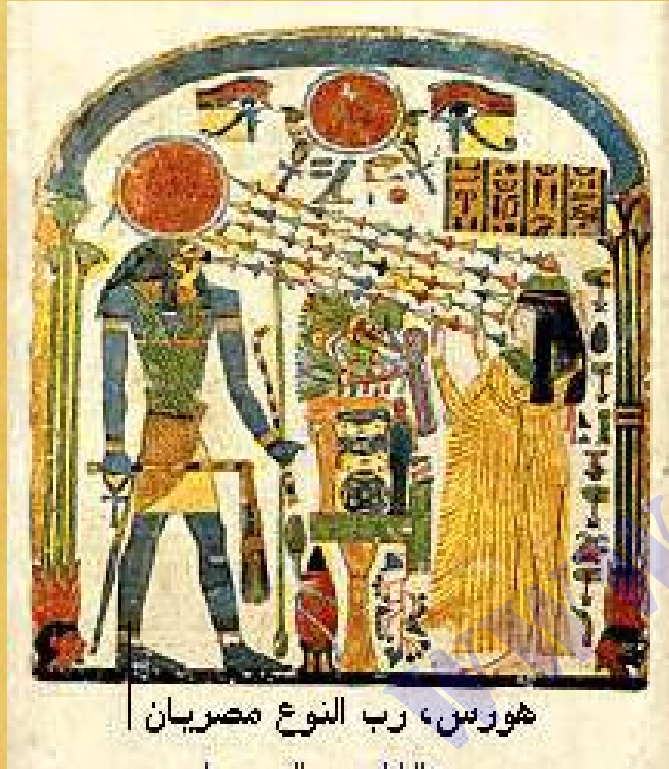
تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- کمبوجیه خود با گروهی دیگر به تصرف **حبشه** شتافت. این سپاه نیز از سرنوشت بهتری برخوردار نشد. لشکرکشی کمبوجیه به حبشه چنان جنون آمیز بود، که سپاهیان او گرفتار **کمبود آذوقه شده** و کمبوجیه با از دست دادن بی شماری از سپاهیان خود، از ادامه پیشروی منصرف شد.



کمبوجیه در مصر

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



هورس، رب النوع مصریان

کمبوجیه پس از بازگشت به ممفیس،
چون مصریان را در حال جشن
برای گاو مقدس آپیس دید، چنان
گرفتار جنون شد که خود به آپیس
نیزه زد و آن را کشت.





کمبوجیه در مصر

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

کمبوجیه در مصر به استثنای سهمعبد ، آذوقه همه معبدها را به نصف تقلیل داد و معبدها را غارت کرد .
کاهنان چهره‌ای نفرت‌انگیزی از کمبوجیه را تبلیغ کرده‌اند. هرودت هم از این تبلیغ‌ها سخت تاثیر پذیرفته است.





کمبوجیه در مصر

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

روی هم رفته تصویری که کمبوجیه در مصر از خود بر
جای گذاشته است، تصویری به دور از جوانمردی و
احترام به سنتها و آیینهای دینی مردم است.



کمجیہ در مصر

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

اما همه اینها و قضاوت هرودت، در مقام تنها منبع ما، نباید سازنده و شکل دهنده تصویر نهایی کمجیہ باشد. برای نمونه در سراپتوم که گور مومیایی گاوهای مرده آپیس است، سنگ گوری به دست آمده است، که برای گاو آپسی در سال 524 ق م به دستور کمجیہ ساخته شده است.



(وگئومات (بردیای دروغین مرگ کمبوجیه

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

رویدادگئومات پایه‌های امپراتوری هخامنشیان را رزاند و آن را به
آستانه سقوط کشاند.

حقیقت هر چه بوده، داریوش سبب ورود خود را به عرصه تاریخ،
باز ستاندن میراث خاندان خود از بردیای دروغین می‌داند.

با توجه به اینکه رگه اصلی گزارش هرودت همان نوشته داریوش
است، این واقعیت متبلور می‌شود، که هدف از داستان گئومات به
شیوه موجود، مشروعیت بخشیدن به کودتای داریوش بوده است.

این امکان هنوز منتفی نیست، که بردیای دروغین کسی جز
بردیای راستین نبوده است؟



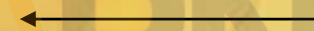
(وگئومات (بردياي دروغين كمبوجيه مرگ

تاريخ ايران ايلاميهها و آريايها
تا پايان دوره هخامنشي

كمبوجيه، خشمگين از دريافت خبر رويدادهاي درون ايران، در حال سوار شدن بر اسب، به تصادف از نك شمشير خود زخمي بر داشت و در 522 ق م درگذشت. او به هنگام مرگ فرزندي نداشت.



آرامگاه كمبوجيه





دودمان هخامنشی به استناد هرودت و کتیبه بیستون

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی





اریارمنه

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

✦ نخستین گزارشها در پیوند با اریارمنه و ارشام از زمان داریوش است و هرودت هم، که يك سده پس از داریوش دست به قلم برده، تنها نام آنها را می آورد. البته يك چیز می تواند، به درست بودن ادعای داریوش کمک بکند، و آن آسان نبودن چنین ادعای بزرگ است.

✦ قلمرو حکومت اریارمنه و ارشام هیچ ارتباطی با همدان نداشته و همدان پس از پیروزی کورش بزرگ بر مادها، به قلمرو هخامنشیان افزوده شده است.

✦ از منابع های مکتوب، کهن ترین سندی که به نام اریارمنه اشاره می کند، اثر هرودت است.





لوح اریارمنه

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

⊕ امروز تقریباً تردیدی وجود ندارد که لوح منسوب به اریارمنه از هخامنشیان متاخر و از سده چهارم ق م است. ظاهراً این لوح برای تندیس از اریارمنه نوشته شده بود.

⊕ در لوح منسوب به اریارمنه، او شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه پارس خوانده شده است، که سازگار با حقیقتی تاریخی نیست. اریارمنه در زمان حیات سرپرست قبیله و حد اکثر شاهک شاخه‌ای از هخامنشیان بوده است.



(ارشام (آرشام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

ارشام شاهک پارسی با آستیگ، آخرین فرمانروای مادها،
همعصر بوده است.

داریوش در سنگ نبشته بیستون پدر خود را ویشتاسپ و پدر
ویشتاسپ را ارشام می خواند.

ارشام حدود 615 ق م، پس از کناره گیری اریارمنه، بر
تخت شاهی نشست و به گمان تا برآمدن کورش بر تخت
بود.





(ارشام (آرشام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

چون داریوش در سنگ نبشته شوش می‌گوید، که به هنگام به دست‌گرفتن فرمانروایی هم پدر و هم پدربزرگش ارشام زنده بوده‌اند، پس احتمالاً کورش با به دست‌گرفتن قدرت، ارشام را از فرمانروایی برکنار کرده و او را به ساتراپی‌گمارده بوده است.

با توجه به این‌که پیش از داریوش، کمبوجیه و کورش شاهنشاه بوده‌اند، ظاهراً داریوش در سنگ نبشته بیستون با این ادعا، که شاهی را به‌تخمه‌اش باز گردانده است، اگر منظورش خاندان هخامنشی نبوده، قصد قانونی‌جلوه دادن حکومت خود را داشته است.





(لوح ارشام (آرشام

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

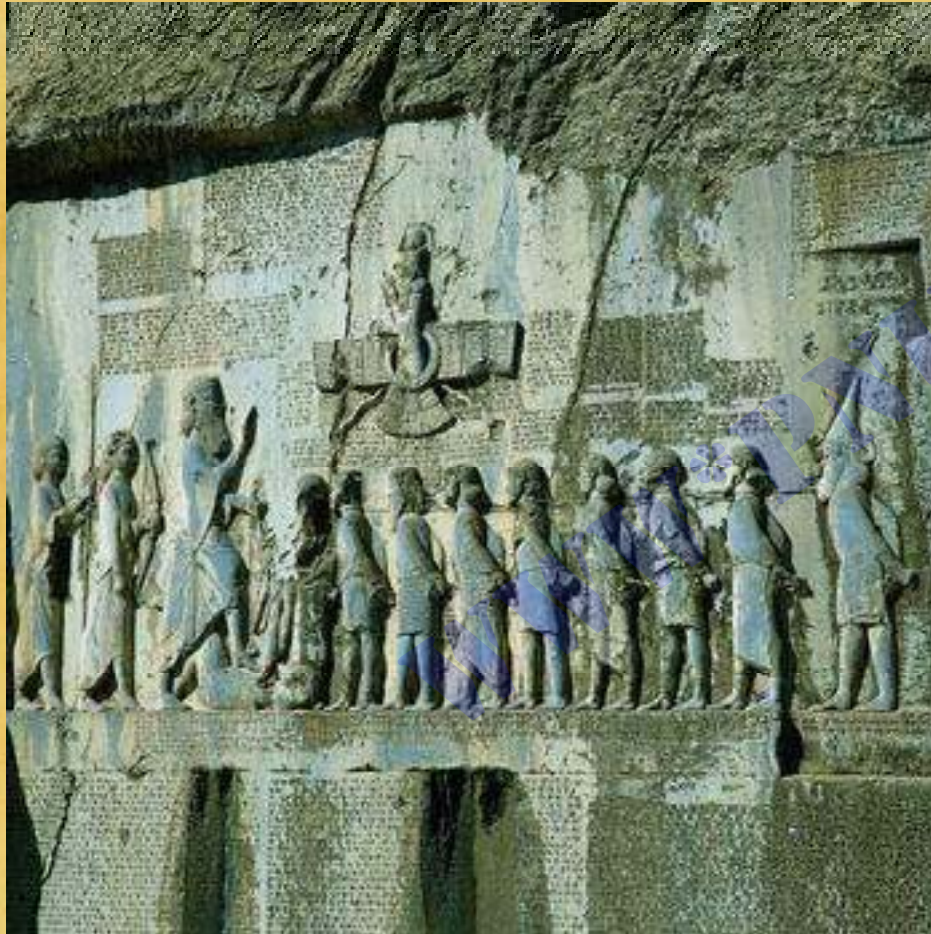
در لوحی زرین و منسوب به ارشام که با 14 سطر نبشته به خط میخی فارسی باستان در 1299 ش در همدان پیدا شد، از زبان ارشام آمده، که او شاه بزرگ، شاه شاهان و شاه در پارس است. با توجه به اینکه نخست با کورش اصطلاح شاهنشاه معمول می‌شود، ارشام نمی‌توانسته در سال‌های پس از 615 شاه شاهان بوده باشد و همین امر نشان می‌دهد که این لوح به وسیله ارشام تهیه نشده است.

هیئتس این لوح را اعلامیه‌ای سیاسی، نه تاریخی، می‌داند که به فرمان داریوش تهیه شده است.



به تخت نشینی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



1- سنگ‌نبشته بیستون معتبرترین
و نزدیکترین سند موجود درباره
چگونگی روی کار آمدن داریوش
است. البته این سند نمی‌تواند
حجت مطلق باشد.



به تخت نشینی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- در براندازی حکومت گئومات هفت نفر از بزرگان معروف به هفت تنان، در آن میان داریوش پسر ویشتاسپ، که به گمان ساتراپ پارس بود، مشارکت داشتند. هرودت محل این رویداد را در شوش می‌داند، اما همه نشانه حکایت از آن دارند که این محل نیسای (شاید نهاوند) ماد بوده است.

کشته شدن گئومات بی‌درنگ به مغکشی در سراسر کشور انجامید.



به تخت نشینی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- به روایت هرودت هفت تنان درباره گزیدن نوع حکومت و اینکه چه کسی و یا کسانی باید بر ایران فرمان برانند گفتگو می‌کنند. هوتانه می‌گوید هیچ کس نباید به تنهایی سرنوشت کشور را به دست گیرد. او بهترین حکومت را حکومت مردمی داند. بغبوخش بر خلاف نظر هوتانه، مردم را نادان می‌پندارد و به قدرت‌الیگارش می‌معتقد است و پیشنهاد می‌کند، تا عده‌ای از توانمندان و خود آن‌ها، حکومت را در دست گیرند. سرانجام داریوش بهترین نوع حکومت، حکومتیک شاه بر همه مردم را ترجیح می‌دهد. او می‌گوید، چون این شاه از بهترین نیت‌برخوردار است. بهتر است که روش به‌ارث رسیده از نیاکان پاسداری شود.

هوتانه با این شرط که در آینده هیچ‌یک از یاران نه بر او و نه به فرزندان او فرمان برانند، خود را از کارهای سیاسی به‌کنار می‌کشد.



به تخت نشینی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



4- داریوش پس از میان برداشتن گئومات،
بی‌درنگ قدرت را به دست می‌گیرد. دست کم
هیچ‌کدام از هفت‌تنان نمی‌توانسته‌اند با بر
تخت‌نشینی داریوش مخالف بوده باشند. چون
کمبوجیه فرزندی نداشت و داریوش پسر
و یشتاسپ هخامنشی بود.



کتیبه بیستون

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



1- موضوع سنگ نوشته:

داریوش را باید با نبشته سنگی او
در بیستون نخستین مورخ
ایرانی به شمار آورد.
سنگ نبشته بیستون تاریخ
نخستین سال فرمانروایی
داریوش است.



کتیبه بیستون

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- متون سنگ نوشته:

از سنگ نبشته 4متن در دست داریم:

فارسی باستان، ایلامی، بابلی و ترجمه آرامی.

متن فارسی باستان ظاهراً به صورت بخشنامه برای آگاهی ساتراپی‌های فرستاده شده و نسخه‌ای از آن از الفانتین مصر به دست باستان شناسان افتاده است.

متن‌های ایلامی و بابلی نیز ترجمه‌هایی‌اند از متن فارسی باستان.

گوناگونی متن سنگ‌نبشته بیستون این سود بزرگ را دارد که گذر زمان و فرسایش باد و باران طبعاً به همه متن‌ها در جای معینی آسیب‌رسانده‌اند و ما امروز به آسانی می‌توانیم جاهای آسیب‌دیده را بازسازی کنیم. علاوه بر این به ضرورت، این متن‌ها گاهی مختصر تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.



کتیبه بیستون

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



3- انگیزه نگارش:

داریوش پس از خواباندن شورشها کاملاً آگاهانه تصمیم گرفت، برای مشروعیت بخشیدن به فرمانروایی خود، مردم سراسر امپراتوری خویش و جهان پس از خود را در جریان علت به دست گرفتن قدرت و جریان نخستین سال فرمانروایی خود قرار دهد.



کتیبه بیستون

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- علت انتخاب بیستون:

- # راه پر رفت و آمد بر سر راه کهن ماد به بین‌النهرین و ماد و مورد استفاده قوم‌های گوناگون فلات ایران و بین‌النهرین و آسیای مقدم بود.
- # ویژگی استثنایی منظر آن.
- # از دیرباز به سرزمین خدایان، یا بغستان، یا بهیستان و بیستان و بیستون شهرت داشت.
- # پیش از داریوش نیز در راستای آن نگاره‌های دیگری فراهم آمده بود، که برخی از آنها یادگار دورانی بسیار کهن بود. از آن میان نگاره‌ای که به فرمان شاه لولوبی، حدود 2000 ق م کنده شده بود.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



1- ساتراپی آریاوند (آریاندس) در مصر :

آریاندس از سوی کمبوجیه برای اداره ساتراپی جدید مصر گمارده شده بود. ساتراپی او با شورش مصریان که از خراجهای سنگین ناراحت بودند، متزلزل شد. این نخستین بار بود که امپراتوری کهن مصر خود را در انقیاد یک قدرت خارجی می‌دید و طبعا نمی‌توانست به آسانی به آن تن در دهد. داریوش برای آرام کردن مردم مصر به او نوشت که قانون مصر را با شرکت کاهنان و دانایان مصری، با تکیه بر قانون‌های مذهبی مصریان تدوین کند. فرمان داریوش درباره آزادی دین و قانون در سرزمینی بیگانه، همان اعتباری را دارد که منشور بزرگ کورش در بابل. از مهم‌ترین رویدادهای زمان فرمانداری آریاندس در مصر، فتح پوتایه (لیبی) به دست او است.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

از سنگ نبشته‌ای که از **اوجاهورسنه**، یکی از کاهنان بزرگ‌مصر، که خود شاهد گشوده شدن مصر به دست کمبوجیه بوده به دست آمده، چنین بر می‌آید که هم کمبوجیه و هم داریوش به قانون‌های مذهبی و بومی مصر احترام زیادی می‌گذاشته‌اند.



اوجاهورسنه





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

اوجاهورسنه پزشك كمبوجيه بود و كمبوجيه او را در بازگشت به ایران به همراه آورده بود. داریوش نیز او را در مقام پزشك مخصوص در دربار خود ابقا کرد. داریوش ، اوجاهورسنه را برای سامان دادن برخی از کارها، از آن میان تربیت پزشك به مصر بازگرداند.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- ساتراپی ها:

مهمترین برنامه‌ای که داریوش بی‌درنگ پس از به دست گرفتن قدرت به اجرا گذاشت، تقسیم شاهنشاهی گسترده هخامنشی به استان‌ها و یا به عبارت دیگر به ساتراپی‌ها بود.

هریک از ساتراپی‌ها، شاهک‌نشینی بود که قومی معین و یا چندین قوم خویشاوند را زیر پوشش اداری، نظامی و مالی خود داشت. شاه‌شاهان قدرت مطلق بود، که ساتراپ‌ها یا شاهک‌ها را برمی‌گزید.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

کوروش و کمبوجیه تنها فرماندهان سرزمین‌هایی به تصرف درآمده را بر کار می‌گماردند. این فرماندهان، گرچه گاهی مانند يك ساتراپ عمل می‌کردند و گاهی مورخان نیز آنان را ساتراپ می‌خوانند، هرگز ساتراپ نبودند و این مقام از زمان داریوش به بعد رسمیت یافته است. با این همه نشانه‌هایی در دست است که ایده تقسیم کشور به ساتراپی‌ها یا استان‌ها را می‌توان از کوروش دانست. گزنفن به ساتراپی‌های غرب شاهنشاهی کوروش اشاره می‌کند.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

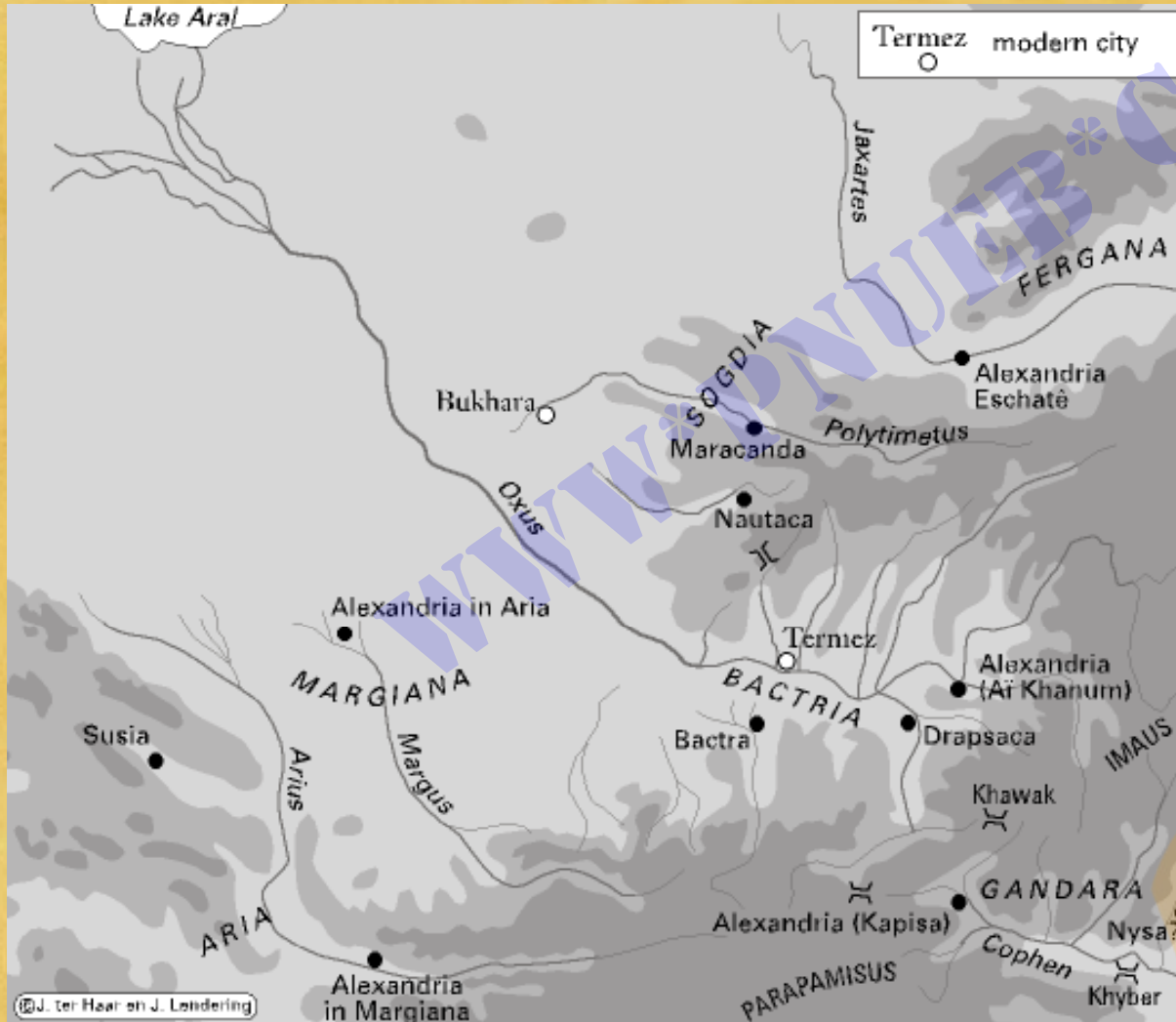
3- تعداد ساتراپی‌ها:

به جز آشنایی اندکی که به کمک هرودت از ساتراپی‌های غربی داریم، از شرق در زمان داریوش تقریباً چیزی نمی‌دانیم. با این همه **باخوانده شدن بخشی از لوح‌های دیوانی تخت جمشید** از سال‌های 509 تا 494 ق م، که بیشتر به سفرهای ماموران دولتی و جیره‌های میان‌راهی آنها در ایستگاه‌ها مربوط می‌شوند، اندکی بر آگاهی ما از این ساتراپی‌ها افزوده شده است.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



ساتراپی‌های شرقی

PNUweb



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

فرمانروایی داریوش

تعداد ساتراپی	تعداد ساتراپی ها به استناد منابع
20 ساتراپی	هرودت
23 ساتراپی	سنگ نبشته بیستون
25 ساتراپی	سنگ نبشته تخت جمشید
30 ساتراپی	سنگ نبشته آرامگاه داریوش در نقش رستم



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- تحکیم قدرت در فلسطین :

علت توجه داریوش به فلسطین برنامه هخامنشیان برای پرداختن به غرب بود. زیرا برای تسلط بر آسیای صغیر و مصر، تسلط بدون چون و چرا بر پل ارتباطی سوریه و فلسطین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

گفته شده علت آن کمکی بود که عرب‌های جنوب فلسطین به کمبوجیه در هنگام حمله او مصر کرده و از پرداخت خراج معاف شده بودند. گمان نمی‌رود که داریوش تنها به این خاطر توجه خاصی به فلسطینیان داشته بوده باشد.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- بازسازی معبدهای اورشلیم:

به روایت تورات خداوند می‌گوید که داریوش را برای آرامش جهان فرستاده‌است. داریوش بر اساس فرمان کورش که در بایگانی همدان بازیافت، به فرماندار سوریه نوشت که دست یهودیان را در بازسازی کهن‌ترین معبد خود باز بگذارند. علاوه بر این فرمان داد تا از محل خراج سوریه، که سهم شاهنشاه بود، هزینه بازسازی و دیگر مایحتاج به درخواست و میل کاهنان اورشلیم در اختیار یهودیان قرار گیرد.

در مجموع چنین می‌نماید، که یکتاپرستی در نظر داریوش نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌است. در سنگ‌نبشته‌های داریوش هیچ‌نامی به اندازه اهورمزدا بر زبان داریوش نیامده‌است.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

6- خودسری ارویتا (اریتس) در لیدی:

به هنگام سرگرمی داریوش به شورش‌های داخلی، ارویتا (اریتس) که از سوی کورش به ساتراپی لیدی گمارده شده بود با استفاده از آشوب‌ها، خودسرانه به هوای گستراندن قلمرو خود در لیدی و ایونی افتاد. او پولیکرات جبار ساموس را به حیل‌نزد خود خوانده و او را به قتل رساند. مرگ‌ناگهانی پولیکرات، سبب هرج و مرج در جزیره ساموس شد. داریوش بغیه را به سرکوبی ارویتا فرستاد. بغیه پس از به پایان رسانیدن ماموریت خود، با گنجینه سارد به شوش بازگشت. در میان اسیرانی که از لیدی به شوش آورده شدند دموکدس، پزشک پولیکرات نیز به چشم می‌خورد. این پزشک در حمله داریوش به یونان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

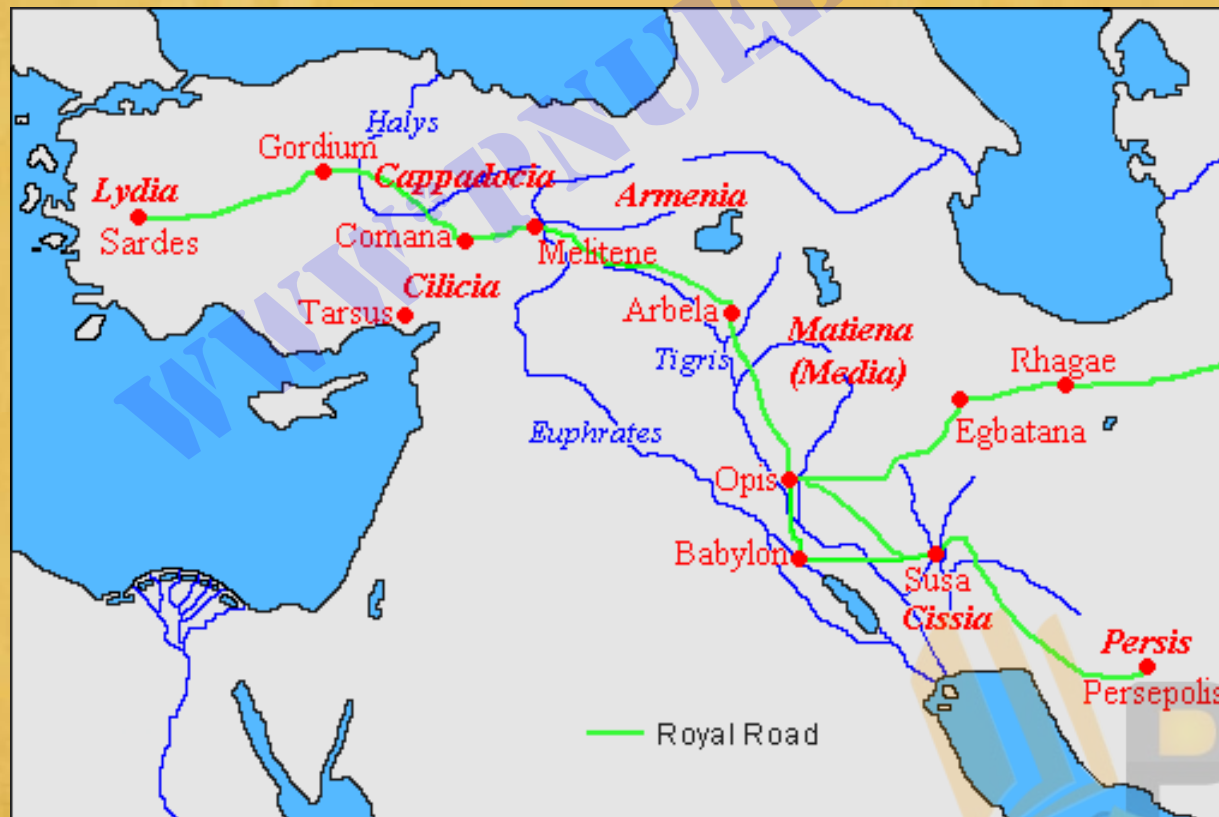


فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- بنای کاخ شوش :

7-1- داریوش نخستین بنای خود را در شوش پی افکند، که به کاخ زمستانی داریوش و جانشینان او معروف شد. شوش از نظر راه‌های ارتباطی موقعیت مناسبی داشت.

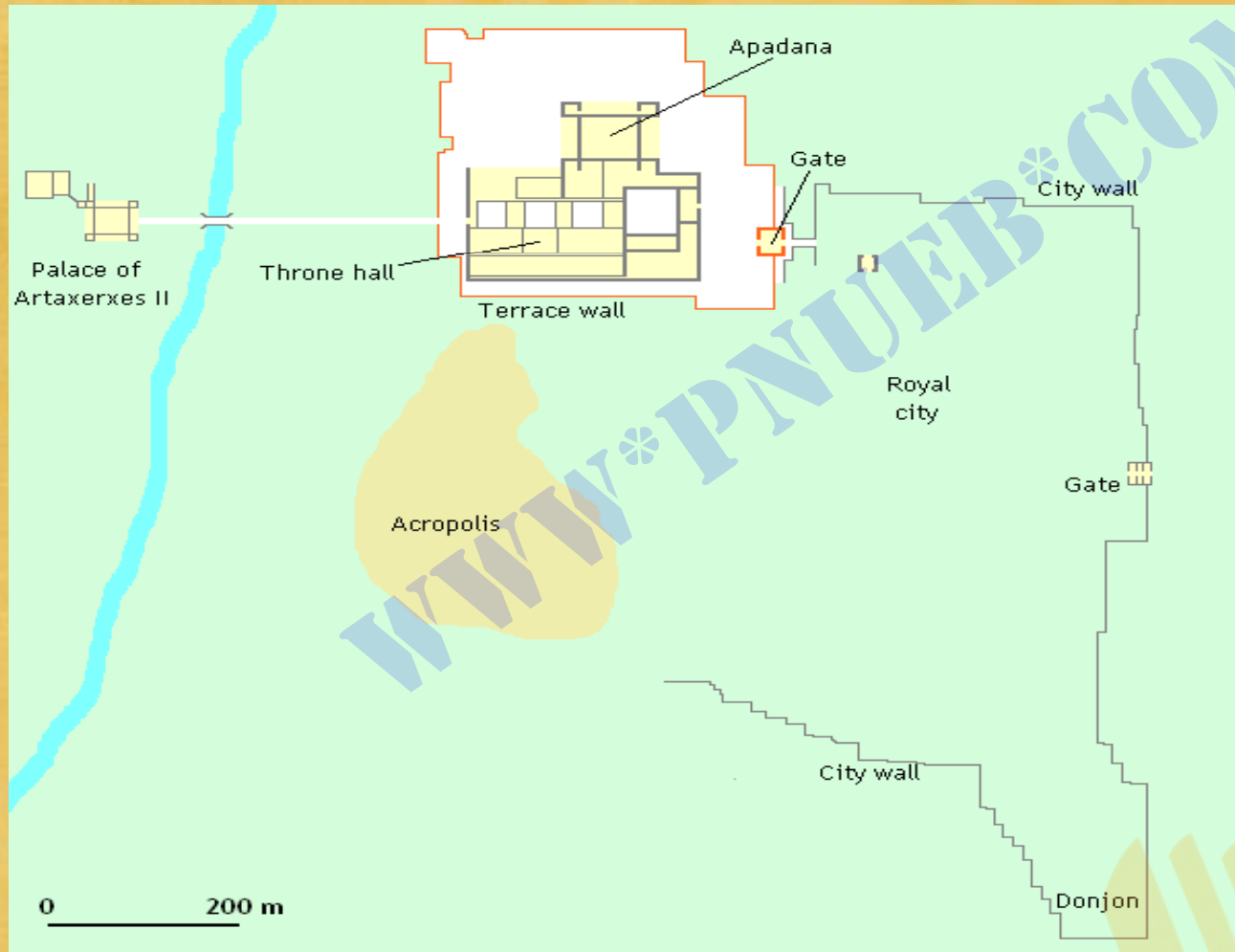




فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- بنای کاخ شوش :





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- بنای کاخ شوش :

7-2- داریوش، بانیسته‌ای که بر لوحی آجری بر جای مانده، **نخستین کارنامه معماری ایران** را از خود به یادگار گذاشته است. در این نبشته می‌خوانیم که صنعتگران و پیشه‌وران با ملیت‌های گوناگون از سرزمین‌های دور و نزدیک به شوش خوانده شده و در کارگاه بزرگ ساختمانی شوش به کار گمارده شده‌اند





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

کاخ داریوش در شوش :





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- بنای کاخ شوش :

7-3- از ویژگی‌های بنای کاخ و بر خلاف سنت ایلامی‌ها، که به سبب دوری از کوهستان و معدن سنگ، بناهای بزرگ خود را، مانند زیگورات چغازنبیل، با خشت و آجر می‌ساختند، تکیه بر سنگ‌های عظیم در بنای کاخ است. مصالح ساختمانی کاخ از راه‌های دوری به شوش آورده شده‌اند.



از آثار کاخ داریوش در شوش



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- بنای کاخ شوش :

7-4- تمامی تالار بزرگ کاخ ، که به آپادانای شوش معروف است، در زمان اردشیر اول هخامنشی طعمه آتش شد. اردشیر دوم تالار بار دیگری به جای آپادانای سوخته داریوش بنا کرد.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7-5- داریوش در سنگ‌بنای کاخ شوش از پارس‌ها نامی
نمی‌برد. ظاهراً اربابان تازه به دوران رسیده دست به سیاه و
سپید نزده‌اند شاید نقش آن‌ها تنها نظارت بر کارها بوده است.
داریوش از ایلامی‌ها، که سرزمینشان برای محل ساخت
کاخ‌گزیده شده بود، هم نامی نمی‌برد و پیدا است که او با آگاهی
قصد کم‌اهمیت نشان‌دادن ایلامی‌ها را داشته است، که در این
تاریخ به سبب شورش‌های پی‌پی مغضوب بوده‌اند.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



6-7- با این سند
گران بها نه تنها به
چگونگی بنای کاخ
شوش دست می یابیم،
بلکه به آسانی می توانیم
با دستاوردها و
توانایی های
سرزمین های گوناگون
شاهنشاهی نیز آشنا
شویم.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

8- داریوش در مصر:

داریوش با این آگاهی که مردم مصر از رفتار کمبوجیه خاطره خوشی ندارند، پیش از سفر به مصر، اوجاهورسنه را مامور سامان بخشیدن به اوضاع مصر کرده بود. داریوش میخواست برای حفظ مصر با تدبیر و ملایمت، از نفرت مصریان به کمبوجیه که او را به گمان به ناحق کشنده گاو مقدس آپیس می شناختند بکاهد.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

8- داریوش در مصر:

داریوش در 518 ر هسپار مصر شد. در این هنگام مردم مصر به خاطر مرگ گاو مقدس آپیس در عزاداری بودند. داریوش با استفاده از این موقعیت، به خاطر جلب دوستی مصریان، جایزه هنگفتی برای یابنده گاو جدید آپیس تعیین کرد. مصریان را به این باور رساند که داریوش فرعون مذہبی است





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در گزارش او جاهورسنه داریوش فرعون مصر خوانده شده است.
به دستور داریوش همه قانون‌هایی را که فرعون‌های مصر
به صورت فرمان برای معبدها و کاهنان بر جای گذاشته بودند
جمع‌آوری شده و تا سال 19 فرمانروایی داریوش بر پایروس
و به خط آرامی و مصری (دموستیک) بازنویسی شدند. از این
روی است که داریوش ششمین و آخرین قانون‌گذار مصر خوانده
شده است.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

9- دست اندازی داریوش به هند:

انگیزه:

✓ برای استفاده از منابع هند، به ویژه طلا.

علت تاخیر در توجه به هند:

✓ رویارویی داریوش با شورش‌های پیاپی در آغاز فرمانروایی

✓ موقعیت جغرافیایی دشوار فضایی میان ایران و هند

اهمیت:

✓ از نظر تاریخی حمله داریوش به هند نخستین حمله و رخنه غرب آسیا به شرق این قاره بود.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

9- دست اندازی داریوش به هند:

دست آورد:

- ✓ دست آورد این دست اندازی **طلایی فراوان** بوده است و نگاره هیات نمایندگی هیندوش با بار طلا بردوش در پلکان شرقی آپادانا در تخت جمشید بهترین گواه این پیروزی بر گمنامان تاریخ دره سند است.
- ✓ **شاید ضرب سکه معروف به داریکه از سوی داریوش** حاصل دستیابی به این طلایی فراوان بوده باشد. تا این تاریخ سکه رایج در ایران سکه های طلایی لیدیایی معروف به استاتره (ستاتره) بود، که کروزس در ایران باب کرده بود.
- ✓ حاصل تاریخی گشوده شدن دره سند **گشایش دروازه شبه قاره هند به روی آسیای غربی و اروپا** بود و اروپا با این پیروزی داریوش برای نخستین بار پی به وجود هندوستان برد.

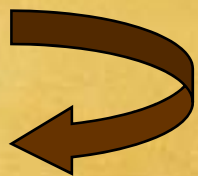


فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

10- کشف و شناسایی دریاها :

داریوش برای شناختن دریاهای پیرامون شاهنشاهی بزرگ خود اسکیلاکس (سکیلاکس) از کاریاندا را با چند کشتی ایرانی به ماموریتی دریایی گسیل داشت.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

10- کشف و شناسایی دریاها :

بخش مهم نیروی دریایی ایران را **کاریها و فینیقیها** تشکیل می دادند و داریوش بیشماری از کاریها را به خلیج فارس کوچانده بود، که در بنش در نزدیکی خرمشهر امروزی بندری برای خود فراهم آورده بودند. این کاریها همان دریانوردانی بودند که الوار چوب را برای بنای کاخ شوش از لبنان سوار بر فرات به شوش رسانده بودند.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

10- کشف و شناسایی دریاها :

سفرهای دریایی اسکیلاکس:

● سفر دریایی اقیانوس هند و خلیج فارس تا دریای سرخ: اسکیلاکس سفر خود را از قندهار آغاز کرد. او از رود کابل به سوی شرق و سپس از محل پیوستن این رود به سند به طرف جنوب سرآزیر شده و خود را به اقیانوس هند رسانید. از اقیانوس هند تا بندر بنشو در نزدیکی خرمشهر، دریای عمان و خلیج فارس را در نوردید و گزارش تهیه کرد. سپس خود را از کرانه‌های شبه‌جزیره عربستان به سوئز رسانید.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

سفرهای دریایی اسکیلکس:

● بررسی دریای خزر و دریای سیاه.

● ظاهراً اسکیلکس در مدیترانه کرانه‌های شمالی آفریقا تا جبل الطارق را نیز در نور دیده است.

اسکیلکس بعدها در هلاس کتابی به نام Perplus نوشت و حاصل بررسی‌های خود از سند تا سوئز را در آن آورد. این کتاب از میان رفته و تنها بخش‌هایی از آن در اثر جغرافیایی معروف هکاتایوس آمده است، که آنهم ناقص است. در عین حال هرودت و دیگران از آن استفاده کرده‌اند.



فرمانروایی داریوش

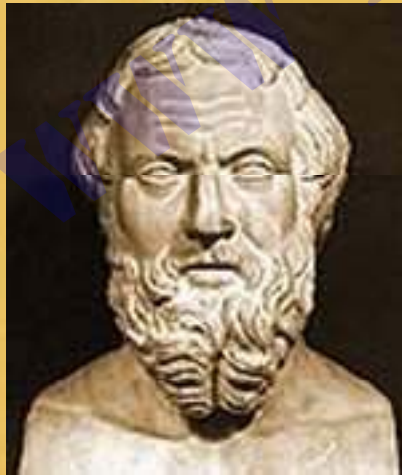
تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

11- نبردهای داریوش با سکاها در جنوب روسیه و پیرامون دانوب:

مشکلات گزارشات مربوط به سکاها:

✓ آشفتگی اخبار مربوط به سکاها به سبب فراوانی و متنوع بودن این
اخبار.

✓ تنها گزارشگر آنها هرودت است.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

11- نبردهای داریوش با سکاها در جنوب روسیه و پیرامون دانوب: علت جنگ:

- ✓ هرودت دو نسل پس از داریوش می‌نویسد، چون سکاها در زمان کیاکسار دوم به سرزمین ماد حمله کرده و بنا را بر بیدادگری گذاشته بودند، داریوش تصمیم به تنبیه آن‌ها گرفت.
- ✓ پیداست که پس از گذشت دو سده حافظه و خاطره تاریخی داریوش نمی‌توانسته است انگیزه چنین اقدامی باشد. داریوش می‌خواست به تاخت و تازهای گاه و بی‌گاه سکاها را کوچ‌نشین، که چیزی برای از دست دادن نداشتند، پایان دهد.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

11-نبردهای داریوش با سکاها در جنوب روسیه و پیرامون دانوب:

نتایج:

✓ تحکیم موقعیت داریوش در غربی‌ترین بخش آسیای صغیر.

✓ بغباز و سردار داریوش همه تراکیه را به تصرف خود درآورد و گروهی از مردم آنجا را به درون آسیای صغیر کوچاند.

✓ برای نخستین بار مرز غربی شاهنشاهی هخامنشی به رود دانوب رسید.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

12- ساخت کانال سوئز:

زمینه:

- ✓ پیش از داریوش نخست نخائو (595-610 ق م) فرعون مصر، فرمان به‌کندن کانال داده بود، اما کار کندن پیش از اینکه به پایان برسد، به سبب مخالفت مردم نیمه‌کاره رها شده بود.
- ✓ اسکیلکس حاصل بررسی‌های خود را به داریوش گزارش کرد و داریوش دریافت که از راه آبی‌نیز می‌توان خود را از پارس به مصر رساند. بنا بر این داریوش به فکر کندن کانالی افتاد، که بعدها به کانال سوئز معروف شد.





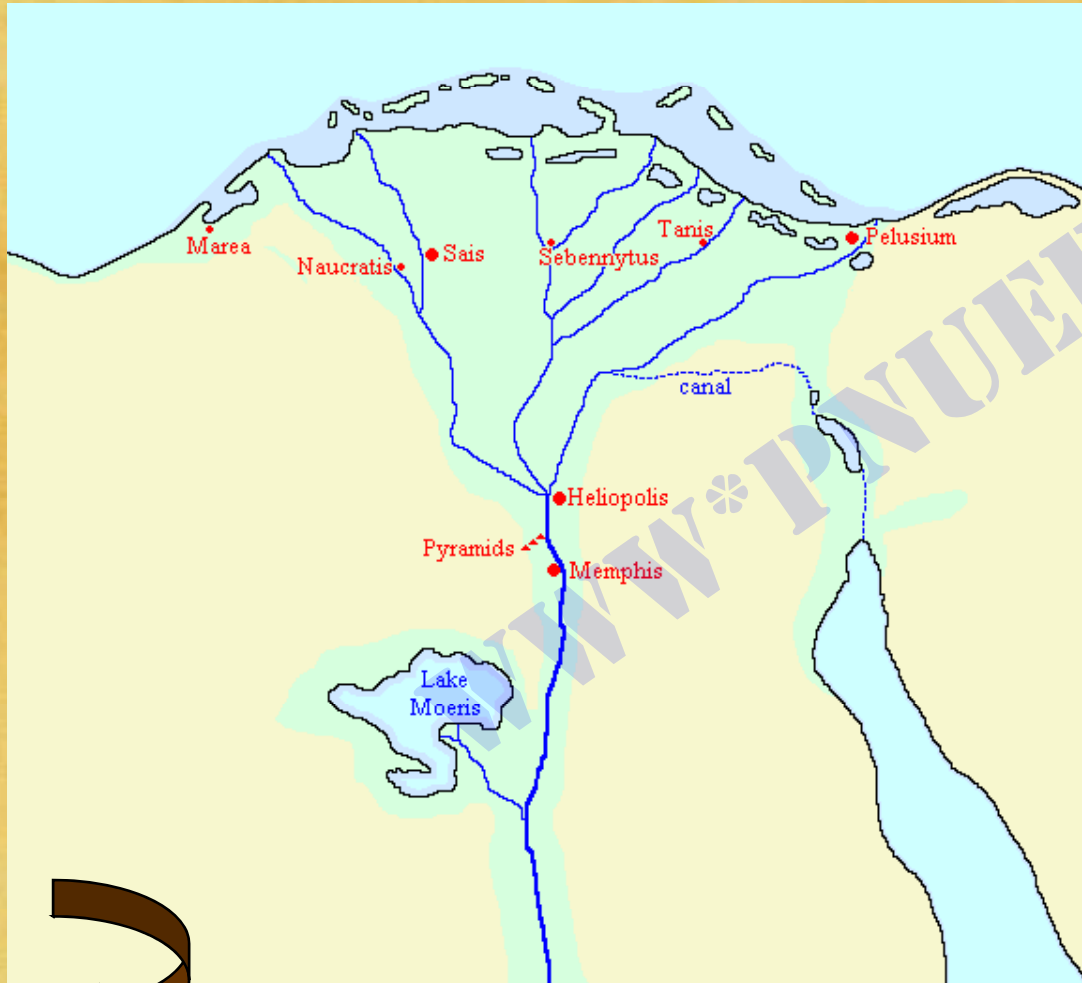
فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

12- ساخت کانال سوئز:

مسیر کانال:

کانال داریوش، بر خلاف کانال امروزی که به مدیترانه می پیوندد، از روخانه نیل در شمال قاهره آغاز شده و نخست کانال نخاورا، تا پیرامون اسماعیلیه امروزی، به طرف شرق تعقیب می کرد و از اسماعیلیه به بعد، به جایی پیوستن به دریای تمساح، اول به شکل یک نیم دایره و به موازات دریای تلخ و سپس به خط مستقیم، با فاصله ای بسیار اندک از کانال امروزی، به طرف جنوب پیش می رفت تا به دریای سرخ پیوندد. ظاهراً انتخاب مسیر نیل برای برخورداری از آب شیرین بوده است.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

12- ساخت کانال سوئز:

سنگ نوشته کانال:

در متن فارسی باستان و ایلامی سنگ‌نوشته داریوش که از 33 کیلومتری کانال سوئز به دست آمده، اشاره‌ای به کندن کانال نشده است، اما در متن مفصل‌تری، که به خط مصری در پشت سنگ‌نوشته آمده، اشاره‌های سودمندی شده است.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

13- ساخت معبد آمون در خارجه:

از کارهای داریوش در واحه خارجه، **معبد آمون** است. این بنا دارای نبشته‌ای مفصل به خط هیروگلیف مصری است. کهن‌ترین نبشته در پشت بنا قرار گرفته است، که با تصویری به سبک مصری از داریوش از او به نام سازنده معبد یاد می‌کند.

نگاره‌های گوناگونی که از داریوش در این معبد وجود دارد از توجه ویژه داریوش به آیین‌های دینی مصریان حکایت می‌کنند. در این نگاره‌ها داریوش در حال تقدیم پیشکش به خدایان مصری دیده می‌شود. در نگاره‌های معبد آمون رابطه داریوش، در مقام فرعون مصر، با خدایان مصری چشمگیر است.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در این زمان است که به دستور داریوش مجسمه‌هایی از او در معبد‌های بزرگ مصر قرار گرفت. در خاک‌برداری‌های شوش به‌یکی از این مجسمه‌ها دست یافتند، که متعلق به معبد هلیوپولیس بوده و در مصر ساخته شده بوده است. این مجسمه سنگی تمام قد، که سر آن از میان رفته است، تنها مجسمه هخامنشی است که شاه را از چهار سو نشان می‌دهد. در نبشته‌ای که به‌خط میخی فارسی باستان، ایلامی و بابلی بر روی سمت راست لباس داریوش کنده شده است.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

14-داریوش و یونانی ها:

داریوش که نمی‌توانست چشم از یونان برگیرد و همواره در پی استواری موقعیت خود در یونان بود، به شهرهای یونان پیک‌هایی برای گرفتن آب و خاک فرستاد این شهرها هم‌ناگزیر از اطاعت از شاهنشاه بودند.



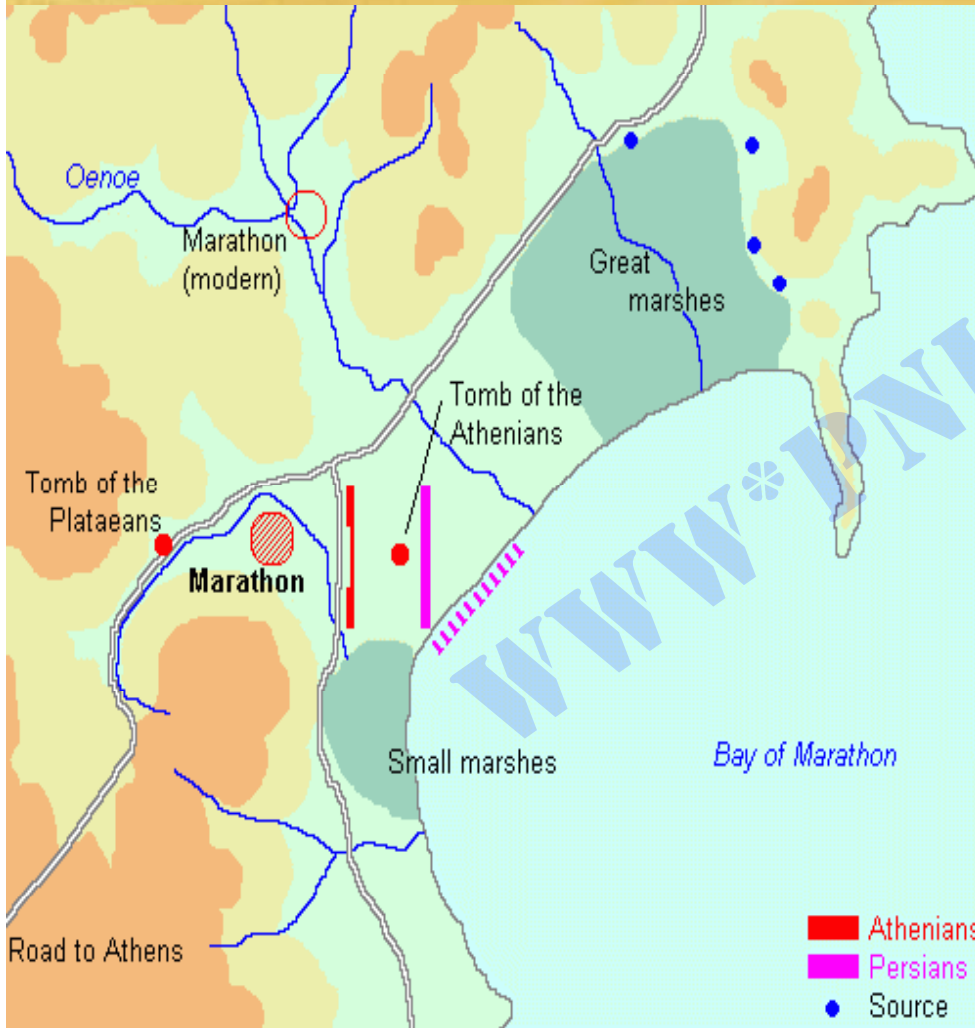


فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

14- داریوش و یونانی ها:

اینک آتن و اسپارت هدف نهایی داریوش بود. در نبرد سختی که در گرفت، روز 11 سپتامبر 490 ق م در جلگه **ماراتن**، ایرانیها پس از شکستی که از آتنیها خوردند، به کشتیهای خود پناه بردند و عقب نشینی کردند. با این شکست ترس و وحشت آتنیها برای همیشه از ایرانیها فروریخت. این شکست مقدمه ای برای حمله اسکندر به شرق بود.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

15- آرامگاه داریوش:

✓ آرامگاه داریوش که در نقش رستم در شمال تخت جمشید در سینه صخره‌ای کنده شده به نمایی کاخ داریوش در تخت جمشید شباهت دارد.

✓ نمایی عمومی آرامگاه از دور مانند يك صلیب است. این صلیب که تقریباً در همه آثار هنری ایران به ویژه در دوره اسلامی، به چشم می‌خورد، باید که عنصری آریایی بوده باشد. شاید اشاره بر چهار جهت اصلی آبشخور این نماد بوده است.



تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

فرمانروایی داریوش



15- آرامگاه داریوش:

✓ نگاره فراز نمایی آرامگاه با سنگ نبشته همراه یک اعلامیه تمام عیار مصور است. اریکه شاهی برای القاء قدرت شاهنشاه، بر دوش نمایندگان 30 کشور (ساتراپی) قرار دارد. منظری که در تخت جمشید نیز شاهدیم. در پشت سر و رو به روی داریوش، شش نفر از بزرگان هخامنشی از گروه هفت یاران، در مقام ملازمان شاه ایستاده اند. سمبل اهور مزدا در اینجا نیز در بالای مجلس شناور است





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

15- آرامگاه داریوش:

✓ اما دو سنگ‌نبشته آرامگاه داریوش (در کنار سنگ‌نبشته‌های داریوش در بیستون و شوش) از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. داریوش در نقش رستم، بیانیه خود را به دو بخش تاریخی و شخصی تقسیم کرده است. بخش تاریخی در پشت سر نگاره او و در بالای آرامگاه قرار دارد و دیگری که مهم‌تر است، در سمت چپ ورودی آرامگاه. این دو نبشته نیز مانند، تقریباً همه نبشته‌های برجای مانده از داریوش، با نام اهورمزدا آغاز می‌شوند. در اینجا، داریوش به گونه شفاف‌ی از خلق و خوی خود سخن می‌راند.





متن سنگ نبشته داریوش در آرامگاهش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

اهورمزدا شکوه را... شادی مردم را آفرید و خرد و تحرك را بر داریوش
ارزانی داشت. به خواست اهورمزدا چنینم که راستی را دوستم، بدی را دوست
نیستم. نه میل دارم که به ناتوان از توانا آزار برسد و نه میل دارم که توانا از
ناتوانی... دروغگو را دوست نیستم. تندخو نیستم. به هنگام خشم بر خودم چیره
می شوم. سخت بر هوس خود فرمانروا هستم. کسی را که همکاری می کند پاداش
می دهم و کسی را که زیان می رساند به کیفر می رسانم. هنگامی که کسی از
کسی بد می گوید، تا سوگندهردو را نشنوم، باور نمی کنم... من چنینم... خواه در
کاخ، خواه در اردوگاه. آنچه را که به گوش تو می رسد، دروغش نپندار در
آوردگاه، همآورد خوبی هستم... ورزیده هستم. خواه با هر دو دست و خواه با
هر دو پا. هنگام سواری سوارکاری خوبم. به هنگام کمان کشی، پیاده و سواره،
کمان را خوب می کشم. هنگام نیزه زنی، پیاده و سواره، نیزه زن خوبی هستم...
ای مرد آنچه را که من کرده ام دروغش نپندار به نبشته بنگر نشود که به
دستورها نافرمان باشی کسی نآزموده (خام) نماند ای مرد نشود که شاه ناگزیر
از کیفر شود



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

16- پزشکان داریوش:

تقریباً همه پزشکان شاهان ایران باستان از میان خارجیان گزیده شده‌اند. با اینکه وندیداد پس از هخامنشیان تدوین شده از اشاره‌های بیشمار آن چنین برمی‌آید که پزشکی در ایران باستان از رونق خوبی برخوردار بوده است. بنا بر این علت را بیشتر باید در ملاحظات امنیتی جست تاناتوانی پزشکان ایرانی. پزشکان بیگانه کمتر از بومی‌ها می‌توانسته‌اند درگیر توطئه‌های درباری شوند.

نخستین پزشک شناخته شده داریوش او جاهورسنه مصری پزشک کمبوجیه بود. یکی دیگر از پزشکان شناخته شده داریوش دموکدس پزشک معروف پولیکرات بود. همچنین می‌دانیم که شاه بوسیله ژئوکه (= زنده)، که نامی ایرانی دارد و 6 سال پیش از بابل فراخوانده شده بود مداوا شده است.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

17- همسران و فرزندان داریوش:

به سبب فراوانی همسران رسمی و صیغه و برده، دستیابی به شمار همسران و فرزندان فرمانروایان ممکن نیست. به فرزندان زنان صیغه اعتبار و مشروعیتی قائل نبودند. مثلاً این فرزندان نمی‌توانستند به سلطنت برسند. آگاهی ما درباره زندگی خصوصی و اجتماعی و زنان شاه نیز بسیار اندک است، اما همین آگاهی کم برای آشنایی با وضع اقتصادی زنان بلندپایه ایران باستان سودمند است.

ارته‌بامه دختر گوبریاس نیزه دار داریوش، نخستین زن داریوش بود. در لوح‌های دیوانی نام او بیشتر از نام دیگر همسران داریوش آمده است.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

18- پایتخت‌های داریوش:

امروز به کمک متن‌های گران‌بهای لوح‌های گلی می‌دانیم که همدان، شوش و تخت جمشید پایتخت‌های داریوش بوده‌اند.

همدان و شوش میراث‌مادها و ایلامی‌ها از دیرباز کرسی شاهان بودند و تخت جمشید را خود داریوش بر کرسی‌نشانده بود.

شاهان هخامنشی تابستان را در همدان و زمستان را در شوش و بهار را در تخت‌جمشید می‌گذراندند.

پایتخت و دیوانخانه اصلی هخامنشیان تخت جمشید بود و از همدان و شوش به صورت بیلاق و قشلاق استفاده می‌شد. با تکیه بر گزارشی از پلوتارخ ظاهراً شاهان هخامنشی برای تاج‌گذاری به پاسارگاد می‌رفته‌اند.

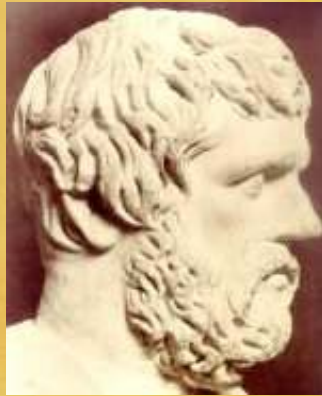


فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

19-مهمترین منابع مطالعه نظام اجتماعی و سازمان اداری ایران در زمان داریوش:

کتاب هرودت



کتاب کورش نامه گزن فن به رغم خیالی بودنش

دستاوردهای باستان شناسی که مهمترین آن کشف حدود 30 هزار لوح گلی به خط میخی ایلامی از عمارت خزانه تخت جمشید است .



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

20- برخی اطلاعات به دست آمده از سازمان اداری ایران در دوره داریوش:

● در تخت جمشید سازمان‌هایی همانند وزارت دارایی و کشور مستقر بوده و همه امور مالی و کشوری را با دقت زیر نظر داشته‌اند.

● همه درآمدها و هزینه‌های شاهنشاهی به دقت ثبت و با بایگانی می‌شده‌اند.

● در عمارت خزانة تخت جمشید و دیگر تشکیلات در مرکز ساتراپی‌ها و شهرهای تابع، به جای کاغذ همواره کلوچه‌هایی از گل برای ثبت امور آماده و در دسترس بوده است.

● مطالب لازم به خط میخی ایلامی بر لوح‌ها می‌نوشته‌اند.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- معمولا از هر سند دو رونوشت تهیه می‌شد. یک نسخه برای بایگانی محلی و نسخه‌ای برای بایگانی مرکز بخش. نسخه اصلی به خزانه تخت جمشید فرستاده می‌شد. بنا بر این از هر سندی که در هر جایی تهیه می‌شد نسخه‌ای هم در تخت جمشید وجود داشت.
- برای بایگانی مرتب لوح‌های گلی نیز ترتیبی اندیشیده شده بود. ظاهر آنکه لوح‌ها را بر اساس مکان و سال طبقه‌بندی کرده و در سبدهایی ریخته‌اند و سپس سبدها را در قفسه می‌نهادند. هر سبد بر چسبی ویژه خود داشت.
- در هر محل، مقامی روحانی معروف به آتش‌ریز بامهر خود صحت صدور سندهای انباردار را تایید می‌کرد. حساب‌رس‌هایی نیز در پایان سال و ماه‌های نخستین سال بعد با سرکشی به حوزه‌ها موجودی‌ها و صورت حساب‌ها را کنترل می‌کردند.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

• ظاهرًا سکه طلا (دریک) و نقره (شکل) به عنوان پول کاربرد چندانی نداشته و بیشتر نقش سیاسی آن و به جریان انداختن تصویر شاه و تجسم قدرت مورد توجه بوده است. تصویر سکه داریوش او را زانو زده و در حال کشیدن کمان نشان می‌دهد. جز این، سکه به صورت واحد وزن عمل می‌کرده است: دریک = $8/30$ گرم و شکل = $5/40$ گرم.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

• دیگر وظیفه سازمان اداری **تقویم اراضی** بود. سازمان اداری املاک بيشماری را در اختیار داشت که از آن دولت و به عبارت دیگر از آن شاه بود. در حقیقت شاه مالك اصلي سراسر امپراتوری بود. برخی از املاک شاه از سوی او در اختیار افراد خاندان و بلندپایگان و مهاجران قرار می گرفت و برخی نیز به افراد عادی اجاره داده می شد. در کنار این املاک و املاک دهقانان آزاد و زمین داران بزرگ، مزرعه های هم از طریق سازمان اداری به کشاورزان کوچک اجاره داده می شد. سازمان اداری بذر، آب و همچنین گاو مورد نیاز را نیز در اختیار این مستاجران قرار می داد.



فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

21-وظایف رئیس تشریفات دربار :

- **بلندپایه‌ترین مقام پس از شاه و مجری** همه برنامه‌های دربار و دیوان اداری شاهنشاهی بود.
- سامان دهی همه کارهای مربوط به شاه از قبیل برنامه‌خوراک او و متعلقان در کاخ
- انبار کردن کالای مورد نیاز شاه
- صدور حکم ماموریت، تامین هزینه‌ها و جیره‌های میان‌راهی ماموران
- پذیرایی از مهمانان دربار





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- اداره کارهای ساختمانی
- نظارت بر دریافت مالیاتها
- ثبت میزان محصول برداشتی و انبار آنها
- به هنگام سفر شاه به شوش یا همدان ترتیب همه کارهای مربوط به سفر
- رسیدن به حضور شاه و قراردادن او در جریان کارهای مربوط به شاه و دولت
- در غیبت رئیس تشریفات قائم مقام او کارهای او را در دست داشت.



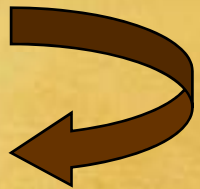
فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

22- داریوش و خط میخی فارسی باستان:

■ به گمان انگلبرت کمپفر جهانگرد آلمانی **نخستین** کسی است که اصطلاح **خط میخی** را بر سر زبانها انداخت.

■ کارستن نیبور جهانگرد و ریاضیدان آلمانی که نجوم و مساحی نیز می‌دانست، از نبشته‌های تخت جمشید نسخه‌برداری کرد. او **نخستین** کسی بود که تخت جمشید را با وسواس فراوان بررسی کرد و با هوشیاری توانست **نخستین** گزارش باستان‌شناسانه، دقیق و علمی درباره تخت جمشید را ارائه دهد.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

■ به سبب همین دقت نیبور ، 38 سال بعد برای نخستین بار نشان‌هایی از خط میخی خوانده‌شد و راه برای خواناشدن دیگر نشان‌های این خط هموار شد و چون بیشتر سنگ نبشته‌های شاهان هخامنشی سه زبانه بودند، به کمک خط میخی باستان ، خط‌های بابلی و ایلامی و به دنبال آن‌ها دیگر خط‌های میخی منطقه نیز خوانده‌شدند. نیبور ضمن بررسی‌های خود در تخت جمشید و نقش رستم، علاوه بر خط‌های میخی فارسی باستان، ایلامی و بابلی، از سنگ‌نبشته‌های خط پهلوی اشکانی، خط پهلوی ساسانی، خط یونانی، کوفی عربی، خط ساده عربی و خط فارسی کنده شده بر سنگ‌های تخت جمشید و نقش رستم نیز رونبشت تهیه کرد.

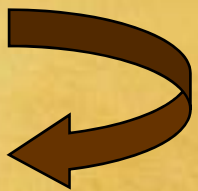




فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- گئورگ فریدریش گروتفندآلمانی، نخستین گام علمی و ارزنده را در بازخوانی خط میخی فارسی باستان برداشت.
- او توانست با استفاده از رونبشت دو سنگنبشته کوتاه و تقریباً شبیه به هم داریوش و خشیارشا در تخت جمشیدکه به وسیله نیبور تهیه شده بودند، 13 نشان از 36 نشان خط میخی فارسی باستان را بخواند، که البته 9 نشان از 13 نشان درست خوانده شده بودند.





فرمانروایی داریوش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

■ پایان کار بازخوانی با سر هنری راولینسن (1810-1895) بود. او را باید پدر دوم تاریخ خواند. راولینس دانشمندی است که بازخواندن نبشته بیستون تاریخ تکلیف بسیاری از نوشته‌های پدر اول تاریخ را و به این ترتیب تاریخ‌باستانی ایران و غرب آسیا را روشن کرد.



فرمانروایی خشیارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- شبح خشیارشا در تورات:

سیمای خشیارشا در تورات در کتاب استر که به نام همسر یهودی اوست، مانند کورش، اما نه به درخشندگی او، سیمایی خواستنی برای یهودیان است. بر اساس کتاب استر تورات علت این درخشندگی موارد زیر است:

1-1- استر یهودی ملکه خشیارشا بود و نزد او جایگاه ویژه ای داشت. زیرا استر بواسطه عمویش مردخای، خشیارشا را از توطئه ای آگاه کرده بود.

1-2- خشیارشا فرمان آزادی یهودیان را در کشور صادر کرده بود.



فرمانروایی خشیارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- ولیعهدی خشیارشا :

امتیازهای خشیارشا برای انتصاب به ولیعهدی در حالی که ارتبازن ، پسر ارشد شاه و مستحق ولیعهدی بود :

■ ارتبازن زمانی متولد شده بود که داریوش حتی در انتظار شاه شدن نبوده ولی خشیارشا زمانی متولد شده بود که داریوش به شاهنشاهی رسیده بود

■ مادر ارتبازن دختر گوبریاس یکی از شش یاران داریوش ولی مادر خشیارشا، آتوسا دختر کورش بزرگ بود. این دو تفاوت، با سنت‌های حاکم بر دربار هخامنشیان، برای خشیارشا دو امتیاز بزرگ را فراهم می‌آورد.

■ هرودوت می‌نویسد بدون توجه به سنت نیز ولیعهدی خشیارشا امری محرز بود، چون مادر او در دربار ایران زنی بسیار نیرومند و پر نفوذ بود.

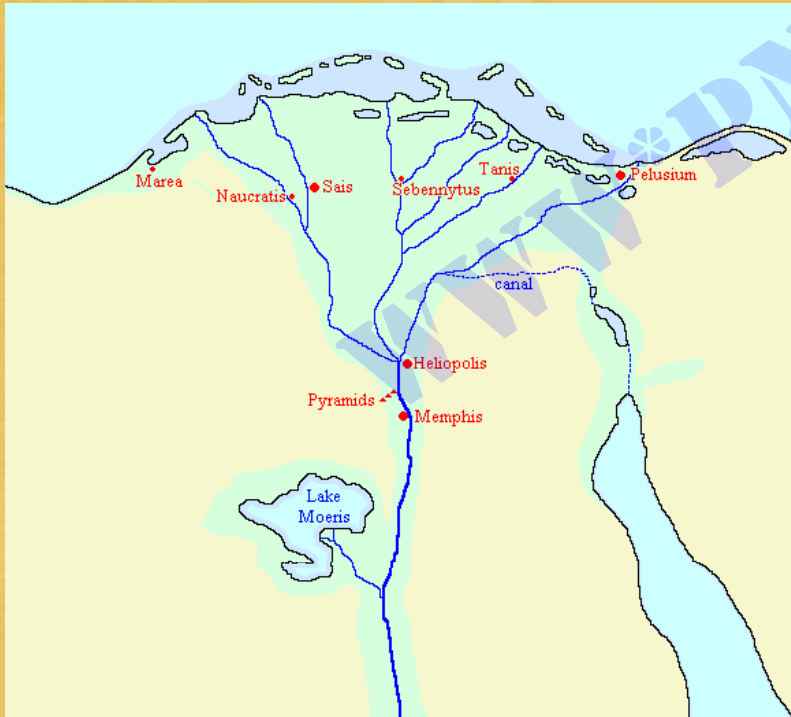


فرمانروایی خشیارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- علت شورش مصر:

با شکست نیروهای داریوش در ماراتن، مردم مصر جرات یافته و سر به شورش برداشتند.





فرمانروایی خشیارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- جنگ یونان :

نبردها:

- نبرد گزگاه ترومپل با لئونیداس شاه اسپارت و شکست اسپارت.
- نبرد دریایی آرتمیزیون که در آن یونانیها به پیروزی نرسیدند اما بر شجاعت آنان افزوده شد.
- نبرد دریایی سالامیس که ایران آسیبی تعیین کننده دید. این شکست به قول توکیدیدس حاصل اشتباه خود ایرانیان بود و نه دلآوری اسپارتیان.





فرمانروایی خشیارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- جنگ یونان :

نبردها:

- نبرد پلاته که مردونیوس با هزار تن از نگهبانان برگزیده خود کشته شد و سپاه ایران از پاشید.





فرمانروایی خشیارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- کشته شدن خشیارشا:

ارتبان (اردوان) فرمانده گارد سلطنتی، با همکاری دیگر مقام‌های بلند پایه دربار، از آن میان بغبوخش (مگابیزوس)، داماد خشیارشا و همدستی مهرداد خواجه دربار، نخست خشیارشا را در خواب به قتل می‌رساند و سپس داریوش بزرگترین پسر خشیارشا را رهبر توطئه قلمداد کرده و اردشیر را به کشتن او وامی‌دارد.



فرمانروایی خشیارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

6- آرامگاه خشیارشا :

در نقش رستم و در کنار آرامگاه پدرش داریوش است
و فاقدنوشته است. ظاهراً خود او، که دست به قلم
خوبی بود، به سبب مرگ ناگهانی فرصت آوردن
نیشته‌ای را نداشته است.



فرمانروایی خشیارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- حکمرانی و خلق خوی خشیارشا:

7-1- پس از به سلطنت رسیدن خشیارشا، دیگر هرگز قدرت بی‌چون و چرای روزگار کورش و داریوش در خاندان هخامنشی به دید نیامد. بیشترین وقت و همت خشیارشا صرف گستراندن تخت جمشید شد و در حقیقت عظمت تخت جمشید را باید به پای او نوشت. این توجه ویژه نیز ناشی از تربیت حرمسرای خشیارشا و علاقه او به چار دیواری کاخ‌های سلطنتی است.



فرمانروایی خشیارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- حکمرانی خشیارشا:

- 7-2- داریوش همان اشتباهی را کرد که کورش درباره تربیت کمبوجیه مرتکب شده بود. بنا بر این هنگامی که خشیارشا به فرمانروایی رسید، ایرانیان تنها به نام داریوش شاه بزرگ بودند.
- 7-3- صرف نظر از تربیت حرمسرایی، هنگامی که جهانگشایانی مانند کورش و داریوش از تمام ظرفیت‌های موجود پیرامون خود بهره می‌گرفتند، طبیعی است که برای جانشینان خود زمینه و رمقی برای تحرك تازه بر جای نمی‌گذاشتند.



فرمانروایی خشایارشا

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- حکمرانی خشایارشا:

7-4- سیاست تساحل و تسامح کورش و داریوش در برابر بتپرستان در دوره خشایارشا، که احترامی به باورهای آیینی و دینی بیگانگان نمی‌گذاشت بسیار کم‌رنگ شد. از جمله:

✓ در سرکوب شورش مصر خشایارشا رفتاری بسیار سختگیرانه‌تر از پیشینیان خود با مصریان داشته است. بر خلاف معمول هیچ اثر دینی که نشان از حضور خشایارشا در مصر داشته باشد بر جای نمانده است.

✓ در سرکوب طغیان بابل به فرمان خشایارشا دیوار و معبدهای بابل خراب می‌شود و تندیس مردوک را به ایران منتقل می‌کنند.



فرمانروایی اردشیر اول

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- پیمان صلح کیمون: علت جنگ:

آتنی‌ها که در مصر از قوای ایران شکست خورده بودند، برای دورنگه‌داشتن جنگ از خاک اصلی یونان، در سال 450 ق م با سپاهی، به فرماندهی کیمون فرمانروای آتن، به قبرس حمله کردند.

دولت‌شهرهای یونانی، پس از بازگشت خشیارشا از اروپا، توانسته بودند با تقویت بنیه مالی خود و سامان‌دهی روابط خود با یکدیگر، به ویژه با تشکیل اتحادیه دلوس که آتن در رأس آن بود، جسارت لازم را برای حمله به ایران پیدا کنند.

حمله به قلمرو ایران دست کم این امتیاز را داشت که تأکیدی بر ضعف ایران بود و دربار ایران را از حمله‌ای تازه به یونان باز می‌داشت.



فرمانروایی اردشیر اول

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- پیمان صلح کیمون:

نتیجه:

پس از درگیری‌های چندی که میان نیروهای ایران و یونان روی داد سر انجام در 449 ق م، با این‌که کیمون به ناگهان درگذشت، پیروزی مخصوصاً در نبرد دریایی، با آتن بود. اردشیر ناگزیر از مذاکره شد مذاکره منجر به بستن پیمان صلح شد.



فرمانروایی اردشیر اول

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- مفاد و پیامدهای پیمان صلح کیمون:

◆ آتنی‌ها از مصر و قبرس و ایرانیان از سواحل غربی آسیای صغیر
صرف نظر کردند.

◆ قرار شد که ساتراپ‌های ایرانی در دریا بیشتر از راهی سه‌روزه از
ساحل فاصله نگیرند و هیچ کشتی بزرگ ایرانی در حوزه دریای اژه
به چشم نخورد.

با این پیمان کرانه‌های آسیای صغیر و جزایر منطقه تقریباً از دست
ایرانیان بیرون شدند. از این پس تا پایان حکومت اردشیر، کوشش
ایرانیان برای دست یافتن به منطقه‌های از دست رفته بسیار
محتاطانه است.



فرمانروایی اردشیر اول

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- اردشیر و قوم یهود:

● چون **فلسطین**، که بخشی از ساتراپی بگوخش بود، بر سر راه مصر قرار داشت مانند همیشه طرف توجه خاص اردشیر بود.

● از کتاب‌های **عزرا و نحمیا** پیداست که **یهودیان** از توجه ویژه اردشیر به **خودبرخوردار بوده‌اند**. جز دو کتاب یادشده از تورات منبعی درباره پیوندهای قوم یهود با اردشیر نداریم، اما در مجموع بر این باوریم که این پیوندها ناشی از دیپلوماسی قوم یهود بوده که توانسته در زمان اردشیر نیز، با گزیدن حالتی انفعالی کم‌بیش اسباب ادامه سیاست کورش، داریوش و خشیارشا را فراهم آورد.



فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- داریوش دوم و یونان:

در دوره داریوش دوم تحرك و حضور موثر ایران در ساتراپی‌های آسیای صغیر کمی بیشتر از زمان اردشیر بود. درگیری‌ها و اختلاف‌ها دولت‌شهرهای یونان، مخصوصاً آتن و اسپارت و جنگ‌های پلوپونزی، در وجود رونق‌اندکی که در حضور ایران در غرب به چشم می‌خورد بی‌تاثیر نبودند. انتظار کمکی که هر کدام طرف‌های درگیری از شاه ایران داشتند نیز حضور ایران را در منطقه پررنگ‌تر می‌کرد.



فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- داریوش دوم و یونان:

در این میان سیاست چیسفرناه ساتراپ لیدی که مدتی دراز سیاست دربار ایران درباره یونان را در دست داشت در اختلاف‌های میان آتن و اسپارت بسیار تعیین‌کننده بود. در این میانه داریوش هم با گزارش‌هایی که در باره ضعف آتنی‌ها دریافت کرده بود، اوضاع را برای رسیدن به موقعیت پیشین ایران مناسب دید و از چیسفرناه ساتراپ لیدی و فرنه‌بازو ساتراپ فریقیه خواست که باج‌های عقب افتاده شهرهای یونانی را مطالبه کنند. حاصل سیاست چیسفرناه که در باطن برای رسیدن به افتخارات گذشته خواستار ضعف لاکدمونی و آتن بود، پیمان مهمی بود که در 414 ق م میان ایران و اسپارت بسته شد.



سکه چیسفرناه ساتراپ لیدی



فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- پیمان اول چیسفرناه:

این پیمان نه تنها حاکمیت ایران در آسیای صغیر و جزیره‌های
کرانه مدیترانه را تقویت می‌کرد، بلکه قلمرو تسالی را نیز
که به تصرف خشیارشا درآمده بود در اختیار ایران
قرار می‌داد.



فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- پیمان دوم چیسفرناه:

سردي روابط چیسفرناه و لاکدمونيها موجب شد که
لاکدمونيها ناخشنود از قرارداد نخست خود با چیسفرناه او
را وادار به بستن پیمانی نو کنند. **توکیدیدس** متن این پیمان را
در کتاب خود آورده است.



فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- پیمان دوم چیسفرناه:

این پیمان نیز به زودی اعتبار خود را از دست داد. لیخاس اسپارتی، ناخشنود از وضعیت موجود، ضمن مخالفت با این بخش از قرارداد که شاه همه سرزمین‌هایی را که خود و اسلافش در تصرف خود داشته‌اند همچنان تصاحب کند، پیشنهاد کرد پیمانی جدیدی بسته شود که منجر به خشم چیسفرناه و قطع گفت‌وگو شد.



زن ورزشکار اسپارتی



فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- پیمان سوم چیسفرناه:

چیسفرناه با هوشیاری و پرداخت رشوه به لاکدمونی‌ها، پیمان جدیدی با اسپارت بست، که موقعیت ایران را در همه‌آسیای صغیر تضمین می‌کرد. مفاد پیمان:

I. کشور شاه در آسیا، متعلق به شاه خواهد بود و شاه هر اقدامی را که صلاح بداند در آن‌جابه عمل خواهد آورد.

II. اسپارتیان و متحدانشان به هیچ عمل خصمانه بر ضد کشور شاه‌دست نخواهند زد؛ شاه نیز هیچ‌گونه عمل خصمانه بر ضد سرزمین اسپارتیان و متحدانشان نخواهد کرد.



فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- پیمان سوم چیسفرناه:

III. اگر یکی از اسپارتیان و متحدانشان به کشور شاه حمله کند، اسپارتیان و متحدانشان او را از این کار باز خواهند داشت؛ و اگر کسی از سرزمین شاه به سرزمین اسپارتیان و متحدانشان حمله کند شاه موظف است او را از این کار بازدارد. چیسفرناه تارسیدن کشتی‌های شاه هزینه کشتی‌هایی را که هم‌اکنون حاضرند، مطابق توافقی که تاکنون وجود داشت خواهد پرداخت. پس از رسیدن کشتی‌های شاه، اسپارتیان و متحدانشان اگر مایل باشند می‌توانند هزینه کشتی‌های خود را خود به‌عده بگیرند؛ ولی اگر بخواهند آن هزینه را چیسفرناه بپردازد،



فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- پیمان سوم چیسفرناه:

IV. چیسفرناه موظف به پرداخت آن خواهد بود و در پایان جنگ اسپارتیان و متحدانشان مبالغی را که دریافت کرده‌اند مسترد خواهند کرد.

V. پس از رسیدن کشتی‌های شاه، ناوگان اسپارتیان و متحدانشان و ناوگان شاه جنگ را متفقا به نحوی که چیسفرناه و اسپارتیان و متحدانشان صلاح بدانند ادامه خواهند داد؛ و اگر بخواهند با آتنیان صلح کنند هر دو طرف متفقا صلح خواهند کرد.

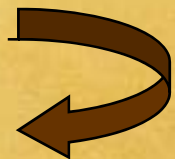


فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- نقش کورش صغیر در روابط ایران و یونان:

5-1- با ماموریت کورش پسر داریوش در آسیای صغیر برای آخرین بار هخامنشیان در منطقه اعلام حضوری جدی می‌کنند. کورش فرمان داشت که فرماندهی همه نیروهای ایرانی در آسیای صغیر را به دست گیرد. فرمانده نیروی دریایی اسپارت را که لیزاندر (یا لیساندر) نامیده می‌شد و از شیوه پرداخت حقوق اسپارتیان از سوی چیسفرناه در گله بود، نواخت و به او قول کمک داد. انتظار می‌رفت که حضور کورش يك بار دیگر به تسلط بی‌چون و چرای ایرانی‌ها بینجامد، اما احضار ناگهانی کورش به شوش اوضاع را به روال دیگری انداخت.





فرمانروایی داریوش دوم (اخوس)

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5-2- کورش پیش از بازگشت به ایران همه‌امکانات در اختیار خود را برای ادامه جنگ با آتن به لیزاندر سپرد. با پشتیبانی کورش از لیزاندر بود که آتن تا حد نابودی شکست خورد و جنگ‌های معروف به جنگ‌های پلوپونزی پس از حدود 27 سال پایان یافت.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- منابع واقعه کورش کوچک:

- 1-1- **گزنفن** در نبرد دو برادر در کوناکسا به میل خود در سپاه کورش بود و **کتسیاس** پزشک دربار همراه اردشیر بود. از این دو، گزارش‌های ارزشمندی برجای مانده است.
- 1-2- گزارش گزنفن که خود 10 هزار یونانی شکست خورده را به یونان بازگرداند، **آنابازیس یابازگشت 10 هزار نفر** نام دارد.
- 1-3- گزنفن کورش را با کورش بزرگ مقایسه کرده و آنابازیس، مهم‌ترین اثر خود را بر اساس زندگی کورش کوچک تألیف کرده است.
- 1-4- **پلوتارخ** نیز اطلاعاتی در ارائه می‌دهد.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- پیامد های واقعه کورش کوچک و بازگشت ده هزار نفر:-

✘ پیداست که اسکندر مقدونی نیز با خواندن کتاب آناکزیس برای برنامه‌ای که در پیش داشت سود بسیاری برده بود. او با این کتاب راهنمای خوبی نیز برای انتخاب راه در دست داشته است.

✘ با قیام کورش صغیر موقعیت ایران در ساتراپی‌های یونانی در آسیای صغیر، به سبب حذف هماهنگی زمان کورش، توازن خود را از دست داد.

✘ 10 هزار یونانی بازگشته می‌توانستند با گزارش‌های خود درباره ضعف حکومت مرکزی ایران، از اهمیت موقعیت ایران بکاهند و این شائبه را پدیدآورند که دربار ایران فاقد آن قدرتی است که همیشه تصور آن می‌رفته است.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- چهار مساله اساسی دوره اردشیر دوم پس از کورش کوچک:

چهار مساله اساسی چشمگیرترین رویدادهایی هستند که در حکومت اردشیر دوم پس از کورش کوچک قابل بررسی اند:

موقعیت ایران در یونان	⊕
جنگ قبرس	⊕
جنگ با کادوسیان	⊕
جنگ مصر	⊕



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- مساله یونان:

به دلیل حملات اسپارتی ها به ساتراپی های آسیای صغیر ، اردشیر به تیموکرات از اهالی رودس ماموریت داد تا با پرداخت 50 تالان به هر یک از حاکمان شهرها ، آنها را به جنگ با اسپارت تشویق کند. ساتراپ لیدی نیز موفق شد با پرداخت پول ، شهرهای آتن، آرگوس، تب و کورنیث را بر ضد لاکدمونی با هم متحد کند. سرانجام لاکدونی ها ترجیح دادند که با احضار آگسیلائوس فرمانده اسپارتی از آسیای صغیر به مخاصمه خود با ایرانیان پایان بخشند.





فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در 392 ق م آنتالکیداس دولتمرد اسپارتی، برای دستیابی به صلح به آسیای صغیر فرستاده شد. یک بار دیگر اسپارتیها برای حفظ منافع خود به یونانیها پشت کردند. اسپارتیها پیشنهاد دادند که همه آسیای صغیر و دولت شهرهای یونانی به ایران واگذار شوند و فقط جزایر یونانی مستقل بمانند. اردشیر با سیاستی نادرست و به دلایلی ناشناخته پیشنهاد لاکدمونیها را رد کرد و به منافع ناشی از پشتیبانی از آتن دل بست.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- پیمان آنتالکیداس :

اسپارتی‌ها، پس از کشمکش‌های بی‌پایان با ساتراپ‌های محلی، سر انجام آنتالکیداس را برای دستیابی به صلح پایدار روانه شوش کردند. گفت‌وگوهای صلح در 387 ق م به پیمانی منجر شد که از هر نظر به نفع ایران بود.

✘ تمام شهرها و جزایر آسیای صغیر از جمله قبرس از آن ایران شد و استقلال بقیه شهرهای یونانی نشین محفوظ ماند.

✘ اردشیر از یونانی‌هایی که این پیمان را قبول دارند حمایت کرده و مخالفان پیمان را سرکوب کند.

این پیمان پس از مدت کوتاهی مقبولیت عام یافت و به پیمان آنتالکیداس مشهور شد



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

6- قبرس:

ایران از زمانی که به آسیای صغیر دست یافته بود نمی‌توانست از قبرس چشم‌پوشد.

علت اهمیت قبرس برای ایران عبارت بود از:
داشتن تولید خوب.

داشتن لنگرگاه مناسب برای کشتی.

زمانی که فیلیقیه‌ضمیمه شاهنشاهی هخامنشی شده بود این تمایل از نوعی مشروعیت نیز برخوردار بود زیرا قبرس نیز که بخشی از مردمش را فیلیقی‌ها تشکیل می‌دادند همراه فیلیقیه به دست ایرانی‌ها افتاده بود.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- اردشیر و سرزمین کادوسیان:

با پایان گرفتن جنگ قبرس اردشیر به سرکوب شورش کادوسیان پرداخت که در گیلان امروزی می‌زیستند. این لشکرکشی تنها اقدام نظامی اوست که فرماندهی سپاه را خود به عهده داشت.





فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

اردشیر در لشکرکشی به سرزمین کادوسیان به سبب صعب العبور بودن راه‌های کوهستانی گیلان برای یک لشکرکشی بزرگ و همچنین کمبود آذوقه برای سپاهیان، تا مرز نابودی به خود و سپاهیان‌ش پیش رفت. سرانجام با تدبیر و یاتزویر تیریازو، اردشیر توانست پس از انعقاد دو قرارداد به پایتخت خود بازگردد.

اشپیگل لشکرکشی‌هایی از این دست را آبشخور لشکرکشی کی‌کاوس به مازندران می‌داند.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

8- علت جنگ مصر:

- ◆ به دست آوردن دوباره این سرزمین توسط هخامنشیان
- ◆ در زمان حکومت اردشیر دوم فرمانروایان مصر، که در حقیقت دست‌نشانده دربار ایران بودند، همواره در حال رساندن کمک به شورشیان علیه ایران و دشمنان ایران بودند.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

9- شورش ساتراپ ها:

بارزترین واقعه آخرین سالهای حکومت اردشیر دوم شورش ساتراپ ها بود. نامدارترین ساتراپ های شورش عیبارت بودند از آریوبرزن در فریقیه موسولوس (مازولوس) در کاریه، اورونتس در میسی و آتوفردات ساتراپ لیدی حتی استان هایمانند فینیقیه، سوریه و کیلیکیه که تاکنون همیشه آرام و وفادار بودند سر به طغیان برداشتند.

این طغیان ها سراسر شاهنشاهی هخامنشیان را تهدید به نابودی می کرد. اردشیر که به خوبی دریافته بود که فرستان سپاه نمی تواند کاری از پیش ببرد، به نیرنگ متوسل شد و توانست با برانگیختن سران شورش به خیانت به یکدیگر به هدفی برسد که می توانست احتمالاً با جنگ دست یابد.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

10- منابع مربوط به دوره اردشیر دوم:

- نوشته کتسیاس، پزشک یونانی اردشیر، که با چند گزارش کوتاه و ناقص درباره اردشیر به پایان می‌رسد.
- پلوتارخ نیز در بخش اردشیر تاریخ خود به نکته‌هایی از زندگی این شهریار اشاره می‌کند.
- سنگ نبشته‌های اردشیر دوم.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

11-دین در دوره اردشیر دوم:

- اردشیر را روی هم رفته باید مردی مذهبی دانست.
- **نخستین سندهای مکتوبی که در ایران به آناهیتا اشاره می‌کنند سنگ نبشته‌های اردشیر دوم در همدان و شوش اند.**
- با توجه به این که با اردشیر دوم برای نخستین بار آناهیتا و میترا به میان می‌آیند، می‌توان چنین تصور کرد که در زمان این شاه هخامنشی امور مذهبی جریانی تازه یافته اند.
- در زمان اردشیر، بر خلاف معمول که نیایش‌ها در فضایی باز انجام می‌گرفت، در شهرهای متعددی معبد آناهیتا ساخته شد.
- اردشیر دوم برخلاف پیشینیان خود به جای نقش رستم کوه رحمت را برای آرامگاه خود برگزید که کاخ‌های تخت جمشید را در چند قدمی خود دارد.



فرمانروایی اردشیر دوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

12- دوره حکمرانی اردشیر دوم:

اردشیر را یونانی‌ها منمون Mnemon یعنی با حافظه می‌نامیدند.
اردشیر طولانی‌تر از هر شاه هخامنشی حکومت کرد.
با مرگ اردشیر، فروپاشی سریع هخامنشیان، نخستین امپراتوری جهان آغاز شد.



فرمانروایی اردشیر سوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

اردشیر سوم به سبب سختگیری‌های خود نزد ایرانیان نامحبوب بود. او چند سال پیش از حرکت اسکندر به طرف ایران، به دسیسه باگواس مسموم شد.

آرامگاه اردشیر سوم نیز در کوه رحمت و در سمت راست آرامگاه اردشیر دوم قرار دارد.



فرمانروایی ارسس

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

تنها منبع ما درباره فرمانروایی کوتاه رشا، (ارسس یونانیان) اشاره‌هایی ناچیز **دیودور** است. پس از مسموم شدن اردشیر سوم، بگواس خواجه‌جاء طلب دربار، به امید دست یافتن به قدرت مطلق، کوچک‌ترین پسر او را به نام ارسس بر تخت نشاند.



فرمانروایی داریوش سوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

داریوش سوم هخامنشی





فرمانروایی داریوش سوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1-زمینه های حمله اسکندر:

- I. بازگشت ده هزار نفر
- II. ارتباز و ساتراپ شورش‌ی هخامنشی در زمان اردشیر سوم پس از شکست از نیروی مرکزی ایران به فیلیپ شاه مقدونی پناه برد.
- III. در قتل عام فرزندان اردشیر سوم، بوسیله باگواس خواجه یکی از پسران اردشیر به نام بیستانس فرار کرد و نزد اسکندر رفت.



فرمانروایی داریوش سوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1-زمینه های حمله اسکندر:

IV. توطئه های درباری و نفوذ خواجهگان

V. کوشش های دربار ایران برای جلوگیری از رشد قدرت در مقدونیه بهانه ای کافی بود برای فیلیپ که با عنوان سردار سپاه وارد آسیای صغیر شود. لشکرکشی فیلیپ در سال به آسیای صغیر که همزمان با تخت نشینی داریوش سوم بود می توانست او را آغاز فرمانروایی درگیر یک جنگ کند. اسکندر از نخست بنا را بر آن داشت که کار جنگ پدر در آسیای صغیر را دنبال کند.



فرمانروایی داریوش سوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- علت شکست هخامنشیان در نبرد گرانیکوس:

- I. تازگی داشتن نوع جنگ. کسی نمی‌توانست، پس از 220 سال برتری و سروری ایرانیان، برخاستن اسکندر را بیشتر از يك شورش انگاشته و آن را چندان جدی بشمارد.
- II. در جبهه ایران از سویی تجربه دفاع مقدس فراموش شده بود و از سویی دیگر انگیزه دفاع به تحلیل رفته و با شرایط موجود زمان از عواطف بسیار کم‌رنگی برخوردار بود.
- III. مقدونیایی‌های تازه نفس به سرداری رهبر خود اسکندر می‌جنگیدند و ایرانی‌ها در فاصله‌ای بیشتر از 2000 کیلومتر از درباری فرسوده و داریوشی، که در چنگال توطئه‌های درباری، دیگر نمی‌توانست حتی یادآور سایه کورش بزرگ و داریوش بزرگ باشد



فرمانروایی داریوش سوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- علت توجه اسکندر به میلت :

2-1- برای بی اثر کردن نیروی دریایی ایران، نخست از شهرهای ساحلی آسوده شود.

2-2- نزدیکی به کشتی‌های خودی را پشتوانه‌ای برای خود می‌پنداشته است.

2-3- پیوستن سپاهیان ایرانی پس از نبرد گرانیکوس به نیروهای ممنون فرمانده دست‌نشانده ایرانی در میلت.



فرمانروایی داریوش سوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3-نبرد ایسوس:

ایسوس یکی از شهرهای کیلیکیه در کرانه خلیج اسکندرون است، که به سبب نبرد دوران ساز اسکندر با داریوش در دشت کوچک کنارش شهرت تاریخی یافته است.



داریوش سوم

فالانتر

جنگ ایسوس

این کاشی که در پامپی پیدا شده است، اسکندر را در مقابل داریوش سوم، پادشاه ایران، نشان می‌دهد.

اسکندر

کاشی‌های
صدوم دیده



فرمانروایی داریوش سوم

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- جنگ گوگمل:

مورخان جنگ اسکندر با داریوش را در دشت گوگمل، جنگ گوگمل نامیده‌اند. برخی نیز این جنگ را به اعتبار نزدیکی آن به اربیل، جنگ اربیل خوانده‌اند.

پلوتارخ این نام را، که باید بخش دوم آن جمل به معنی شتر باشد، نامی فارسی دانسته و آن را خانه شتر معنی کرده است.



نشانه های فرمانروایی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- 1- از نشانه‌های فرمانروایی **گزیدن نامی درخور فرمانروایی** بود. به طوری که از نام‌داریوش (= دارنده نیکی) برمی‌آید، باید او این نام را به هنگام تخت نشینی برای خود برگزیده باشد. خشیارشا نیز که فرمانروا بر یلان معنی می‌دهد نامی است ثانوی و مربوط به تخت نشینی. به نوشته فلاویوس اردشیر اول نخست از سوی پدر کورش نامیده شده بود. اما او پس از کشته شدن پدر و رسیدن به فرمانروایی خود را اردشیر (فرمانروایی فضیلت) خواند. دیگر شاهان هخامنشی نیز از همین الگو پیروی کردند.



نشانه های فرمانروایی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- **دوام آتش هر شاه به اندازه طول حکومت او بود.** با مرگ شاه همه آتشکده های حکومتی خاموش می شدند تا با بر تخت نشینی شاه جدید دوباره افروخته شوند. شاه جدید مالیات های عقب افتاده را می بخشید. با مرگ شاه همه مردان موی سر و ریش خود را می زدند.

3- **منطق داریوش این بود که او شاه بزرگ و شاه شاهان است و شاهی را اهورمزدا به او ارزانی داشته است** و پس از او نیز همه شاهان هخامنشی به احترام او این منطق را پذیرفتند و در آن مداخله نکردند.



نشانه های فرمانروایی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- مهمترین نشان ظاهری فرمانروایی شاهان هخامنشی، در کنار لباسی باشکوه و دبوس و تخت شاهی، تاج آنان بود. هخامنشیان همان تاجی را بر سر می‌نهادند که داریوش طراح آن بود. شاید بزرگی و کوچکی و اندازه تاج دیگر تفاوت آن بود و بس. به گواهی نگاره‌ها از شاهان هخامنشی کسی جرات آن را نداشته است که از تاجی بلندتر از تاج داریوش استفاده کند.

نخستین تاج داریوش همانی است که او در نگاره بیستون بر سر دارد و احتمالاً از آن کمبوجیه بوده است. جز در **نگاره بیستون** در جایی دیگر به این تاج بر نمی‌خوریم و پیدا است که داریوش، با یافتن فرصت، دو تاج دیگر برای خود طراحی کرده است که در دیگر نگاره‌های داریوش به چشم می‌خورد. در میدان نبرد به جای تاج، شاه نیز مانند دیگر سپاهیان از باشلق استفاده می‌کرده است.



نشانه های فرمانروایی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- از نشانه‌های برجای مانده، که نوشته‌های یونانیان را تایید می‌کنند، می‌دانیم که **بر پیرامون این تاج دیهیمی نیز بسته می‌شد.** در حالی که در نگاره‌های موجود خبری از دیهیم نیست، در نگاره شکسته‌ای که از داریوش در کانال سوئز به دست آمده است این دیهیم نیز به پیرامون تاج شاه بسته شده است.



نشانه های فرمانروایی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

6- **لباس رسمی شاه به رنگ سفید بود که در بافت پارچه آن**

رنگ ارغوانی پنهان بود. رنگ‌های ارغوانی (سرخ) و سفید لباس شاه بر قدرت نظامی و حاکمیت دینی او تاکید داشتند. رنگ سرخ در ایران باستان رنگ ویژه ارتشتاران بود و رنگ سفید از آن روحانیان.

7- **از دیگر ویژگی‌هایی که تصویر شاه را متمایز می‌کند**

ریش مجعد و نسبتاً بلند است. ریش ولی عهد نیز مانند ریش شاه است، اما ریش بلندپایگان دیگر بایستی خیلی کوتاه‌تر از ریش شاه می‌بود.



نشانه های فرمانروایی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- 8- **گل‌های در دست شاه از دیگر نشانه ها است. گل انار سمبل باروری بود.** تفاوت گل‌های دست شاه و ولی عهد قابل توجیه است. گل دست شاه در حد کمال است. گل انار دست پارس‌ها و مادی‌های بلندیپایه در نگاره‌های تخت جمشید بدون استثنا فاقد غنچه هستند. به عبارت دیگر، تنها گل‌های شاه و ولی عهد دارای غنچه هستند.
- 9- **چتر شاهی** نیز از نشانه های فرمانروایی بود. چتر شاهی دارای 7 ترک است.



نشانه های فرمانروایی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

10- نگاره‌ها نشان می‌دهند که **مسول مگس‌پران** شاه در زمان هخامنشیان مردی خواجه بوده است، تا به راحتی بتواند در حرمسرا نیز همراه شاه باشد.

11- یکی دیگر از نشانه‌های فرمانروایی **سایه‌بان تشریفاتی** شاه بود، که جایگاه او را متبلور و مشخص می‌کرد. این سایه بان بر چهار پایه که روکشی از طلای مرصع داشت استوار بود.



نشانه های فرمانروایی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

12- **به خاک افتادن در برابر شاه.** با توجه به این که داریوش که به فاصله 8 سال از کورش به فرمانروایی رسیده بود در هیچ یک از نگاره های بی شمار خود چنین حالتی را ترسیم نکرده است، به گمان به خاک افتادن در زمان **خشیارشا** معمول شده است.

13- **سیمای زیبا و اندام بلندبالا و ورزیده** نیز از نشانه های فرمانروایی بود.

14- از دیگر نشانه های فرمانروایی **بخشندگی و دادن پاداش** بود.



زندگی شاهانه

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- 1- نویسندگان یونانی درباره تشریفات سفرهای شاهانه آن قدر قلم فرسوده اند که مورخ در گزیدن آنها دچار وسواس می شود.
- 2- ظاهرآ آب آشامیدنی سفره شاهی تنها از رودخانه خواسپه (گرخه) تامین می شده است.
- 3- هخامنشیان دلبستگی زیادی به تندیس داشته اند و به کمک آثار هنری فراوانی که از جای جای شاهنشاهی گسترده خود فراهم می آوردند بر شکوه و جلال دربار خود می افزودند.



زندگی شاهانه

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- لوح‌های دیوانی نشان می‌دهند که دربار از نظر سگ‌شکاری تامین بوده است. سگ‌های شکاری داریوش زیر نظر سگ‌بانی به نام بغئو که نگهداری می‌شده‌اند.

5- شاه هرگز به طور پیاده در انظار ظاهر نمی‌شد. او در انظار یا سوار بر اسب بود و یا ارابه. حتی پلکان ورودی صفا تخت جمشید طوری ساخته شده که شاه از آن سواره بالا و پایین برود.

6- یکی دیگر از ویژگی‌های زندگی شاهانه خانه‌به‌دوشی دربار و خاندان سلطنت است. شاهان هخامنشی در طول سال معمولاً از چهار جا برای اقامت استفاده می‌کردند: تخت جمشید، همدان، شوش و بابل.



مشروعیت پادشاهی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- شاهان هخامنشی، با استبداد هرچه تمام بر ایران فرمان می‌راندند. آن‌ها به رغم خودکامگی ناگزیر از آن بودند که برای مقبولیت خود را برگزیده و نماینده خدا قلمداد کنند. همه آن‌ها برای مشروعیت حکومت خود ناچار از اثبات تباری شاهانه بودند. حتی گاهی شاهزاده‌ای که پیش از به سلطنت رسیدن پدر متولد شده بود نمی‌توانست به ولی‌عهدی برگزیده شود.
- داستان‌هایی در ارتباط با روی‌کار آمدن کورش بزرگ برای پیوند زدن او به آستیاگ و کوشش و اصرار آشکار داریوش برای تراشیدن تباری شاهانه برای خود و ماجرای بردیای راستین و دروغین، از نمونه‌هایی بارز توجه به افکار عمومی است.



شورای مشورتی دربار

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

➤ از کتاب استر آنجا که خطایی از ملکه سرزده و نیاز به تصمیم‌گیری دربار او است، می‌توان دریافت که در زمان خشیارشا هفت بلندپایه پارسی و مادی اجازه داشتند که روی شاه را ببینند و با او به مشورت بنشینند و برابر سنت رای بزنند.

➤ در کتاب عزرا سخن از ماموری می‌رود که از سوی شاه و هفت مشاور او برای بازرسی به اورشلیم آمده است.





شورای مشورتی دربار

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

➤ پس تنها به قیاس می‌توان ترکیب اعضای شورای مشورتی را باز شناخت. این‌ها کسانی بوده‌اند که به نوشته کتاب استر می‌توانسته‌اند شاه را ببینند. مثلاً فرنکه وزیر تشریفات، گوبریاس پدرزن داریوش و یکی از هفت تنانی که داریوش را از میان خود به شاهی برداشتند، یا فرمانده‌گارد جاویدان، که یونانی‌ها او را کیلیارخ (نایب‌السلطنه) می‌خوانند، اسپچناه جامه‌دار داریوش که اسلحه‌دار داریوش بود و نگاره‌اش در آرامگاه داریوش در نقش رستم نقش بسته است و سرانجام ارته‌سورا که در تاریخ به چشم‌و گوش شاه معروف است.



ساتراپ‌ها و ساتراپی‌ها

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- داریوش به منظور اعمال حاکمیت مطلق خود از اختیاراتی که ساتراپ‌ها در زمان کورش داشتند کاست. در زمان او برخی از انتصاب‌های محلی ساتراپی‌ها را نیز خود داریوش انجام می‌داد. این رویه ظاهراً پس از او هم پابرجا بوه است.
- برای نمونه نحمیا را خود اردشیر دوم به فرمانداری یا شهرداری اورشلیم در ساتراپی سوریه برگزید. داریوش همچنین برای اینکه ساتراپ‌ها را کاملاً در اختیار خود داشته باشد، مسولان دیوانخانه‌های ساتراپ‌ها را خود منصوب می‌کرد. این مسولان که سمت معاونت ساتراپ‌ها بر عهده داشتند، در حقیقت چشم و گوش پنهان شاه بودند و در پنهان به طور مرتب رویدادهای حوزه ماموریت خود و ساتراپ را به شاه گزارش می‌کردند.





ساتراپ‌ها و ساتراپی‌ها

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- یکی دیگر از شیوه‌های کنترل ساتراپ‌ها این بود که داریوش هزارگانهی بازرسانی را به ساتراپی‌های خود می‌فرستاد. این بازرسان کسانی بودند که از عهده کنجکاو و درکارهای نیرومندترین ساتراپ‌ها نیز برمی‌آمدند. هر ساتراپی چیزی مانند چند فرمانداری را زیر نظر داشت. اگر به نوشته کتاب استراعتاد کنیم از حبشه تا هند به 127 اصطلاح فرمانداری تقسیم می‌شده است. فرمانداران به فارسی باستان فرترکه، تقریبا به معنی ناظر، نامیده می‌شدند. هر فرمانداری خود به 7 ناحیه تقسیم می‌شد.



دیوان اداری

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- بدون لوح‌های گلی به دست آمده از عمارت خزانه تخت
جمشید نمی‌توانستیم به کوچک‌ترین برداشت به‌دردبخوری از
نظام دیوانی شاهنشاهی عظیم هخامنشی برسیم.





دیوان اداری

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

2- دیوان اداری هخامنشی، مستقیماً زیر نظر وزیر تشریفات انجام وظیفه می‌کرد. وزیر تشریفات یا به عبارت بهتر صدراعظم پس از شاه همه‌کاره کشور بود، که به کمک قائم‌مقام خود همه امور کشور را در دست داشت. معاون یکی از عناصر نظام دیوانی ایران باستان است که تا به امروز دوام آورده است.



دیوان اداری

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

3- معمولا وزیر تشریفات فردي مادي وقائم مقام او پارسي بود. به گمان داریوش پدیدآورنده این نظم بود. مسولیت اصلی پنهان در انجام کارها به قائم مقام بود. او در حقیقت چشم و گوش شاه بود و وزیر تشریفات رازیر نظر داشت و او را می پایید.





دیوان اداری

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

4- وزیر تشریفات علاوه بر ریاست بر همه امور حراستی، حفاظتی، کاخ‌داری، فرماندهی نگهبانان و خدمتکاران شاه و دربار و اموری که مستقیماً با شاه در ارتباط بودند، امور ساختمانی، بازرسی، کارپردازی، اصطبل‌داری و ارباب‌داری، ریاست عالی خزانه شاهی، انبار شاهی، دیوان اداری و شورای مشورتی دربار را نیز بر عهده داشت. به این ترتیب پیداست که نمی‌توان در دستگاه شاهنشاهی بزرگ هخامنشی مقامی نیرومندتر و پرنفوذتر از وزیر تشریفات را سراغ کرد. با این همه همین مرد پرنفوذ غیر مستقیم زیر نظر تیزبین و بسیار حساس و گاهی خطرناک قائم‌مقام خود بود.





دیوان اداری

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

5- سندهای دیوان اداری هخامنشی به خط آرامی نوشته می‌شدند و برای این منظور لازم بود که کارمندان یا منشیان آرامی و یا آشنا به زبان و خط آرامی در اختیار دیوان اداری باشد. از سال هفتم سلطنت اردشیر اول (458 ق م) از اسناد ایلامی دیگر خبری نیست. از این تاریخ خط آرامی که بر روی پوست نوشته می‌شد جایگزین خط دشوار میخی شد.





دیوان اداری

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

6- در رابطه با مصر نوشتن به خط هیروگلیف نیز ممکن بوده است و می‌توان پذیرفت که امکان نوشتن به خط یونانی هم، با ارتباط گسترده‌ای که دربار ایران از زمان کورش بزرگ و فتح لیدی با سرزمین‌های یونانی‌نشین داشت، کم نبوده است. در میان لوح‌های گلی به نوشته کوتاه‌ای به خط یونانی برمی‌خوریم یقیناً در دیوان اداری منشایی خدمت می‌کرده‌اند که با زبان و خط یونانی آشنا بوده‌اند.





دیوان اداری

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- از این که بسیاری از نامها و اصطلاحهای تعیین کننده دیوانی و حقوقی، حتی شاه و شاهنشاه مادی است، چنین برداشت می شود که نظام اداری هخامنشیان میراثی است از مادها.





دیوان اداری

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

8- در دیوان اداری به دو نفر کاخدار نیز برمی‌خوریم که عزل و نصب کارکنان و تعیین و ترتیب پرداخت جیره حقوق آنان را بر عهده داشتند. یکی از این دو مسول شمال پارس تالیمائیس بود و دفتر کارش در ایلام بود و دیگری در شیراز بود و مسولیت جنوب و جنوب شرقی پارس را به عهده داشت.



نظام مالیاتی

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

1- منابع:

در روزگار باستان تمام تلاش فرمانروایان برای گستراندن قلمرو حکومت خود برای به باج و خراج و مالیات و درآمد هرچه بیشتر برای تامین هزینه‌های جاری خود و کشور بوده است. **تنها گزارشی که درباره مالیات داریم گزارش هرودوت است.** نگاره‌های هیات‌های نمایندگی نقش‌بسته بر پلکان‌های آپادانا هم همین حکایت را دارند و به کمک همین نگاره‌ها می‌توان دریافت که باج و خراج بیشتر جنسی بوده است تا نقدی. حتی طلا به صورت غیر مسکوک روانه‌در بار می‌شده است و اگر هرودت به مبالغی معین اشاره می‌کند، باید که منظور او میزان و ارزش مالیات هر سرزمین بوده باشد.



نظام مالیاتی

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

2- میزان مالیات ها:

عوامل زیر در تعیین میزان مالیات نقش بسیار مهمی داشته است.

- 2-1- اعتبار قومها و سائراپیهای مالیاتپرداز در مرکز (پارسها از پرداخت مالیات بهکلی معاف بودند)،
- 2-2- اوضاع طبیعی و میزان بازدهی کشاورزی.





نظام مالیاتی

تاریخ ایران ایلامیها و آریایها
تا پایان دوره هخامنشی

- 2-3- دوری و نزدیکی ساتراپی‌ها.
- 2-4- میزان وفاداری آن‌ها به شاه .
- 2-5- سرانجام معافیت‌ها و جریمه‌های مالیاتی که حاصل خلق و خوی شاه در برخورد با مسائل بوده است.
- 2-6- میزان مالیات تا حدی هم بستگی داشت به گزارشی که ساتراپی از حوزه حکومتی خود می‌دادند.





نظام مالیاتی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- با این همه با توجه به وجود عنوان یک‌ده‌گیر در میان کارمندان دیوانی می‌توان گمان برد که معمولاً میزان مالیات یک بر ده بوده است.
- ✘ پارس‌ها در مقام اربابان شاهنشاهی از پرداخت مالیات معاف بودند.
- ✘ به نوشته هرودت و پولین پیش از داریوش نظام مالیاتی معینی وجود نداشته و داریوش نخستین شاهی بود که برای قوم‌های زیر فرمان، با مشورت با ساتراپ‌های خود، مالیات تعیین کرد.
- ✘ دریافت مالیات‌ها از هر نوعی که بودند در اداره کاره-هماره (آمار سپاه) به ثبت می‌رسیدند. اگر چه باگذشت زمان کاره-هماره سازمانی مالیاتی شناخته می‌شد.
- ✘ ظاهراً در زمان کوروش و کمبوجیه دریافت‌ها، به جز غنیمت‌های جنگی، بیشتر به صورت قبول هدیه بوده است. در دوره هخامنشی نوع دیگری از باج‌گیری، گرفتن سرباز، پاروزن و امکانات نظامی به هنگام جنگ بوده است.



خزانه شاهي

تاريخ ايران ايلاميهها و آريايهها
تا پايان دوره هخامنشي

- گنزم يا خزانه شاهي قلب تيپده نظام شاهنشاهي هخامنشي بود. رئيس خزانه تخت جمشيد يا خزانه دار كل (گنزه بره)، رئيس همه خزانه هاي پارس بود، كه عده زيادي كارگر و كارمند در آنها مشغول به كار بودند. تاكنون هفت خزانه از جمله خزانه هاي پاسارگاد و شيراز در پارس شناسايي شده است.
- مسوليت پرداخت همه حقوق ها كه تا اواخر فرمانروايي داريوش تنها به صورت جنسي بود با خزانه بود، اما پرداخت از سال هاي پاياني حكومت داريوش و سپس در زمان خشيارشا به صورت جدي تر، تا حدود نصف و يا يك سوم ارزش آن به نقره تبديل شد.



خزانه شاهي

تاريخ ايران ايلاميهها و آريايهها
تا پايان دوره هخامنشي

- ❑ خزانه‌ها به گواهي لوح‌ها تنها جايشگاه انبار كردن فلزات و اشياء گران‌بها بودند كه به صورت ماليات و خراج از سراسر امپراتوري به تخت جمشيد سرازير بود. اين خزانه‌ها بيشتر كارگاه‌هايي درباري بودند براي توليد اشياء هنري.
- ❑ خزانه‌هاي ساتراپي‌ها زير نظر ساتراپ‌ها بودند. ذخيره اين خزانه‌ها به خزانه شاهي در تخت جمشيد فرستاده مي‌شد.
- ❑ در زمان هخامنشيان طلا و نقره مسكوك تقريباً وجود نداشت و خرده‌نقره تنها وسيله پرداخت بود. سكه فقط در غرب شاهنشاهي در آسياي صغير و حوالي ليدي رايج بود.



انبار شاهي

تاريخ ايران ايلاميه و آريايه
تا پايان دوره هخامنشي

انبار شاهي نيز از سازمان هاي تابع وزير تشريفات دربار بود.

انباردار تخت جمشيد مسول اداره كارهاي مربوط به تأمين مايحتاج دربار بود. نظارت و اداره انبارها و كندوهاي آرد، گله هاي چارپايان، ذخيره روغن، انبارهاي ميوه هاي تازه و خشك، جايشگاه هاي پرورش و نگهداري ماكيان و ديگر كارهايي از اين دست در فارس با انباردار شاهي بود.



انبار شاهي

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

■ رئیس انبار شاهي گزندپتیش نامیده می‌شد، که در فارسي باستان کم و بیش به معنی‌خانه‌پا، خانه‌دار یا همین انباردار (مباشراً) امروزي است. در حقیقت همه کارهای تدارکاتی برای دربار و پارس با مقام انباردار بود.

■ انباردار نیز يك معاون داشت که اوپه-گزندپتیش خوانده می‌شد. از آنجا که بیشتر مهرهای انبارداری پارس از آن معاون است می‌توان به این نتیجه رسید که کار او بیشتر از رئیس انبار بوده است.



انبار شاهي

تاريخ ايران ايلاميهها و آريايهها
تا پايان دوره هخامنشي

هينتس كه سالها براي تدوين فرهنگ ايلامي خود روي لوحهاي ايلامي خزانه كار کرده است، انبارداري كل را به پنج اداره، كه هر كدام طبق اصلي فراموش نشدني يك مسول و يك معاون داشته است، تقسيم مي كند:

- 1) اداره ويژه غلات علات، كنجد و آرد بوده است.
- 2) اداره چارپايان كوچك، گاو و روغن حيواني. اداره چارپايان كوچك بر گلههاي شاهي نظارت داشت كه ظاهرا بيشتر آنها از محل ماليات دريافت شده بوده اند.
- 3) اداره نوشش يا شراب و آجو.
- 4) اداره ميوههاي خشك.
- 5) اداره ماكيان.

انبارهاي تابع نيز مانند انبارداري شاهي از واحدهاي تشكيل مي شدند. در اين تقسيم بندي ادارهها به ترتيب اهميت تقريبي رديف شده اند.

اسبها، گله خرها، يابوها و شترهاي دربار بيرون از قلمرو وظائف رئيس انبار شاهي بودند و مسوليت اي جانوران با مالداري شاهي بود، كه هيچ سندي از آن به دست ما نرسيده است.



راه‌ها و اطلاع‌رسانی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- جاده‌ها :

جاده‌ها در اختیار پیک‌ها و چاپارهای شاهی و خدمات دولتی بودند. بدون این جاده‌ها امکان مهار کردن شاهنشاهی ممکن نبوده است. سرآمد این راه‌ها **جاده تخت جمشید به شوش**، مقر بهاری و زمستانی شاهان هخامنشی بود. هرودت از جاده‌ای با نام جاده شاهی یاد می‌کند که سارد را به شوش می‌پیوندد.



راه‌ها و اطلاع‌رسانی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- امنیت‌راهها و راهبانی:

راهبانی تنها منحصر به حفظ راه‌ها و نگهبانی از امنیت مالی و جانی استفاده‌کنندگان از آنها نبود، بلکه و شاید هم در درجه نخست مربوط می‌شد به حراست از منافع سیاسی و نظامی شاهنشاهی و جلوگیری از تحركاتهاي نامطلوب. پیداست که راهبان‌ها همه رفت‌وآمدها را به شدت زیر نظر داشتند و هیچ حرکت مشکوکی را تحمل نمی‌کردند.



راه‌ها و اطلاع‌رسانی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- چاپارخانه شاهي:

زیر نظر بلندپایه‌ای اونیفرم‌پوش قرار داشت که مستقیماً از سوی شاه منصوب می‌شد. از اهمیت این مقام همین بس که داریوش سوم پیش رسیدن به فرمانروایی، به نوشته پلوتارخ فرماندهی چاپارهای شاهي را بر عهده داشت.



راه‌ها و اطلاع‌رسانی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- پیک‌ها:

در کنار چاپک‌سواران چاپارخانه شاهي بي شماری پیک تیزپا نیز خدمت می‌کردند. این پیک‌ها از ران‌های برهنه و آفتاب‌سوخته شان قابل تشخیص بودند. در لوح‌های دیوانی اغلب به این پیک‌ها برمی‌خوریم. این پیک‌ها، که در حقیقت ماموران پست پیاده شاه بودند و از نامشان پیداست که اصلیتی ایرانی داشته‌اند، همواره با سندی ممهور به مهر شاه به سوی یکی از بلندپایگان و یا بالعکس از سوی آنان برای رساندن خود به شاه در راه بودند.



راه‌ها و اطلاع‌رسانی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- اطلاع‌رسانی با آتش:

یکی دیگر از شیوه‌های رساندن سریع خبر (اطلاع‌رسانی) افروختن آتش و برآوردن دود بر بلندی‌هایی معمولاً از پیش تعیین شده بود. این شیوه، که از آن بیشتر در وضعیت‌های اضطراری مانند بلاهای طبیعی، آتش‌سوزی و شورش‌ها و یا حمله‌های ناگهانی بیگانگان استفاده می‌شد، باید که در روزگار هخامنشیان نیز سابقه‌ای طولانی داشته بوده باشد.



دادگري و دادگستري در دوره هخامنشي

تاريخ ايران ايلاميه و آريايه
تا پايان دوره هخامنشي

از همه نشانه‌هاي موجود پيدااست که شاه شخصا بر جريان دادرسي‌هاي مهم نظارت مي‌کرده‌است. قضات بلندپايه‌اي، با رقم جادويي هفت، که جسته‌گريخته از آن صحبت مي‌شود، دست‌کم در دربار شاه و ديوان ساتراپ‌هاي او پاره‌اي از مسائل قضايي شاهنشاهي را حل و فصل مي‌کردند. علاوه بر اين، با تکیه بر گزارش‌هاي پراکنده مورخاني چون هرودت فکر مي‌کنيم که در شهرها نيز، براي مسائل حقيقي مردم، قضاتي وجود داشته‌اند که با رويه‌هاي قضايي مبتني بر تجربه‌هاي گذشتگان داوري مي‌کرده‌اند.



آموزش و پرورش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

■ ما هیچ برداشتی از زندگی و فرهنگ عمومی ایرانیان باستان نداریم. در این میان نگاه به افسانه‌ها و شخصیت‌های اساطیری در فرهنگ عمومی و همچنین بررسی باورهای دینی مردم می‌تواند ما را اندکی به آموزش و پرورش و زندگی فرهنگی ایرانیان باستان برساند. آموزش و پرورش دوره هخامنشی پشت کورش‌نامه و اساطیر پنهان است.

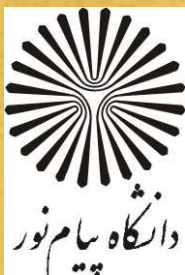
آموزش و پرورش

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



■ ایران هرگز سرزمینی حاصلخیز نبوده است و اغلب سخاوت طبیعت با خست زیادی همراه بود. بنا بر این آموزش و پرورش اغلب نمی‌توانست از ورزش لازم برای رویارویی با سرسختی و خست طبیعت فراتر رود. راز یکی از علل روی آوردن ایرانیان به ادب روایی را باید در همین موقعیت اقتصادی همیشه ضعیف توده‌های مردم جست.

آموزش و پرورش



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

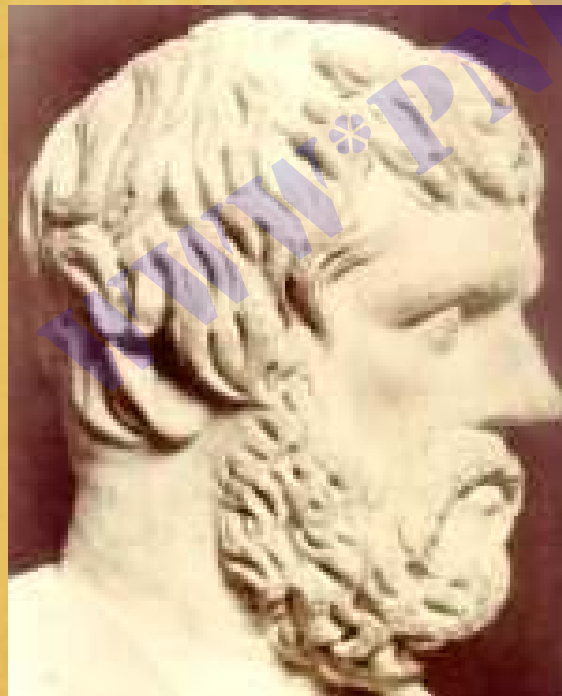
■ یکی از رازهای دست‌اندازی هخامنشیان به سرزمین‌های بیگانه را نیز باید ناشی از فقر زمین دانست. هخامنشیان که با فتح لیدی ثروتمند، دیگر نمی‌توانستند از زندگی لوکسی که ارمغان طبیعت بارور بود چشم‌پوشی کنند، اما انتقال این زندگی لوکس به تمام خانه‌های فلات ایران گسترده بسیار دشوار بود و نیاز به زمانی بس طولانی داشت. به ویژه این‌که از زمان خشایارشا زوال حکومت هخامنشی آغاز شد و آهنگ پرشتاب انتقال زمان کورش و داریوش با شتابی معکوس روبه‌رو شد. پس زندگی و فرهنگ درباری را که فرصتی چندان برای رخنه‌به‌میان مردم را نیافته بود نمی‌توان به همه مردم ایران تعمیم داد.

آموزش و پرورش



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

■ آنچه افلاتون، هرودت و گزنفن و دیگر هممیهنان اینان در باره شیوه‌های آموزش و پرورش مادی و به عبارت بهتر پارسی نوشته‌اند، بیشتر مربوط است به زندگی دربار و زندگی بلندپایگان.





سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- سپاه:

در ایران باستان، در کنار امور دیوانی، سپاه تبلور حکومت بود که در راس آن شاه قرار داشت در اوستا اسب به سبب ویژگی‌هایی که دارد نماد پیروزی است و به سبب همین همسنگ بودن نام اسب با پیروزی است که نام سپاه و اسپهبد از اسب گرفته شده است.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- سپاه در متون اوستایی:

در زامیاد یشت مردم نسبت به پیشه‌های که دارند به سه گروه تقسیم شده‌اند: آثرونان پیشوایان دینی، رثه‌اشتران به معنی گردونه سواران یا گردونه داران (ارتشتاران) و استریوشان به معنی برزیگران. آغاز این تقسیم بندی، که در زمان ساسانیان، با پیدایش گروه چهارمی به نام پیشه‌وران به اوج مرزبندی دقیق خودمی‌رسد، معلوم نیست. همین قدر می‌دانیم که از سه آتشکده بزرگ آیین زرتشت، آذرگشنسپ، صرف نظر از دوره تاریخی ساسانیان، در عصر افسانه‌های و اساطیری، از آن رزمندگان و سپاهیان بوده است. در بخش‌های گم شده اوستای ساسانی و در تفسیر پهلوی آن‌ها اشاره‌های زیادی درباره امور لشکری وجود داشته است. در کتاب هشتم دینکرد اطلاعات زیادی درباره سپاه و امور نظامی آمده است که بی‌گمان تکیه بر منابع اوستایی مفقود و آیین‌نامه‌های نظامی دوره ساسانیان دارد.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- اهمیت جنگاوری:

گزارش گزنفن از آموزش رزمی جوانان، به رغم افسانه‌ای بودن کورش‌نامه، نشان‌دهنده برداشت زمان‌این نویسنده از آموزش‌های سپاهیگری در ایران باستان است. در ایران باستان پرخورداری از آموزش نظامی چیزی نبود که کسی بر آن نبالد. بسیاری از شاهزادگان هخامنشی در جنگ‌های آسیای صغیر و یونان کشته شده‌اند. جز کورش بزرگ که در جنگ با سکاها کشته شد، از 11 پسر داریوش پنجم نفرشان مستقیماً در خط مقدم و ضمن نبرد تن به تن کشته شدند.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- سپاه جاویدان:

در نگاره‌های جبهه شرقی آپادانا، پشت سر شاه که بر تخت نشسته است، سربازان گارد نیزه دار در سه ردیف ایستاده‌اند. در اینجا با این سربازان به 10 هزار پارسی گارد جاویدان اشاره شده است. افراد این گارد را از این روی جاویدان می‌نامیدند که با کشته شدن هر يك از آنان بي درنگ يك نفر دیگر جایش را پر می‌کرد. لباس افراد گارد نشان می‌دهد که آن‌ها حتما پارسی بوده‌اند. همه این سربازان مسلح به نیزه‌ای هستند که در قسمت پایین آن يك انار کوچک قرار می‌گرفت و از همین روی یونانیان آن‌ها را <سیب بر> (انار بر) نامیده‌اند و در میان خاورشناسان به این نام شهرت یافته‌اند. گروه 10 هزار نفری خود از ده گروه 1000 نفری تشکیل می‌شد. شاخص فرمانده هر گروه، که هزارپت نامیده می‌شد، زرین بودن انار سر نیزه‌اش بود. انار افراد سیمین بود. فرمانده نیزه‌داران (انارطلایی نیز هزارپت خوانده می‌شد. این هزارپت ظاهر فرمانده همه نیروهای ایرانی نیز بود. به این ترتیب او قدرتی فوق العاده‌ای داشت. این شخص را شاه از افراد خانواده خود و یا از میان دوستان طرف اعتمادش بر می‌گزید.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- تشکیلات سپاه:

داریوش علاوه بر گارد پیاده جاویدان یک گارد 1000 نفری سوار نیز داشت. گروه‌بندی کل ارتش نیز، مانند نیروهای گارد جاویدان، ده دهی بود. گروه‌های 1000 نفری از گروه‌های 100 نفری متشکل از دسته‌های 10 نفری درست می‌شدند و هر گروه کوچک و بزرگ فرمانده مسول خود را داشت. در کنار گارد جاویدان که پیاده نظام بود، هنگ‌هزار نفری سواره نظام نیز قرار داشت. افراد گارد جاویدان که نخبگان سپاه ایران به‌شمار می‌آمدند و به طوری که از نگاره‌های شوش برمی‌آید علاوه بر پارس‌های مادها و ایلامی‌ها هم در آن شرکت داشتند، از نظر آرایش و پوشش و سلاح نیز سرآمد بودند. انتصاب افسران فرمانده گروه‌ها و ارتقاء آنها به سرداران و فرماندهان گروه‌های 10 هزار نفری بود، اما انتصاب سرداران و فرماندهان 10 هزار نفری را خودشاه به عهده داشت.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

6- فرماندهی سپاه: شاه فرمانده کل قوا بود و تا زمانی که نیروی رزم در بدن داشت سپاه را خود هدایت می‌کرد. برای کورش و داریوش اهمیتی نداشت که سرداران شان ایرانی باشند، اما از زمان خشایارشا و جافتادن سپاه، سرداران سپاه تنها از میان ایرانیان برگزیده می‌شوند و رفته رفته مقام سرداری کل سپاه ارثی می‌شود.

تنها انتصاب فرمانده گارد 10 هزار نفری و گروه 1000 نفری با شاه بود و این فرماندهان به نوبه خود فرماندهان گروه‌های کوچکتر را برمی‌گزیدند و به این ترتیب به روحیه، شیوه کار و توانایی‌های آنها اشراف کافی داشتند.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

7- تقسیم بندی سپاه در جنگ: سپاه بنا بر سنت به سه دسته تقسیم می شد: جناح راست، جناح چپ و جناح میانی که قلب سپاه بود و شاه را در میان می گرفت.



سرباز هخامنشی



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

8- جنگ افزارها:

در کنار نگاره‌های تخت جمشید و دستاوردهای باستان‌شناسی، به کمک نوشته‌های مورخان یونانی آگاهی کم‌وبیش خوبی از جنگ‌افزار دوره هخامنشی داریم. از جمله در نگاره‌های درگاه‌های کاخ داریوش در تخت جمشید می‌توان به برداشت خوبی از سپرهای نی‌بافت دوره هخامنشی رسید. البته در اینجا به شکل چهارگوش سپرهایی از این دست از گورهای پازیریک نیز به دست آمده‌اند.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

8- جنگ افزارها:

برای يك جنگجوی ایرانی تیر و کمان اسلحه‌ای تعیین کننده بود. تیر و کمان در کماندانی که خاص ایرانی‌ها بود حمل می‌شد. در نگاره‌های تخت جمشید با این سلاح ایرانی به فراوانی برمی‌خوریم. ایرانیان به گمان در سده پنجم ق م گردونه داسدار را اختراع کردند. این گردونه نه تنها از چپ و راست نیزه و شمشیرهایی که نکشان به طرف جلو قرار گرفته بود می‌بستند، بلکه چرخ‌ها را هم مجهز به داس‌هایی می‌کردند که نک‌های تیزشان به هر سوی چرخ اشاره داشت. این نیزه‌ها و تیغ‌ها هرچیزی را که بر سر راه اربه قرار می‌گرفت تکه‌تکه می‌کردند. سپاه ایرانی‌ها تا اواخر سده چهارم ق م همه پیروزی‌هایش را مدیون این اختراع است. تنها در برابر اسکندر بود که از دست این اربه‌ها کاری ساخته نشد. هراسی که این گردونه‌ها در دل دشمن می‌افکندند بیش از کارایی واقعی آن‌ها بود.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

9- پادگان ها:

در هر استان، یا ساتراپ‌نشین، نیرویی متشکل از سوارکار، تیرانداز و فلاخن انداز و سپردار برای مقابله با حمله دشمن نگهداری می‌شد. علاوه بر این در هر قلعه دژي نیز با نیروی لازم وجود داشت و شاه به هنگام سرکشی به این دژها دژبانی (ارگبد؟) راکه در نگهداری دژ مسامحه کرده بود تنبیه می‌کرد. از مجموع این خبر چنین بر می‌آید که منظور از نیروهای ثابت و دژ، ارگ یا ابواب جمعی ارگ بوده است. گزنفن به جای واژه ارگ معادل یونانی آن آکروپولیس (ارگشهر-دژ شهر) را به کار برده است.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

10- قلعه ستانی:

از گزارش‌های هرودت چنین برمی‌آید که ایرانیان از ابزار لازم برای در هم شکستن دیوار قلاع و دژها برخوردار بوده‌اند.

WWW*PNU*IR





سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

11- حقوق سپاهیان:

سپاهیان حقوق خود را در ساتراپی‌ها به صورت نقدي یا جیره مواد غذایی از ساتراپ‌های محلي دریافت می‌کردند، اما در حقیقت سرباز شاه بودند، نه ساتراپ.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

12- نیروی دریایی:

اقدامات داریوش در شناسایی دریاها و آبراهه ها.
حفر کانال بین دریای سرخ و به مدیترانه.
بکارگیری توان دریایی ملل دریانورد زیر فرمان مانند فینیقی ها،
مصری ها و یونانی هادر هر حال دریا سالار یک ایرانی بود.
وجود کشتیهای بلند و تجهیزات پل سازی برای عبور سپاهیان





سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

13- ترکیب و تعداد سپاهیان:

سپاهیان ثابت ارتش همان افراد گارد شاهنشاهی و گاردهای ساتراپی‌های گوناگون و نیروهای ثابت دژهای مرزبانی بودند و تنها به هنگام جنگ بود که ایرانیان به فرمان شاه و سپس ساتراپ‌ها در پادگان‌هایی که لابد برای این منظور در هر ساتراپی وجود داشت گرد می‌آمدند. در صفحات مرزی حتی به هنگام صلح هر از چندی مراسم‌سان و رژه برگزار می‌شد که در حقیقت نوعی مانور نظامی بود. در این مانورها علاوه بر نیروهای ثابت رعایای موظف نیز شرکت می‌کردند.



سپاه هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

14- سربازان مزدور :

در ساتراپی‌های غربی همسایه یونان همواره تعدادی مزدور یونانی نیز در خدمت نیروهای مرزی قرار داشتند. برای ساتراپی‌های دیگر معمولاً تعداد سربازان در حال خدمت بستگی به وضعیت منطقه داشت.

شاهان هخامنشی ترجیح می‌دادند که در جنگ‌های خود از نیروهای مزدور بیگانه نیز استفاده کنند. سربازان مزدور این مزیت را داشتند که در قبال حقوقی که می‌گرفتند، به جای اطاعت از سران و امیران محلی و سران قبایل، فقط در خدمت شاه بودند. به این شکل شاه ترتیبی می‌داد تا یونانی در برابر یونانی‌بجنگد. علاوه بر یونانی‌ها از اقوام تورانی و قفقازی نیز استفاده می‌شد.



پرچم در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

معروفترین پرچم ایران باستان درفش کاویانی است که پرچمی است
افسانه‌ای، اسطوره‌ای، حماسی و بالاخره تاریخی.

از درفش کاویانی در سراسر افسانه‌های اساطیری ایران یاد شده و برای مردم
ایران درفش کاویانی سمبل رهایی است. درفش کاویانی پوستی است که کاوه
آهنگر از کمر خود باز کرد و در راه گرد آوردن مردم برای جنگیدن با
ضحاک بر سر چوب کرد. فریدون این درفش را به زر و گوهر آراست تا آن
را بسان پرچم پیروزی در جنگ‌ها به کار برند.

در زمان کورش درفش پادشاهی ایران عقاب زرینی بود با بال‌های گشوده.
در اوستا و شاهنامه نیز به نشان عقاب اشاره شده است.

پس از سقوط هخامنشیان، اسکندر عقاب را نقش سکه‌های پادشاهی خود کرد و
از طریق یونان عقاب درفش ایرانی به دیگر کشورهای اروپایی و مصر راه
یافت و تا به امروز هنوز عقاب ارتش ایران باستان، غالب‌ترین نقش
پرچم‌های بسیاری از کشورهای جهان است



رفتار مردم، اقتصاد و اجتماع

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- تساحل و تسامح:

هنوز روشن نیست که آیین زرتشت دین رسمی شاهنشاهی هخامنشی و یا دست کم پارس‌ها بوده است یا نه. یکی از دلایل تساحل و تسامح آشکار ایرانیان باستان در برخورد با دین‌های کشورهای زیر سلطه خود نیز همین بوده، که هنوز به صورت يك بيش مسلط در نیامده بوده است.



رفتار مردم، اقتصاد و اجتماع

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- نامگذاری:

این که ایرانیان شیفته فضیلت و شجاعت بودند از شیوه نامگذاری آن‌ها پیداست. در میان نام‌های ایران باستان کم نیستند نام‌هایی که با ارته (فضیلت)، خشره (فرمانروایی) و رشه (پهلوان، دلاور) درست شده‌اند.

بی‌شماری از نام‌های ایران باستان از ترکیب نام یکی از جانوران محبوب درست شده‌اند. گاهی از حالت مصغر نام این جانوران مانند اسبک و گورخرک نیز استفاده می‌شد. اما بدون شك اسب جای ویژه خود را در نام‌گذاری داشت. نام‌های ایران باستان به ندرت رنگ و بویی مذهبی داشتند و با این که ارته جان‌مایه آیین زرتشت است، در ترکیب نام‌ها باید که سابقه‌ای کهن و مربوط به دوره آریایی داشته باشد. مانند نام‌هایی که از ترکیب بغ (خدا) و میترا درست شده‌اند.



رفتار مردم، اقتصاد و اجتماع

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- ظروف:

در دربار و بزرگان برای نوشیدن از ریتون استفاده می شد. ریتون یک ابداع ایرانی بود که به شکل سر جانوران ساخته می شد. نمونه های زیبایی از این نوع جام در موزه های جهان، با شیارهایی افقی یا عمودی بر بدنه خود همچون نقش مهری از هنر هخامنشی، در موزه های جهان پراکنده اند. بیشتر از نیم تنه بز یا قوچ کوهی یا شیر برای ساخت ریتون های زرین یا سیمین استفاده می شد. از دستاوردهای کاوش های زیویه در لرستان پیداست که مادها ریتون را از سفال نیز می ساختند.





رفتار مردم، اقتصاد و اجتماع

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



3- ظروف:



رفتار مردم، اقتصاد و اجتماع

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در ظرف‌های فلزی پرکاری که از این دوره به دست آمده‌اند اغلب به قوچ کوهی برمی‌خوریم. قوچ سمبل فر شاهی (خورنه) بود.

غلات را تقریباً به روشی که تا چند دهه پیش معمول بود در کندوهای بزرگی که برخلاف بیشتر کندوهای امروزی نیمی از آن در زمین چال شده بود، انبار و ذخیره می‌کردند. برای دسترسی بهتر به ته ذخیره، به مرور از حجم پایین کندو کاسته می‌شد. آب را در کوزه نگهداری می‌کردند و در سفر و به هنگام کار هر کس کوزه‌ای مانند قمقمه به همراه داشت. یک بر این کوزه‌ها پخ بود تا به آسانی بتوان آن را از پهلوی خود یا پهلوی مرکب همراه آویخت.



رفتار مردم، اقتصاد و اجتماع

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

شکل ظرف‌های سفالین به دست آمده از دوره هخامنشی تقریباً بدون تنوع زیاد در سراسر شاهنشاهی یکسان است. ظرف‌های گوناگونی که از این دوره به دست آمده‌اند نشان می‌دهند که در ساخت مخصوصاً دسته آن‌ها از شکل جانوران استفاده می‌شده است. در ملاقه و ظرف‌های مانند صافی و تابه و کندر سوز بیشتر به سر مرغابی برمی‌خوریم.



رفتار مردم، اقتصاد و اجتماع

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- باورها:

ایرانیان اجازه ندارند از چیزی صحبت کنند که حق پرداختن به آن را ندارند. هیچ توهینی بزرگتر از این نیست که کسی متهم به دروغگویی شود. پس از دروغ، بدهکار بودن مذموم است. زیرا ایرانیان بر این باورند که بدهکاری سبب دست‌یازیدن به دروغ می‌شود. جذامی‌ها حق ورود به شهر و آلوده کردن دیگران را ندارند. آن‌ها بر این باورند که بی‌حرمتی به خورشید سبب ابتلاء به جذام می‌شود. رودخانه‌ها هم در نظر ایرانیان از احترام ویژه‌ای برخوردارند. مغان در کشتن حشرات و مارها و پرندگان به یکدیگر تاسی می‌جویند.



رفتار مردم، اقتصاد و اجتماع

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- مردگان:

هرودت می‌نویسد، ایرانیان جسد مردگان خود را نخست جلو پرندگان و سگ‌ها می‌گذارند و بعد پس از از اندود آن با موم آن را به خاک می‌سپارند. یافته‌های باستان‌شناسان نشان می‌دهد که ایرانیان مردگان خود را دفن می‌کرده‌اند. دفن مرده در کف اتاق‌ها در ایران نیز معمول بود. نوع بهتر و تجملی این بود که مرده را نخست در کندویی قرار می‌دادند و سپس کندو را چال می‌کردند.



رفتار مردم، اقتصاد و اجتماع

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

6- کشاورزی و دامداری:

ایرانیان از دیرباز با کندن قنات به شیوه هوشمندانهای بر کم‌آبی و بی‌آبی چیره شده‌اند. در سراسر ایران سدهای زیادی نیز از دوره هخامنشیان شناسایی شده‌اند. سدهای هخامنشی برای پیش‌گیری از رویدادهای ناگوار، سیلاب‌ها و کاستن از آسیب‌های آنها نیز کاربرد داشته‌اند.

نیاز به آب سبب شده است که فرهنگ دینی مردم چندین ایزد را ویژه خود کند. توجهی را که شاهان هخامنشی به مهار و تامین آب و کاشت درخت و ایجاد پردیس (فردوس) داشتند، کشاورزان نیز در ابعاد کوچک‌تر از خود نشان می‌دادند. زندگی در ایران سخت نیازمند کاشت و برداشت بود. معمولاً چنین بود که زمین و مقداری بذر از سوی دیوان حکومتی در اختیار کشاورز قرار می‌گرفت و کشاورز مانند روندی که تا چند دهه پیش معمول بود، به نسبت زمین، بذر، گاو، آب و نیروی کار، سهم خود را از محصول بر می‌داشت. گاهی در لوح‌های دیوانی مربوط به زمین‌های اجاره‌ای درباری از نخست به شیوه دیگری نیز از تعیین حق‌الاجاره بر می‌خوریم.

7- غذا:

به نظر می‌رسد که جو غذایی اصلی مردم بوده است.



، مقادیر و پول اوزان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- اوزان :

در میان اشیائی که از هخامنشیان برجای مانده است به تندیس‌هایی سنگی برمی‌خوریم که مخصوص توزین بوده‌اند. در زمان هخامنشیان معمولاً مواد غذایی را به جای وزن کردن به پیمانه (کیل) می‌زدند.

1-1- تالان بزرگترین واحد وزن بود. هر تالان 60 مین (یا پوند) $30/1$ کیلوگرم وزن داشت. اصطلاح فارسی این واحد معلوم نیست.

1-2- کرشه به وزن 83 و یک‌سوم گرم، برابر با 10 و یک‌سوم شکل بابلی، در سراسر شاهنشاهی تا به مصر رواج داشت.



، مقادیر و پول اوزان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- اوزان :

1-3- یکی دیگر از واحدهای توزین در زمان هخامنشیان ارتبه است که به نوشته هرودت در مصر نیز مورد استفاده داشته است. واژه ارتبه را یونانی‌ها برای واژه فارسی باستان rdbha (تحت اللفظی: رو به بالا، ایستاده) به کار برده‌اند که بعدها در جهان اسلام به ادب تبدیل شده است. ارتبه قرن‌های متمادی در بسیاری از کشورهای اسلامی - عربی، به ویژه در مصر، به صورت يك واحد معتبر برای توزین غله عمل کرده است.

1-4- در بین‌النهرین باستان پیمانۀ اصلی از روزگاران قدیم قه بود. ایرانی‌ها قه را dathvya یعنی يك دهم می‌نامیدند. زیرا قه برابر با يك دهم واحد ایرانی گریوه (9/7 لیتر) بود. يك گریوه يك کوزه بود که ایرانی‌ها برای آن واژه بازیش (=باج) را به کار می‌بردند. ظاهراً در گذشته دور باج یا مالیات به کوزه جمع‌آوری می‌شده است.



، مقادیر و پول اوزان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

2- واحد طول:

در سنگ‌نبشته داریوش در شوش، به واحد اندازه‌گیری ارش (آرنج، گز) به صورت ارشنیش برمی‌خوریم. طول این واحد اندازه‌گیری در دوره‌های مختلف تغییر یافته است. هینتس این واحد را حدود $50/36$ سانتیمتر تخمین زده است. این مقدار درست برابر است با یک و نیم پا. به این ترتیب هر پا می‌شود $34/24$ سانتیمتر.

جالب است که آجرهای ایران باستان $34/24$ سانتیمتر طول $14/5$ سانتیمتر طول داشته‌اند. ایرانی‌ها بر این اساس ذرع شاهی را درست کرده‌اند که $68/48$ سانتیمتر (دو پا) طول دارد. ذرع شاهی به همه جهان عرب اسلامی راه پیدا کرده است. واژه ایرانی ارشنیش از طریق زبان‌های ترک و تاتار به صورت ارشین وارد زبان‌های روسی و بلغاری و ارشینه وارد زبان آلمانی شده است.



، مقادیر و پول اوزان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- پول:

تا اواخر فرمانروایی داریوش دادوستد، جز به ندرت که پرداختی به نقره بود، بیشتر به صورت پایاپای انجام می گرفت. پس از ضرب سکه نقره به وسیله داریوش نیز سکه در فلات ایران رواج نداشت و از آن تنها در بازرگانی با یونانیها در آسیای صغیر استفاده می شد. البته در درون ایران شمش نقره یا نقره پاره و سکه های سیمین یونانی کاربرد داشت.





، مقادیر و پول‌اوزان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

شکل نقره بابلی 8 و یک‌سوم گرم وزن داشت. ایرانی‌ها این سکه را پنجوکه (پنجه یا پنجك) می‌نامیدند. داریوش احتمالاً در سال 510 ق م تصمیم گرفت که به تقلید لیدیایی‌ها از طلا و نقره ناب سکه‌بزند. ارزش رسمی بهای طلا نسبت به نقره 1 به 13 و یک‌سوم بود. ضرب سکه طلا از حقوق شاه بود و کسی دیگر چنین اجازه‌ای را نداشت. در عوض ساتراپ‌ها و حتی شهرهای آسیای صغیر می‌توانستند سکه نقره بزنند. سکه طلای داریوش به‌نام او داریکه (داریوشی) نامیده می‌شد.





، مقادیر و پول اوزان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



داریوش بر روی سکه داریکه با زانوانی که به حالت کمین خمیده‌اند در حال تعقیب است. او تاجی کنگره‌دار بر سر دارد، نیزه‌اش را به دست راست گرفته و در حالی که ترکش خود را بر شانه چپ آویخته، کمانی‌ایلامی را در دست چپ دارد. به خاطر این کمان‌یونانی‌ها به شوخی سکه‌داریوشی را کمانگیر می‌نامیدند. داریوشی تا پایان هخامنشیان همچنان داریوشی ماند. سکه‌های هخامنشی یک رویه هستند و پشت سکه فاقد تصویر و نوشته است.



قیمت‌ها

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

چون پرداخت حقوق به صورت غیر نقدي بود، ناگزیر مهم‌ترین مواد غذایی از سوي دولت (دربار) قیمت‌هایی ثابت داشتند. لوح‌های دیوانی نشان می‌دهند که قیمت‌های زمان داریوش در طول فرمانروایی خشیارشا و اردشیر اول نیز بدون تغییر مانده‌اند. قیمت‌ها از سوي داتم (قانون) تعیین می‌شدند.





قیمت‌ها

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

از برده‌داری در ایران نداریم. اما بنا بر سندی استثنایی ظاهراً بانك يهودي اگيبي در خوادايشتیه، که در نزدیکی تخت جمشید قرار داشت، شعبه‌ای برای خرید و فروش برده داشته است. قیمت متوسط برده، که چگونگی وجود آن روشن نیست، 80 شکل (144 مارك طلا) بوده است. با این همه گمان نمی‌رود که در ایران برده‌داری به شکل شناخته آن معمول بوده باشد.



دستمزدها

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در ایران هخامنشی پول تقریباً نقشی نداشت و دادوستد و دستمزدها به صورت پایاپای و جنسی بود. ظاهراً سکه‌های طلای داریوشی، به‌تقلید از آسیای صغیر، بیشتر نمایش شخصیت ضرب شده بودند.





دستمزدها

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

از طریق لوح‌های دیوانی می‌دانیم که داریوش پیشه‌وران را نیز
تأحدودی مانند سپاهیان طبقه‌بندی کرده بود. پیشه‌وران و
هنرمندان ماهر درجه یک افسر فرمانده گروه صدنفری را
داشتند.

به این ترتیب دیوان اداری هخامنشی هنرمندان را با توجه به
توانایی‌ها و مهارت‌ایشان طبقه‌بندی کرده بود. در لوح‌های
دیوانی به شاخه‌هایی گوناگونی از پیشه‌ها برمی‌خوریم. از آن
میان: سنگ‌تراشان و سنگ‌سابان و نقش‌اندازان، نجاران و
خراطان، طناب‌بافان و بافندگان و آهنگران.



طبقات اجتماعی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در زامیاد یشت، که یکی از یشت‌های کهن بوده و خود تاریخ پیدایش نامشخصی دارد، مردم نسبت به پیشه‌ای که دارند به سه گروه تقسیم شده‌اند: آثرونان (پیشوایان دینی)، ارتشتاران (گردونه‌داران یا رزمیان) و واستریوشان (برزیگران).

پیداست که در زمان سرایش این یشت، چهره اصلی جامعه هنوز روستایی بوده است. در یسنا از گروه چهارمی نیز به نام هوتخشان (پیشه‌وران) نام برده شده است. ظاهراً گروه اخیر در اصل با گروه برزیگران یک طبقه را تشکیل می‌داده‌اند و طبقه پیشه‌وران هنوز چنان اندامی نگرفته بوده‌است که بتوان از آن به نام یک طبقه مستقل یاد کرد.

برخی از منابع مانند طبری و ثعالبی این تقسیم‌بندی را به پای جمشید افسانه‌ای می‌نویسند.

در این طبقه‌بندی صنفی نخست روحانیان نیرویی عمده به شمار می‌آمدند، اما کم‌کم به سبب خصلت کار بزرگان و ارتشتاران از قدرتشان کاسته شد و با پیچیده شدن کارهای دولتی، در وظایف و نقش روحانیان و کشاورزان دگرگونی‌هایی پدید آمد. برای نمونه در حالی که کار قضاوت و دادگاه‌ها در دست روحانیان باقی‌ماند، اداره امور کشور و گردآوری مالیات، به ارتشتاران، که در حقیقت بخشی از بزرگان کشور بودند، سپرده شد.



طبقات اجتماعی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

لوح‌های دیوانی نشان می‌دهند که طبقه بزرگان یا طبقه حاکمی که مدیریت کشور را در دست دارد با 3 گروه مشخص اعمال مدیریت می‌کند، که خود می‌توانند متعلق به 3 طبقه یادشده باشند:

گروه اول که در لوح‌های ایلامی <شلوپ> نامیده می‌شوند آزادان هستند که فقط از پارس‌ها تشکیل می‌شوند.

گروه دوم با فارسی‌گردیا (خانگی) اغلب هزاران کارگر ساده‌ای را می‌خوانند که برای دربار کار می‌کنند. اینان را می‌توان نیم‌آزادان نامید که برای مدتی معین نازیراز کار در دربار بودند. برای نمونه در لوحی می‌خوانیم که یک نفر بابلی برای کار در ایلام خوانده شده است.

گروه سوم که در لوح‌های ایلامی لیپ (خدمتکار) نامیده می‌شوند. تعداد اینان در مقایسه با آزادان و نیم‌آزادان بسیار اندک است. این گروه هستند که برخی خواسته‌اند آن‌ها را، چون ماهانه به جای 30 لیتر 20 لیتر جو دریافت می‌کنند، برده‌بنامند. این برداشت بسیار مساله‌آفرین است. از پرداخت ناعادلانه حقوق کم هرگز نمی‌توان به اصطلاح کاملاً مشخص برده با تعریف مشخص خود رسید. در میان این کارگران، که حقوق مدنی آنان برابر با حقوق اسیران جنگی است، هیچ کارگری که زن باشد به چشم نمی‌خورد.



زن در دوره هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

سندهای فراوانی که درباره برابری زن و مرد در ایران باستان وجود دارد در ایران باستان زن و مرد در کنار هم و با حقوق برابر کار می‌کردند. از زن به خاطر نیاز به حضور او در خانواده بیشتر برای کارهای ثابت که نیازی به سفر ندارد و غیبت از خانه استفاده می‌شد. اما لوح‌های گلی نشان می‌دهند که در کارهای ثابت زنان می‌توانستند به پست‌های بالاتر نیز برسند. در کارگاه‌های شاهی همواره سرپرستی و مدیریت با زنان است و مردها در کارگاه‌های خیاطی زیر دست‌زن‌ها کار می‌کنند.





زن در دوره هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

اغلب، با توجه به نبود زن در نگاره‌های هخامنشی، به‌ویژه در نگاره‌های تخت‌جمشید، چنین تصور می‌شود که زن هخامنشی هرگز به تصویر در نیامده است. در حالی که در میان آثار هنری کوچک از دوره هخامنشی به نقش‌های بیشمار بر می‌خوریم که به کمک آن می‌توان به تصویر کاملی از آرایش و پوشش زن هخامنشی دست یافت. شاید بتوان نبود حضور زن در نگاره‌ها را ناشی از آن دانست که زن در چارچوب برنامه‌های نمایشی دولتی و عمومی نمی‌گنجیده است و این نهبه این معنی که هخامنشیان به زن بی‌اعتنا بوده‌اند. از هرودت می‌شنویم که به‌دستور داریوش از همسر محبوب او ارتیستونا تصویر یا مجسمه‌ای از طلا ساخته بودند.



دین در دوره هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

آیا هخامنشیان زرتشتی بودند؟ با بازخوانی خط میخی فارسی باستان امید می‌رفت که از دین هخامنشیان اطلاعاتی به دست آید. اما پس از بازخوانی خط و همه نبشته‌های میخی هخامنشیان، سکوت اینان درباره دین خود مورخان را بیشتر از پیش مبہوت کرد. چرا شاهی که با حرارت تمام از ویرانی پرستشگاه‌ها به دست گئومات و بازسازی آنها به فرمان خود سخن می‌گوید و هیچ گامی را بی‌نام اهورمزدا بر نمی‌دارد، خلوتی را در تخت جمشید برای آیین‌های دینی پدید نیاورده است؟



دین در دوره هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

نخستین سندهای مکتوبی که در ایران به آناهیتا اشاره می‌کنند سنگ نبشته‌های اردشیر دوم هخامنشی در همدان و شوش است. با توجه به این که با اردشیر دوم برای نخستین بار آناهیتا و میترا به میان می‌آیند، می‌توان چنین تصور کرد که در زمان این شاه هخامنشی امور مذهبی جریانی تازه یافته اند. در زمان اردشیر، بر خلاف معمول که نیایش‌ها در فضای باز انجام می‌گرفت، در شهرهای متعددی، با یک نوآوری تاریخی، معبد آناهیتا ساخته شد. با این که اردشیر درباره اهور مزدا کوتاهی نکرد، از منابع دیگر نیز می‌دانیم که به فرمان اردشیر مجسمه آناهیتا در شوش و همدان و بابل و دیگر مراکز بزرگ شاهنشاهی نصب برپاشد.



دین در دوره هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

گیرشمن معتقد است که نصب مجسمه آناهیتا در بلخ، سارد و دمشق بایستی به منظور پدید آوردن يك آیین مشترك در میان قوم‌های گوناگون شاهنشاهی صورت گرفته باشد. حتی گفته شده است که اردشیر دوم با آوردن نام میترا و آناهیتا در کنار اهور مزدا برای همیشه مزدائیسم را به جهنم تبعید کرد و در حقیقت دیگر نمی توان از مزدائیسم واقعی سخنی به میان آورد. در آخرین سنگ نبشته هخامنشیان از اردشیر سوم در تخت جمشید، آناهیتا از قلم دربار هخامنشیان می‌افتد. در این سنگ نبشته اردشیر سوم از اهور مزدا و میترا، در مقام يك بغ (خدا) می‌خواهد که او را بپاید.



دین در دوره هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در حالی که جز آناهیتا از دین هخامنشیان نشان مشخصی به دست نیاورده‌ایم، مجموعه لوح‌های دیوانی که اطلاعاتی را در اختیار مامی‌گذارند آخرین شانس مورخان برای نزدیک شدن به دین هخامنشیان و ملت‌های شاهنشاهی آنها است. لوح‌های ایلامی، که در آنها به نام بیشماري از خدایان و انواع روحانیان برمی‌خوریم، با اسناد هزینه‌های دربار برای آیین‌های قربانی انواع خدایان، به طور غیر مستقیم نور کم‌سویی بر اوضاع و احوال امور دینی اقلیت‌های قلمرو شاهنشاهی می‌افکند. شگفت‌انگیز است که در این لوح‌ها، برخلاف سنگ‌نبشته‌های هخامنشی، به ندرت به نام اهورمزدا برمی‌خوریم.

جالب توجه است که در لوح‌های دیوانی، به قربانی جانوران، به ویژه گاو، که زرتشت مخالف آن بود بر نمی‌خوریم. به گمان قربانی جانوران در زمان اردشیر دوم دوباره معمول شد.



دین در دوره هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

در نیمه نخست فرمانروایی هخامنشیان در میان قربانی‌های ثبت شده به نام خدایان، اغلب به اصطلاح لان برمی‌خوریم، که تقریباً به معنی حضور خدایی، آیین خدایی یا قربانی آیینی است. به گمان در لوح‌های دیوانی منظور از لان همین قربانی و نذر و نیاز آیینی است. برای لان به طور منظم حواله صادر می‌شود. گاهی این حواله‌ها جیره شاهانه نامیده می‌شوند و معلوم است که شخص شاه‌ترتیب صدور حواله‌ها را می‌داده است. از این روی گمان می‌رود که حواله‌ها با هورمزدا در پیوند بوده‌اند.





دین در دوره هخامنشی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

علاوه بر لان، برای دیگر خدایان ایرانی و به ندرت خدایان ایلامی نیز حواله‌هایی در دست است. به خوبی آشکار است که این خدایان اعتبار لان را ندارند. هرچه از تخت جمشید دورتر می‌شویم به تعداد دیگر خدایان افزوده می‌شود و سرانجام اهورمزدا در ایلام به‌کلی از قلم می‌افتد.

در لوح‌های دیوان اغلب در ارتباط با آیین‌های خدایان ایرانی به مغان برمی‌خوریم و هر جا که پای آتش در میان است، فقط در ارتباط با لان است. این ارتباط نیز ما را متوجه پیوند میان اهورمزدا و لان می‌کند. باید توجه داشت که در این دوره مغان مادی به رغم تمایلات دینی خود، گاهی مترادف می‌شوند با روحانیانی که می‌توانیم آن‌ها را روحانیان زرتشتی بخوانیم، که در آیین‌های دینی بیشتر با آتش سروکار دارند.



فرهنگ اسب در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- 1- اسب در زمان هخامنشیان آنچنان با فرهنگ ایرانیان در آمیخته است که از آن می‌توان به عنوان نمادی آیینی نام برد. شاهان هخامنشی در نبشته‌های خود به فراوانی بر این حقیقت بالیده‌اند که فرمانروای کشوری هستند که اسبان خوب دارد.
- 2- روایت معروف به فرمانروایی رسیدن داریوش از زبان هرودت نیز، حتی اگر افسانه محض باشد، بیشتر گویای ارجمندی اسب در فرهنگ ایران باستان است.





فرهنگ اسب در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- سنگ نگاره‌های تخت جمشید به خوبی بیانگر اهمیت اسب برای داریوش

اند. در حاشیه کهن‌ترین فرش ایرانی از روزگار هخامنشیان که از گوری سکایی در پازیریک، جنوب روسیه، به دست آمده است، 28 اسب همراه سوارکارانی متفاوت نقش بسته‌اند. بدون تردید انتخاب نقش اسب و همچنین توجهی که هنرمند طراح به آرایش زین و برگ اسبان داشته است آبشخوری فرهنگی دارد.

4- نگاره‌های دو تابوت سنگی از گزانتوس و صیدون دو پرده بسیار خوب و رسا از نمایش نیاز به کمک اسب به روح متوفی، از زمان هخامنشیان، در دست است.





فرهنگ اسب در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- حضور آیینی اسب مقدس در میان جلوداران سپاه ایران نیز نشانه‌ای است از تقدس و نقش این حیوان است.

6- گزارشات هرودت، گزنفن، اریان و کورتیوس در خصوص تقدس اسب نزد ایرانیان و اهمیت آموزش سوارکاری.



بافتگی در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- 1- یکی از کهن‌ترین صنایع دستی ایرانیان بافت انواع پارچه از پنبه، پشم و ابریشم بود. ایرانی‌ها از دیرباز با پنبه آشنا بودند.
- 2- نام ششمین ماه هخامنشی برابر با سپتامبر مسیحی از پنبه گرفته شده است. این ماه کرپسیه یا کرپاسیه (کرباس) نامیده می‌شد. باید یونانی‌ها از طریق ایرانی‌ها با پنبه آشنا شده باشند که به آن کرپس می‌گویند. بنابراین می‌توان وجود پنبه را در درون فلات ایران نیز امری بدیهی دانست.





بافتدگی در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- با توجه به این که مصریها کتان را می شناختند و بین النهرین نیز کارگاههای تولید کتان داشته است و مصر و بین النهرین در قلمرو شاهنشاهی هخامنشی قرار داشتند، نمی توان تصور کرد که ایرانیان دوره هخامنشی با کتان بیگانه بوده باشند.

4- جاده ابریشم که از ترکستان چین آغاز می شد، از راه ایران به شهرهای بندری سوریه می رفت که دارای کارگاههای بزرگ نساجی بودند. بدون تردید این جاده بزرگ در مسیر طولانی خود در ایران نیز بازارهایی برای کارگاههای کوچک پیشهوران ایرانی داشته است.



بافتگی در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

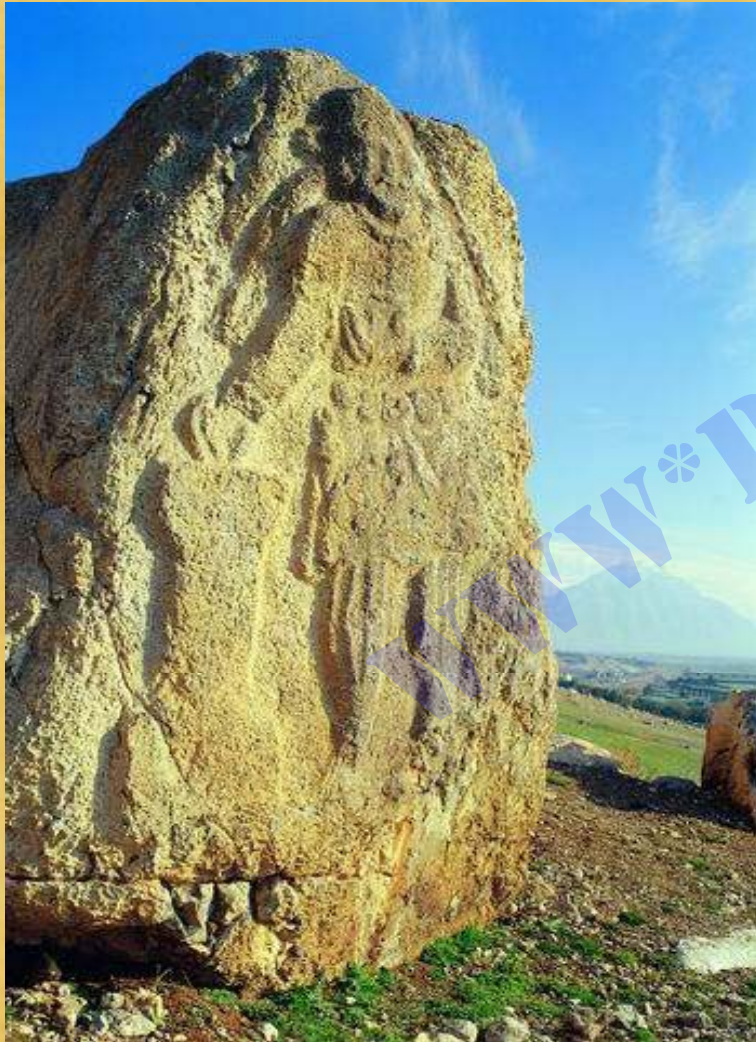
5- در گور پازیریک، در کنار اشیاء وارد شده از ایران، یک قطعه پارچه ابریشمی چینی با سوزن دوزی بسیار ظریف و بافته‌های ابریشمی دیگری پیدا شده است. در آتن نیز، از گوری از سده 5 ق م بقایایی از پارچه ابریشمی به دست آمده است. با توجه به این که ابریشم تنها می‌تواند از راه ایران به آتن راه یافته باشد، می‌توان گمان برد که ایرانی‌ها ابریشم را می‌شناخته‌اند و از دیرباز با بافت آن آشنا بوده‌اند.

6- نمونه‌ای فوق‌العاده زیبایی از این فرش از گوری سکایی در پازیریک، با نقش‌های هخامنشی به دست آمده است.



آرایش و پوشش در زمان مادها

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



1- منابع :

درباره آرایش و پوشش مادها، به رغم نبود منبع مکتوب، با منابع منقوش تزئینی و آیینی، اطلاعات گران بهایی در دست داریم .



آرایش و پوشش در زمان مادها

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

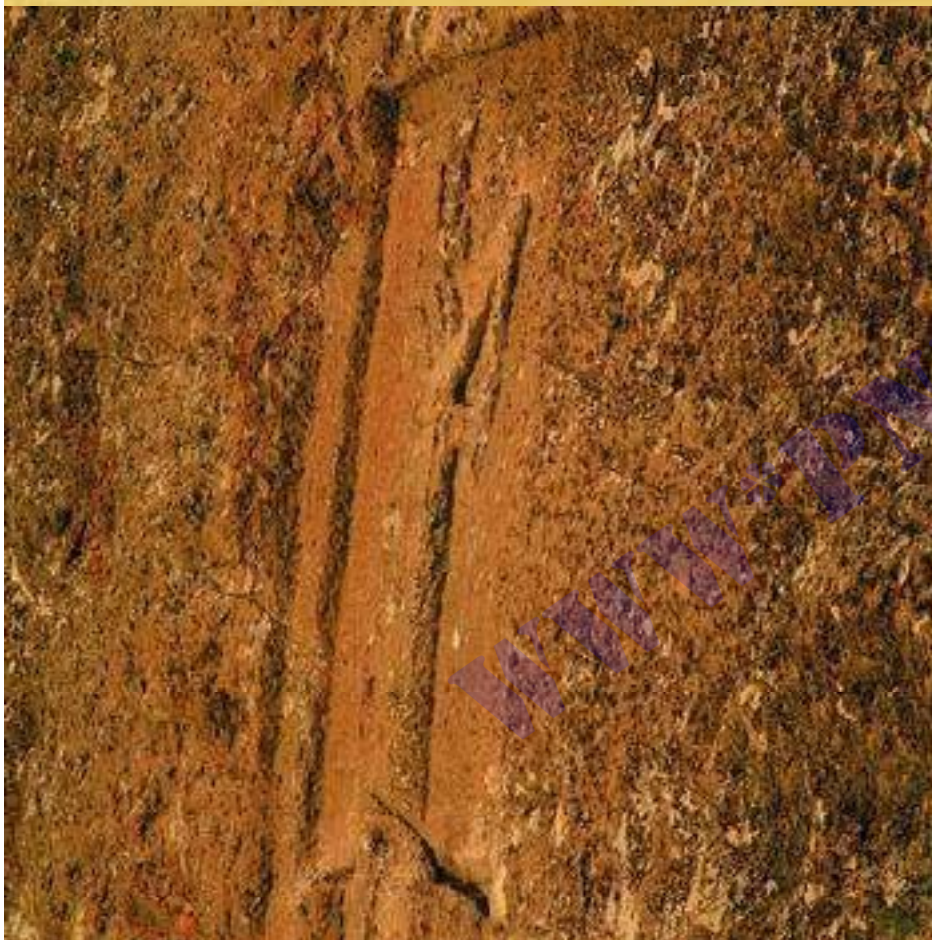
2-جواهر سازی:

علاقه مادها به فلزکاری و جواهر سازی سبب بر جای ماندن زیورآلات بسیاری از این قوم شده است. مادها پس از پیروزی بر آشوریان و تشکیل دولتی نسبتاً مقتدر و رسیدن به ثروت، به جواهرسازی توجه خاصی نشان دادند. قبلاً آشوریان جواهرسازان و صنعتگران ماد را به خدمت خود درآورده و آنان را به کشور خود انتقال داده بودند. داریوش نیز به هنگام ساخت کاخ شوش از جواهرسازان ماد استفاده کرد. شاید به سبب قدمت استفاده از فلز و فلزکاری نزد مادها است که در زبان روسی کلمه مس با واژه مد (ماد) بیان می‌شود. تنوع نقش‌های تزیینی در آثار به دست آمده از لرستان و گورستان سیلک‌نشان می‌دهد که از دیرباز در ایران از این وسیله زینتی استفاده می‌شده است.



آرایش و پوشش در زمان مادها

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی



دکان داوود

3- لباس:

با نگاره‌های آینه‌ها، نوارهای مخصوص سر و دیگر وسائل زینتی تصویر نسبتاً خوبی از لباسی که تیار و یا خود لباس ماد است بر جای مانده است. برای آشنایی با لباس يك شاه و همچنین مغان یا روحانیان مادی یا سکایی نگاره‌های گورهای صخره‌ای قیزقاپان، سکاوند و دکان داوود و سایر نگاره‌های مادی مغتنامند.



آرایش و پوشش در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

1- تنوع:

نگاه به آرایش و پوشش در دوره هخامنشیان، نگاه به آرایش و پوشش همه ملل قلمرو هخامنشی، یعنی تقریباً نیمی از جهان مطرح باستان است.

2- منبع:

نگاره ها به خصوص در تخت جمشید.
گزارش‌های جسته و گریخته برخی از مورخان یونانی به ویژه هرودت و گزنفن که مکمل اطلاعات منقوش شداند.



آرایش و پوشش در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

3- لباس هخامنشیان در زمان کورش:

لباس چین دار هخامنشی شبیه لباس ایلامیها نیست، بلکه خود لباس ایلامیها است. به عبارت دیگر هخامنشیان، به طوری که از قسمت پایین دامن کورش و ملازمش در کاخ پاسارگاد پیدا است، در زمان کورش لباس خود را از ایلامیها گرفته بوده اند.



آرایش و پوشش در زمان هخامنشیان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

4- مراحل تکامل لباس هخامنشیان در زمان داریوش:

در نخستین نگاره داریوش در بیستون با لباس داریوش، گئومات مغ و همچنین آسینه با اولین مرحله لباس چین دار هخامنشی به خوبی آشنا می‌شویم. لباس تندپسی سیمین از گنجینه جیحون، که امروز در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، مرحله آغازین این نوع لباس را نمایش می‌دهد.

نگاره‌های تخت جمشید، در کنار پاسارگاد و در مقایسه با آنچه که در پاسارگادمی بینیم، نشان می‌دهند که آخرین مرحله تکامل لباس هخامنشی در زمان داریوش بوده است.

نویسندگان یونانی همیشه از لباس پارس‌ها به منزله اشیاء بسیار قیمتی یاد کرده‌اند و لباس بزرگ‌ترین هدیه شاهانه محسوب می‌شد. اسکندر نیز به تقلید از شاهان ایرانی به کسی که در مسابقه‌ای برنده شده بود اجازه داد تا لباس پارسی بر تن کند. در ارتباط با زیبایی لباس هخامنشی گفته شده است، که اسکندر ایرانی‌ها را شکست داد و از لباس ایرانی شکست خورد.



تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

5- کلاه:

کلاه نیز مانند لباس در دوره هخامنشی صورت اونیفرم داشته است. از همین روی امروز برای بازشناسی ملیت‌های گوناگون از شکل کلاه استفاده می‌شود. کلاه یا تاج داریوش در نگاره بیستون دیهیم کنگره داری است که لابد از طلا بوده است. تاج داریوش در تکرار نگاره او در مجلس آرامگاه کمی پهن‌تر است. دیهیم‌شاه در نگاره کاخ کمی بلندتر است. اگر ستراپی به خود اجازه پوشیدن کلاه بلندتر از معمول را می‌داد، این حرکت او شورش علیه شاه تلقی می‌شد. از نگاره‌های موجود پیداست که در زمان خشیارشا و اردشیر اول تاج باز هم بلندتر می‌شود.





تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

کلاه سواران يك باشلق بود که یونانیان آن را تیارا می خواندند. در نگاره های تخت جمشید باشلق های مختلف شاهنشاهی اندکی متفاوت است.

این باشلق سر و صورت سوارکار را از آب و هوای نامناسب، مانند توفان برف و شن و یا باران، در امان نگه می داشت. برای پوشاندن دهان و بینی از دو انتهای باشلق استفاده می شد.

مغان نیز به هنگام قربانی و در مراسم آیینی باشلق بر سر داشتند، تا نفس آنان با آتش در تماس مستقیم نباشد.

تیارای شاه به سبب ارتفاعش ناگزیر از چرم بوده است. کلاه زن هخامنشی همان کلاهی است که مردها بر سر دارند و در نقش های بر جای مانده سرپوش کنگره دار و تاج مانند بیشتر به چشم می خورد.



هنر هخامنشی معماری و حجاری صنایع دستی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

هنر هخامنشی هنری است با دو وجه کاملاً متمایز و در عین حال هماهنگ. این هنر از يك سو مظهر قدرتی بزرگ و نوپا است و از سوی دیگر تجسم تنوع هنری همه‌ممل تابع این قدرت بزرگ. در طول این 220 سال، هنر هخامنشی چنان آهنگی آفرید که در آن به جایی تاثیرپذیری از هنر قوم‌های تابع فرمانروایی، قدرت شگفت‌انگیزی متبلور است که همه میراث هنر بومی و هنر پیرامون خود را در درون خود هضم کرد و سبب شد که هنر هخامنشی، بی‌گفت‌وگو، بدون عرض اندام هنری دیگر، خواه بومی و خواه غیربومی، هنر هخامنشی باشد. از جمله:





هنر هخامنشی معماری و حجاری صنایع دستی

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- 1- با تسخیر لیدی به دست کورش و دستیابی ایرانیان به معماران یونانی، زمینه تحولی بنیانی در هنر معماری ایران و هنر پیکرتراشی فراهم آمد، اما ظاهراً همان عوامل روحی ژرفی که تخت جمشید را به صورت دستاوردی از هنر ملی عرضه کردند، با تجربه ساخت کاخ‌های پاسارگاد، به رخنه تمام عیار هنر بیگانه پایان دادند.
- 2- دروازه ملل خشیارشا زاده هنر آشوری است، اما خون هنر ایرانی، درست مانند بدیهه‌سرایی ایرانی، در آن سنگسار شده است.
- 3- با این‌که برای نگاره مسطح نیز الگوهای فراوانی در آشور وجود داشت، در هنر هخامنشی نیز استقلال سبکی که برای نخستین بار وبدون ریشه تاریخی در ایران پدید آمده است غافل‌گیر کننده است. در حقیقت بیان بی‌پیرایه و بی‌درنگ مطلب برای هنرمند سنگتراش در درجه نخست از اهمیت قرار داشته است.
- 4- یکی از نگاره‌های بحث‌انگیز تخت جمشید نگاره حمله یک شیر به یک گاو نر است. این نگاره را معمولاً مربوط به جشن نوروز می‌دانند. ایلامی‌ها حلول زمستان به تابستان را با مبارزه شیر با گاو نر نشان داده‌اند.

پایان

تاریخ ایران ایلامیها و آریاییها
تا پایان دوره هخامنشی

- خدای بزرگ است اهورمزدا
- که این زمین را آفرید
- که آن آسمان را آفرید
- که مردم را آفرید
- که شادی مردم را آفرید
- که داریوش را شاه کرد
- یک شاه از بسیاری
- یک فرمانروا از بسیاری
- اگر می‌خواهی بدانی که چند بودند
- کشورهای که داریوش داشت
- پیکرهایی را نگر
- که تخت مرا بر دوش دارند.



WWW*PNUWEB*COM

